



وزارت معارف

تفسیر شریف

صنف دهم



تفسیر شریف - آنلاین

سال چاپ: ۱۳۹۸ ه. ش



سرود ملي

دا عزت د هر افغان دی	دا وطن افغانستان دی
هر بچی یې قهرمان دی	کور د سولې کور د توري
د بلوڅو د ازبکو	دا وطن د ټولو کور دی
د ترکمنو د تاجکو	د پښتون او هزاره وو
پامیریان، نورستانیان	ورسره عرب، گوجردی
هم ایماق، هم پشه ٻان	براھوی دی، ڦرلاش دی
لکه لمر پرشنه آسمان	دا هیواد به تل ٿلپری
لکه زره وي جاویدان	په سینه کې د آسیا به
وايو الله اکبر وايو الله اکبر	نوم د حق مودی رهبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تفسیر شریف

صنف دهم

سال چاپ: ۱۳۹۸ ه. ش.

مشخصات کتاب

مضمون: تفسیر

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی دیپارتمنت تعلیم و تربیة اسلامی نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: دهم

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامه وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

مکان چاپ: کابل

چاپ خانه:

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

حق طبع، توزیع و فروش کتاب‌های درسی برای وزارت معارف جمهوری اسلامی
افغانستان محفوظ است. خرید و فروش آن در بازار ممنوع بوده و با متخلفان برخورد

قانونی صورت می‌گیرد.

پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشد و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتمن برخوردار ساخت، و درود بی پایان بر رسول خاتم - حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، معلم، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برره سرنوشت‌ساز، رهبری و خانواده بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکر شده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به عنوان تربیت کننده گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس را آغاز کنند، که در آینده نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمن و معمار افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفاده بہتر کنند و خوش‌چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهییه و تدوین این کتاب درسی مجданه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقبی دارای شهر وندان آزاد، آگاه و مرفة.

دکتور محمد میرویس بلخی
وزیر معارف

فهرست

۱	درس اول : مفهوم و اهمیت علم تفسیر
۵	درس دوم : تفسیر سوره الفاتحة
۱۰	درس سوم : آغاز وحی با علم و قلم
۱۵	درس چهارم : تفسیر سوره الإخلاص
۱۸	درس پنجم : وحدانیت خداوند در ملک و آفرینش
۲۳	درس ششم : نام‌های نیکوی خداوند
۲۸	درس هفتم : انسان، بیهوده آفریده نشده
۳۲	درس هشتم : انسان در سایه نعمت‌های الهی
۳۶	درس نهم : دعوت به سوی خداوند
۴۰	درس دهم : ایمان و عمل صالح
۴۳	درس یازدهم : امانت و اهمیت آن در اسلام
۴۷	درس دوازدهم : مطابقت در گفتار و کردار
۵۱	درس سیزدهم : فرجام سرپیچی از ذکر خداوند
۵۴	درس چهاردهم : نیکوبی چیست؟
۵۸	درس پانزدهم : صلح و اهمیت آن در اسلام
۶۲	درس شانزدهم : نصایح لقمان حکیم به فرزندش (۱)
۶۷	درس هفدهم : نصایح لقمان حکیم به فرزندش (۲)
۷۱	درس هجدهم : خودداری از بدگمانی، غیبت و تجسس
۷۶	درس نزدهم : آداب داخل شدن به خانه‌ها
۸۰	درس بیستم : حرمت شراب نوشی و قماربازی
۸۴	درس بیست و یکم : امر به عدل و احسان
۸۷	درس بیست و دوم : حقوق والدین
۹۱	درس بیست و سوم : حقوق خویشاوندان، مسکینان و مسافران
۹۵	درس بیست و چهارم : عدالت و مسؤولیت در معاملات

مفهوم و اهمیت علم تفسیر

تعريف تفسیر

تفسیر در لغت: بیان نمودن، پدیدار ساختن و ظاهر کردن معنا را گویند.
در اصطلاح مفسرین: تفسیر، علمی است که به وسیله آن معنای الفاظ قرآن کریم و احکام و حکمت‌های آن دانسته می‌شود.

تاریخ علم تفسیر

تفسیر قرآن کریم، از مهم‌ترین و شریف‌ترین علوم شرعی است که وظیفه آن فهم قرآن کریم، بیان معنی، احکام و حکمت‌های نهفته در آن به اندازه توان انسان می‌باشد.

علم تفسیر، از صدر اسلام آغاز شده و رسول اکرم ﷺ اولین مفسر قرآن کریم می‌باشد که نظر به ضرورت، آیات زیادی از قرآن مجید را برای صحابة کرام ﷺ تفسیر فرموده‌اند.

در زمان صحابة کرام علم تفسیر توسعه یافت و از میان ایشان مفسران بزرگی چون خلفای راشدین، عبد الله بن عباس، عبد الله بن مسعود، أبي بن كعب ﷺ و امثال آن‌ها ظهرور نمودند.

در عصر تابعین رواج و رونق علم تفسیر بیشتر شد و علمای بزرگی چون حسن بصری، قتاده بن دعامة، عکرمه، مجاهد بن جبر و سعید بن جبیر (رحمهم الله) با تربیة شاگردان زیادی، در مناطق مختلف جهان اسلام خدمات عظیمی به علم تفسیر انجام دادند.

بعد از عصر تابعین تا عصر حاضر، هزاران کتاب در تفسیر و علوم قرآن به زبان عربی و سایر زبان‌ها تالیف شده است که نمایانگر خدمت گزاری مخلصانه مسلمانان به کتاب خدا می‌باشد. به اتفاق دانشمندان جهان هیچ کتابی مانند قرآن کریم طرف توجه بشر نبوده و در مورد آن همه تالیف و تحقیق و تبع علمی صورت نگرفته است.

از مهم‌ترین کتب تفسیر می‌توان از تفسیر امام طبری، تفسیر شاه پور اسفراینی، تفسیر کشف الأسرار میبدی، تفسیر کشاف زمخشri، تفسیر کبیر امام فخرالدین رازی، تفسیر بیضاوی، تفسیر مدارک التنزیل نسفی ، تفسیر ابن کثیر، تفسیر روح المعانی، تفسیر جلالین، تفسیر فی ظلال القرآن ، تفسیر تفہیم القرآن ، تفسیر معارف القرآن و تفسیر عثمانی مشهور به تفسیر کابلی و غیره نامبرد.

خدمت علمای افغانستان به علم تفسیر

وطن عزیز ما افغانستان، با سابقه درخشان و پر افتخار تاریخی و فکری، گهواره پرورش عده زیادی از قرآن شناسان و علمای نامدار تفسیر قرآن کریم است که از جمله آنان می‌توان خواجه عبدالله انصاری هروی متوفای سال ۴۸۱ هـ. ابوبکر عتیق سور آبادی هروی متوفای سال ۴۹۴ هـ. امام فخر الدین رازی متوفای سال ۶۰۶ هـ. مولانا حسین واعظ کاشفی متوفای سال ۹۱۱ هـ. مولانا مراد علی کاموی متوفای سال ۱۲۹۴ هـ. و دانشمند معاصر مولانا سلطان عزیز عزیز را نام گرفت.

اهمیت و جایگاه علم تفسیر

بارز ترین اهمیت علم تفسیر در آن است که ما را در فهم درست قرآن کریم و درک اوامر و نواهی خداوند متعال، کمک می‌کند تا با فهمیدن و عملی نمودن تعلیمات قرآن مجید، به مثابه اساس و بنیاد دین اسلام، به حیث نظام و قانون مکمل زنده‌گی، کنیم و به زنده گی خوشبخت و مطلوب در دنیا و آخرت نایبل شویم.

انواع تفسیر

با در نظر داشت وسعت علم تفسیر، وجود شیوه‌های متعدد علمی، تحقیق در معانی و حقایق قرآن کریم و روش‌های مختلف مفسرین، علم تفسیر به انواع متعدد تقسیم می‌شود که بعض آن را به شرح زیر توضیح می‌دهیم:

۱- از نظر محتوى و مضمون: علم تفسیر بر اساس محتوى و مضمون به دو نوع تفسیر نقلی یا تفسیر بالتأثر و تفسیر بالرأی یا تفسیر مبنی بر اجتهاد تقسیم می‌شود.

در تفسیر بالتأثر یا تفسیر نقلی به روایت و نقل صحیح اعتماد می‌شود، که عبارت است از:

- تفسیر قرآن به قرآن؛

• تفسیر قرآن به سنت؛ زیرا که سنت بیان کننده کتاب خداست؛

• تفسیر قرآن به روایت‌های صحابة کرام؛ زیرا که صحابه ﷺ از همه مردم به کتاب خداوند ﷺ دانا ترند.

• تفسیر قرآن به گفتار بزرگان تابعین؛ زیرا که آن‌ها دانش خود را بیشتر از صحابه فرا می‌گرفند. در واقع، تفسیر مبنی بر نقل و روایت صحیح، بهترین روش تفسیر به شمار می‌رود؛ زیرا استفاده از قرآن، سنت پیامر اکرم ﷺ، اقوال صحابه و فهم علمای تابعین در فهم نصوص قرآن کریم مدد واقع شده باعث نجات انسان از کج فهمی و لغتش در دانستن معانی و مفاهیم این کتاب عظیم الشأن می‌گردد.

تفسیر مبتنی بر رأی، آن است که مفسر در بیان نمودن معنای مورد نظر، در روشنی اصول علم تفسیر، قواعد زبان عربی و دیگر علوم شرعی، به فهم ویژه خود اعتماد نموده و احکام و حکمت‌های قرآن را براساس دیدگاه و نظر خویش استنباط کند.

تفسیر مبتنی بر رأی محض: آن است که بر اصلی استوار نباشد و به نام تفسیر بالرأی مذموم یعنی تفسیر عقلی ناپسندیده یاد می‌شود. این نوع تفسیر، حرام بوده و تفسیر قرآن کریم به این شیوه جواز ندارد؛ اما اگر کسی در دایره اصول زبان عربی، تعليمات شریعت و اصول تفسیر به این روش؛ یعنی با استفاده از رأی و اجتهاد، قرآن را تفسیر کند باکی نیست و از آن به نام تفسیر بالرأی محمود یعنی تفسیر با لرأی پسندیده یاد می‌شود.

۲- تفسیر از نظر اسلوب: تفسیر از نظر اسلوب و روش به چهار نوع تقسیم می‌شود: تفسیر تحلیلی، تفسیر موضوعی، تفسیر اجمالی و تفسیر مقایسوی.

در تفسیر تحلیلی، مفسر قرآن به تحلیل همه جانبه نص قرآنی پرداخته ابعاد مختلف آیت را مورد تبع و تحقیق قرار می‌دهد. در تفسیر موضوعی، مفسر به جمع آوری آیات قرآن در باره یک موضوع مشخص پرداخته آیات مذکور را با شیوه خاص، شرح و تفسیر می‌کند. تفسیر اجمالی، عبارت از بیان و شرح آیات قرآن کریم به شیوه آسان، مختصر و عام فهم و قابل استفاده برای همه مردم است؛ اما در تفسیر مقایسوی، مفسر قرآن به تبع و تحقیق در اقوال مفسرین دیگر در مورد آیت و یا آیاتی مشخص می‌پردازد.

چگونه‌گی نزول قرآن کریم

نزول قرآن کریم به دو شیوه صورت گرفته است که به صورت مختصر به شرح آن می‌پردازیم:

- ❖ قرآن کریم در بار نخست، به طور مجموعی و به یک باره‌گی، در شب قدر، به (بیت العزة) در آسمان دنیا نازل گردید؛ چنانچه قرآن کریم در سوره «قدر» نیز به آن اشاره نموده و می‌فرماید: «إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقُدْرِ» ترجمه: به درستی ما نازل کردیم قرآن را در شب قدر.
- ❖ فرود آمدن قرآن به صورت تدریجی مطابق با نیازها و رویدادها، که اولین آیات آن از سوره (العلق) در غار حراء بر پیامبر ﷺ نازل شد و در مدت بیست و سه سال؛ یعنی تا پیش از وفات پیامبر ﷺ نزول قرآن کریم تکمیل گردید.

فعالیت

علم شاگردان را به دو گروه تقسیم نموده از آن‌ها بخواهد که هر گروهی نام دو تفسیر را همراه با مفسر آن بنویسند و در باره آن‌ها به صورت مختصر توضیح دهند.



- ۱- معنای تفسیر را شرح نمایید.
- ۲- تفسیر در اصطلاح به کدام علم اطلاق می‌گردد؟
- ۳- تفسیر به چند قسم است، و هر یک دارای چه ویژه‌گی‌هایی می‌باشد؟
- ۴- حکم تفسیر بالرأی را توضیح بدهید.
- ۵- بعضی از کتاب‌های مهم تفسیر را نام ببرید.
- ۶- نقش علمای افغانستان در تاریخ و تمدن اسلامی را توضیح بدهید.
- ۷- بعضی از علمای بزرگ تفسیر و کتاب‌های شان را نام بگیرید.
- ۸- قرآن کریم چگونه نازل گردیده است؟

تفسیر سوره الفاتحة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ اهْدِنَا الصِّرَاطَ
الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا
الظَّالِمِينَ

معنای کلمات

الْحَمْدُ:

ثنا و ستایش

رَبُّ

الْعَالَمِينَ:

صاحب، پروردگار، مربی و کارساز

جمع عالم، یعنی: هر موجودی به جز خداوند متعال

الَّدِينُ:

ما را رهنمایی کن، و کامیاب و ثابت قدم گردان

حساب، جزا و پاداش

أَهْدِنَا:

جاده و راه

الصِّرَاطُ:

درست، راست

الْمُسْتَقِيمُ:

کسانی که مورد غضب قرار گرفتند. (یهود)

الْمَغْضُوبُ:

گمراهان (نصرای)

الظَّالِمِينَ:

ترجمه

حمد و ستایش خدایی را سزاست که پروردگار جهانیان است. آن که بخشاینده مهربان است. (خداآوند که) مالک روز جزاست. (پروردگار!) تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم. ما را به راه راست رهنمایی کن؛ راه کسانی که ایشان را شامل نعمت خویش قرار داده‌یی، نه راه کسانی که مورد غصب قرار گرفتند و نه راه گمراهان.

وجه تسمیهٔ سورهٔ فاتحه

سورهٔ فاتحه مکی بوده و به نام فاتحه مسما شده است؛ زیرا که قرآن کریم با این سوره آغاز می‌باید. این نام برای سورهٔ فاتحه در احادیث نبوی ﷺ نیز باز تاب یافته، مانند حديث پیامبر ﷺ که فرمودند: «لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ يَقْرُأْ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ»^(۱) ترجمه: کسی که سورهٔ فاتحه را نخواند، نمازش صحیح نیست.

نام‌های سورهٔ فاتحه

سورهٔ فاتحه نام‌های زیادی دارد. شماری از مفسرین بیشتر از بیست نام برای سورهٔ فاتحه ذکر نموده‌اند. از آن جمله نام‌های زیر ذکر شده است: الفاتحه، أم القرآن، السبع المثانی، الکنز، الوافیه، الکافیه، سورهٔ دعاء.

تفسیر

خداآوند متعال کتاب خویش را با **﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾** آغاز نموده تا هر مسلمانی بداند که سزاوار نیست کاری را بدون نام خداوند متعال آغاز نمود؛ زیرا هر کاری که بدون نام خداوند ﷺ آغاز یابد ناقص خواهد بود.

الله ﷺ: اسم خاص است برای معبد بر حق، و به غیر او تعالی اطلاق نمی‌گردد؛ پس تبدیل کردن این نام به تثنیه یا جمع مجاز نیست.

هر دو واژهٔ رحمٰن و رحیم، از کلمهٔ (رحمت) مشتق شده‌اند. رحمت در حق انسان‌ها به معنای نرمش دل است که صاحب خود را به همدردی و احسان و امداد دارد. رحمت یکی از صفات خداوند ﷺ می‌باشد که آن را برای خود برگزیده است.

(۱) سنن الکبری للبیهقی.

این سوره با حمد و ستایش الله ﷺ آغاز یافته است و از آنجایی که، حمد عبارت از ستایش زبانی بر صاحب نعمت می‌باشد و منظور از صاحب نعمت، همانا خداوند ﷺ است؛ پس او تعالیٰ مستحق این ستایش است و بس.

از صفاتی که در این سوره برای خداوند متعال ذکر گردیده و او را مستحق این ثنا و ستایش می‌سازد، این است که او تعالیٰ **﴿رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾** است که معنای آن در بالا بیان گردید.

همچنان خداوند ﷺ **﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾** است. خداوند ﷺ با ذکر این آیت بیان نموده که او در عین حال که پروردگار و مالک تمام مخلوقات است، نسبت به خلق خود (رحمان و رحیم) نیز می‌باشد. به این معنی که او تعالیٰ بخشنایندهٔ مهربان است.

همچنان او تعالیٰ **﴿مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾** است. این سومین صفت الهی ذکر شده، در این مقام می‌باشد. مالک از کلمهٔ مِلِك (به کسر میم) گرفته شده که معنای در اختیار داشتن چیزی همراه با قدرت تصرف در آن را می‌رساند؛ یعنی؛ خداوند ﷺ مالک و متصرف کامل روز قیامت بوده و حاکمیت و اختیار حساب را در آن روز تنها او خواهد داشت.

پس ذاتی که دارای چنین صفاتی باشد مستحق و سزاوار است که ما پرستش، بندگی، مدد خواستن و دعای خود را منحصر به او بسازیم؛ بنابرین خداوند متعال فرموده که بندۀ مؤمن به خدا رو آورد و بگوید که: **﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾** پروردگار! تنها ترا می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم.

عبدات، آخرین درجهٔ خشوع و فروتنی همراه با احساس محبت قلبی و سپاس‌گزاری، در پیشگاه پروردگار می‌باشد. به هر اندازه‌یی که انسان به عبادت و بندگی خداوند ﷺ رو آورد، به همان اندازه شرف و عزت کمایی می‌کند. اما کمک خواستن نشان بندگی حقیقی به خداوند ﷺ می‌باشد؛ زیرا انسان در برابر قوت و عظمت خداوند ﷺ، احساس ضعف و ناتوانی نموده از او تعالیٰ می‌خواهد تا او را کمک و یاری نماید.

تقدیم مفعول در جمله: **﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾** دلالت به حصر و تخصیص عبادت و بندگی برای الله ﷺ می‌کند و معنای جمله چنین می‌شود که: (فقط و تنها ترا عبادت می‌کنیم و فقط و تنها از تو یاری می‌طلبیم). حضرت عبد الله بن عباس رض در تفسیر این آیت فرموده اند: (تنها ترا عبادت می‌کنیم و غیر ترا عبادت نمی‌کنیم).^(۱) بنا بر این آیت کریمه و سایر آیات قرآن

کریم، همه انواع و مظاہر عبادت مانند سجده، رکوع، نذر، قربانی و ذبح، دعا، استغاثه، طلب کمک و استعانت، خوف، رجاء، توکل وغیره تنها و تنها برای خداوند جَلَّ جَلَّ صورت گرفته باید هیچ چیز و هیچ کس دیگر در آن‌ها با الله جَلَّ جَلَّ شریک ساخته نشود.

﴿ أَهَدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَعْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الظَّالِمِينَ ﴾ .

هدایت : عبارت است از رهنمایی همراه با مهربانی، برای رسیدن به مقصد. یکی دیگر از معانی «هدایت» بیان نمودن است. این کلمه، بیشتر در جهت خیر استعمال می‌گردد؛ پس معنای کلی این دو آیت چنین است: پروردگار!! ما را به راه راست که به خیر و سعادت در دنیا و آخرت می‌رساند، رهنمایی فرما، راه آن گروه از بندگان است که ایشان را شامل نعمت خویش قرار داده‌یی. نه راه کسانی از امت‌های گذشته و یا نسل‌های آینده که به خاطر عملکرد زشت و انحراف و گمراهی‌شان از طریق حق، مورد خشم و غصب تو قرار گرفته‌اند.

بر اساس اقوال مفسران، و مراد از **﴿ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ﴾** انبیاء (علیهم السلام)، صدقین، شهداء و صالحین و همه بندگان مؤمن و نیکو کار الله جَلَّ جَلَّ می‌باشد.

مفسران گفته‌اند: منظور از **﴿ الْمَعْضُوبِ عَلَيْهِمْ ﴾** همان کسانی است که حق را می‌شناسند و آن را ترک می‌کنند. بنا به قول راجح، منظور از آن‌ها گروه یهود می‌باشد. مراد از **﴿ الظَّالِمِينَ ﴾** کسانی است که حق را نمی‌شناسند که آن‌ها نصرانیان می‌باشند.

فواید و آموختنی‌ها

درس‌ها و عبرت‌های زیر را از آیات مبارکه سوره فاتحه باید آموخت:

- ❖ حمد و ستایش تنها به خداوند متعال منحصر بوده، او تعالیٰ آفریدگار تمام جهان و جهانیان است، و در روز قیامت او تعالیٰ مالک و متصرف می‌باشد و بس.
- ❖ صرف در پیشگاه خداوند متعال خشوع، فروتنی و خاکساری باید داشت و تنها از او کمک باید خواست؛ چنانچه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلْ اللَّهَ وَإِذَا اسْتَعْنَتْ فَاسْتَعْنْ بِاللَّهِ» ترجمه: هرگاه چیزی خواستی، از خدا بخواه، و هرگاه کمک طلب نمودی، تنها از خدا کمک طلب نما.
- ❖ تشویق به کردار نیک؛ تا انسان در روز قیامت، در زمرة نیکو کاران برانگیخته شود. و همچنان بیم دادن از راه باطل؛ تا آنکه انسان در روز قیامت، در شمار رونده‌گان راه باطل محسوب نگردد.

فعالیت

شاگردان به دو دسته تقسیم شوند و هر دسته، علاوه بر سه فایده فوق، دو فایده دیگر را نیز از خلال این سوره مبارک استخراج کنند.



به پرسش‌های زیر جواب بگویید:

- ۱- حکمت آغاز یافتن سوره فاتحه با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» چیست؟
- ۲- مراد از این قول خداوند ﷺ «مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ» چی می‌باشد؟
- ۳- از آیه مبارکه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» چه می‌آموزیم؟
- ۴- منظور از «الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ» و «الْأَضَالِّينَ» چه کسانی اند؟
- ۵- معنا و مفهوم هدایت را به گونه مختصر توضیح بدهید.
- ۶- دو فایده از فوایدی که در سوره فاتحه نهفته است بیان دارید.

آغاز وحی با علم و قلم

قال تعالیٰ: ﴿أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿خَلَقَ إِلَّا نَسَنَ مِنْ عَلَقٍ﴾ أَقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾ الَّذِي عَلَمَ بِالْقَلْمِ﴾ عَلَمَ إِلَّا نَسَنَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾

[العلق: ٥-٦]

معنای کلمات

أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ

علق:

بخوان به نام پروردگارت

عَلَمَ بِالْقَلْمِ

خون بسته؛ مرحله دوم از مراحل خلقت انسان

ترجمه

بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید، همان کسی که انسان را از خون بسته خلقت کرد،
بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است، همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود.

شأن نزول آیات

امام احمد بن حنبل رحمه الله و شیخین (بخاری و مسلم رحمهم ا اللہ) به روایت ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها در باره شأن نزول این سوره گفته اند: «آغاز وحی بر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم طوری بود که، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نخست رؤیای صادق (راستین) می دید. هر خوابی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می دید مانند روشنایی صبح راست می آمد، سپس رسول خداوند متعال به تنها نشینی روی آورد و تنها ی برایش خوش آیند می نمود. آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم به غار حرا می رفت و شب های تاق را در غار حرا در خلوت و نیایش سپری می کرد و سپس به خانواده خود بر می گشت و توشه تهیه نموده دو باره به خلوت گاه می رفت، باز به نزد همسرش خدیجه رضی الله عنها می آمد و توشه می گرفت.

در حالی که پیامبر ﷺ در غار حرا بود فرشته‌یی بر او ظاهر شد و گفت: بخوان. او گفت: من خواننده نیستم. پیامبر ﷺ گفت: پس مرا سخت فشرد و سپس رهایم نمود و گفت: بخوان. گفتم: من خواننده نیستم. پس دو باره مرا سخت فشرد و باز رهایم نمود و گفت: بخوان. گفتم: من خواننده نیستم. باز مرا برای بار سوم سخت فشرد و رهایم نمود و گفت:

﴿خَلَقَ إِلَّا إِنْسَنَ مِنْ عَلَقٍ ﴾ آقِرَأً وَرَبِّكَ الْأَكْرَمُ ﴿الَّذِي عَلَمَ بِالْقَلْمِ ﴾ عَلَمَ
إِلَّا إِنْسَنَ مَا يَعْلَمُ لَمْ﴾.

ترجمه: بخوان به نام پروردگارت که آفریده است؛ پروردگاری که آدمی را از خون بسته آفریده. بخوان و پروردگارت از همه بزرگوارتر است؛ آن که به وسیله قلم آموخت. به انسان، آنچه را آموخت که نمی‌دانست.

تفسیر

چگونگی آغاز وحی

این آیت‌ها، اولین آیت‌های قرآن کریم اند که با نازل شدن آن‌ها نبوت حضرت محمد ﷺ آغاز یافته است. این آیت‌های را جبرئیل علیه السلام بر پیامبر ﷺ در حالی فرود آورد که در غار حرا در اثنای مناجات قرار داشت. وحی خداوند ﷺ بر پیامبر ﷺ به کلمه امر: **﴿آقِرَأً﴾** نازل گردید. این آیت‌ها در حالی نازل گردید که پیامبر ﷺ خواندن را نمی‌دانست؛ اما جبرئیل علیه السلام امر خود را به قول (بخوان) ادامه می‌داد، که در این امر اهمیت و منزلت علم و معرفت نهفته است؛ زیرا مهم‌ترین راه علم آموزی (خواندن) است، و معنای **﴿آقِرَأً بِاسْمِ رَبِّكَ﴾** این است که به نام و به حکم پروردگارت بخوان؛ پس دانسته شد که قرائت و خواندن یک دستور الهی است.

دلالت‌های روشن این آیات

نص آیات قرآنی، دلالت دارد که بایستی قرائت و خواندن تو، به نام پروردگارت باشد؛ پس مسلمانان باید تمام علوم و فنون را به نام پروردگار و برای کسب رضای او تعالی بیاموزند. دلالت دیگر آیت‌های مبارک این است که خداوند ﷺ بر زیان پیامبرش، در حالی که خواننده نبود، قرآن معجز را جاری گردانید. پس باید دانست، آن ذاتی که هستی را آفریده، بر این هم قادر است که توان قرائت و خواندن را بیافریند.

عظمت پروردگار در آفرینش انسان از علقه (خون بسته) بیان گردیده. این نشانه قدرت او تعالی است که انسان را به مراتب بلند رسانیده و دروازه‌های دانش را به رویش گشوده است؛ زیرا که او پروردگار کریم و مهربان است.

خواندن و نوشتن بزرگترین بخشش‌های الهی

از مهمترین بخشش‌ها و نعمت‌های الهی بعد از نعمت خلق و آفرینش، علم است؛ همچنان از بخشش‌های او تعالی برای انسان این است که توسط قلم، علم و دانش را تعلیم داد؛ این ماده جامد را وسیله معرفت گردانید، و از آن این همه کتاب‌هایی را بار آورد که نسل‌های انسانی یکی بعد دیگری به دست می‌آورند و از آن می‌آموزند.

در تکریم و اهمیت قلم، خواندن و نوشتن، همین بس است که در قرآن کریم سوره کاملی به نام (سوره القلم) نازل گردیده که در آن، الله ﷺ به قلم و آنچه توسط آن نوشته می‌شود سوگند یاد نموده است. قلم وسیله آموختن، نشر علم و معرفت بوده و در ایجاد پیشرفت‌ها و تمدن بشری نقش بسیار مهم و اساسی دارد. آغاز نزول نخستین آیت‌های وحی بر رسول اکرم ﷺ دال بر این است که دین اسلام جایگاه بس بلند و عظیمی را برای علم دانش، خواندن و نوشتن قابل می‌باشد. نسل‌های پیشین مسلمانان با درک همین حقیقت، و با الهام گرفتن از این آیت‌های متبرکه و سائر آیت‌های قرآنی و احادیث نبوی به طرف علم و دانش روی آورده در زمان نه چندان دراز، تمدن بزرگ اسلامی را که یکی از مهم‌ترین تمدن‌های بشری است اساس نهادند. کتب، آثار علمی و اکتشافات و اختراقات علمی مسلمان در رشته‌های مختلف علم و معرفت از چنان اهمیت بزرگی برخوردار اند که تا امروز در مراکز علمی دنیا، از جمله کشورهای غربی تدریس گردیده از آن‌ها استفاده می‌شود.

برتری انسان بر سایر آفریده گان

مالحظه می‌گردد که او تعالی نخست خلقت و آفرینش را به طور مطلق ذکر نموده است تا همه مخلوقات را در بر گیرد؛ سپس انسان را نسبت برتری و شگفتی خلقت و فطرتش خاص و مکرم گردانیده، و آیت‌های خود را بر وی فرود آورده است.

خواندن ونوشتن دو وسیله مهم کسب معرفت

در آیات ذیل خداوند متعال خواندن را با نوشتن پیوست ذکر نموده است: **﴿آلَّذِي عَلَمَ بِالْقُلَمِ﴾**

یعنی انسان را با قلم آموخت داد که این یک نعمت بزرگ خداوند^{عَزَّوَجَلَّ} و وسیله تفاهمنیان انسان ها است. هرگاه نوشتن نمی بود، علوم نابود می گردید و اثری از دین باقی نمی ماند، زنده گی قوام نمی یافتد و نظم و قانونی بر پا نمی شد؛ زیرا نوشتن است که علوم، معارف و اخبار را ثبت می کند، اخبار گذشته گان را درج نموده و وسیله انتقال علوم در میان انسان ها و ملت ها، به این ترتیب اطلاعات و دانستی ها دست به دست گردیده و بر آن افزوده می شود و به مشیت خداوند، مدنیت ها بار می آیند و افکار رشد و ترقی می کند.

فواید و آموختنی ها

از آیات مبارک بالا، درس ها و فواید ذیل را می توان آموخت:

- ❖ خداوند متعال، به پیامبر خود و به مسلمانان دستور می دهد که قرآن را به نام پروردگار بخوانند.
- ❖ منبع و مصدر علم و دانش خداوند^{عَزَّوَجَلَّ} است، و او تعالی است که به انسان توان فرآگیری علم را نصیب می کند.
- ❖ نوشتن در حفظ، نگهداری و انتقال علم و دانش نقش سازنده واساسی دارد. هیچ علمی بدون نوشتن پایدار و محفوظ باقی نمی ماند.
- ❖ دین اسلام دین علم است، و بهترین گواه این است که اولین آیت های که بر پیامبر^{علیه السلام} نازل گردیده به فرآگیری علم دعوت نموده است.
- ❖ از نشانه های لطف و مهربانی خداوند^{عَزَّوَجَلَّ} برای انسان آن است که به وی علم آموخته و از بی سوادی نجات داده است.
- ❖ حصول علم و دانش، باید به نام خداوند کریم و مهربان و برای کسب رضای او تعالی باشد.
- ❖ قلم، یکی از نعمت های خداوند^{عَزَّوَجَلَّ} و از مهم ترین ابتكارات و اختراعات در زنده گی بشر به شمار می رود.
- ❖ خواندن، نوشتن و فرآگیری علم و معرفت، یک اصل قرآنی و وجیهه دینی مسلمان بوده و تهداب تمدن اسلامی را تشکیل می دهد.
- ❖ حرمت قلم و کتاب و احترام اهل قلم؛ یعنی بزرگداشت جایگاه علماء و دانشمندان از مشخصات جامعه اسلامی و وجایب شرعاً مسلمانان به شمار می رود.

فعالیت

شاگردان به دو دسته تقسیم شوند. یک گروه در باره فواید خواندن و گروه دیگری در باره فواید نوشتن بحث کنند، و نقش هردو را در زندگی انسان و پیشرفت تمدن ها توضیح بدهند.



به سؤال‌های زیر جواب ارائه نمایید:

- ۱- چرا سوره «علق» به این نام شهرت یافته است؟
- ۲- معنا و مفهوم (علق) را روشن سازید.
- ۳- در این قول خداوند ﷺ (اقرأ) مخاطب کیست؟
- ۴- شأن نزول این آیات چگونه است؟
- ۵- در لایه لای این آیات چه دلالت‌هایی نهفته است؟
- ۶- یکی از رازهای قدرت الهی در آفرینش، از آیات خوانده شده کشف نمایید.
- ۷- آموزه‌ها و فواید عمده این آیات چیست؟
- ۸- چرا اهل قلم و دانشمندان باید در جامعه اسلامی مورد احترام و تقدیر قرار بگیرند؟



در روشنی آیت‌های تفسیر شده پیرامون اهمیت قلم، خواندن و نوشتن در ایجاد تمدن‌ها، مقاله‌یی بنویسید که از پانزده سطر کم نباشد.

تفسیر سوره الإخلاص

قال تعالى: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿لَمْ يَكُنْ لِّهِ كُفُواً أَحَدٌ﴾
 وَلَمْ يَكُنْ لَّهُ كُفُواً أَحَدٌ﴾

معنای کلمات

أَحَد

یکتاست

الصَّمَد

ذات بی نیاز از همه و همه به او نیازمند

كُفُوا

مثل، مانند و همتا

ترجمه

بگو او الله ﷺ یکتا است. الله ﷺ بی نیاز است. نه کسی را زاده است و نه از کسی زاده شده. و هیچ یکی همانند و همتای او نیست.

تفسیر

این سوره، ما را در شناخت خداوند متعال کمک نموده و آگاهی مان را در باره صفات او تعالی بیشتر می‌سازد.

خداوند ﷺ به پیامبر خود امر می‌کند که بگوید، خداوند ﷺ یکتا و در صفاتش یگانه است. او تعالی ذات بی نیاز است که به کسی محتاج نیست و کسی به بزرگی و قدرت او نمی‌رسد و در برابر حکم و فرمان او مقابله نمی‌تواند. خداوند ﷺ ذاتی است که بندۀ گان، نیازهای شان را از او می‌طلبند و در برآورده ساختن خواسته‌ها و مشکلات‌شان به او رو می‌آورند. خداوند ﷺ ذات بزرگی است که کسی را نزاده است و کسی هم از او زاده نشده است. با دانستن این صفات الهی، باید گفت که او تعالی ذاتی یکتا و بی همتا است.

در جمله **«لَمْ يَكُلْدَ»** موجودیت فرزند برای خداوند جَلَّ جَلَّ نفی گردیده، ادعای مشرکان، که اعتقاد.

وادعای نصرانی‌ها که می‌گفتند: عیسی عَلِيَّ اللَّهُ أَعْلَمُ پسر خداوند داشتند فرشتگان دختران خداوند جَلَّ جَلَّ اند و همچنان عقیده یهود که عزیر عَلِيَّ اللَّهُ أَعْلَمُ را پسر خداوند جَلَّ جَلَّ می‌خوانندند رد گردیده است جَلَّ جَلَّ است، بی اساس قرار داده شده است.

در جمله **«وَلَمْ يُولَدْ»** وجود پدر برای خداوند منتفی و باطل خوانده شده است.

سوره اخلاص، این اصل را ثابت می‌کند که هیچ یکی از مخلوقات خداوند جَلَّ جَلَّ با او همتای و برابری کرده نمی‌تواند، و هیچ چیزی در ذات، صفات و افعال خداوند جَلَّ جَلَّ با او تعالی همسان نمی‌باشد. این امر وجود همسر را برای خداوند جَلَّ جَلَّ منتفی ساخته و زعم و پندار مشرکان عرب را باطل اعلام می‌دارد که برای خداوند جَلَّ جَلَّ در افعالش شریک و همتا قابل بودند و فرشته گان و بتان را شریک او تعالی می‌ساختند.

مقام و منزلت سوره اخلاص

پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ در مورد فضیلت سوره اخلاص، در یک حدیثی که انس بن مالک حَمِيلٌ عَنْ عَائِدٍ روایت کرده فرموده است: «**قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ تَعْدِلُ ثُلُثُ الْقُرْآنِ**»^(۱) (یعنی: سوره اخلاص یا **«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»** با یک سوم قرآن مساوی است زیرا این سوره، ما را به پروردگار مان آشنا ساخته است. این سوره ما را به سوی توحید رهنمایی می‌کند. قرآن کریم به طور عمده از سه مضمون مرکزی بحث می‌نماید که عبارتند از: توحید، رسالت و معاد (آخرت).

در آیات قرآنی و احادیث نبوی، مطالب زیادی وجود دارد که با معانی و مفاهیم این سوره شباهت داشته و این مفاهیم را تأکید و روشن می‌سازند.

نکته

علماء با توجه به ترجمه و تفسیر سوره اخلاص و **«الکوثر»** می‌گویند: سوره اخلاص در حق خداوند جَلَّ جَلَّ مانند سوره **«الکوثر»** در حق پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ است. چون مشرکین پیامبر خداوند متعال را به سبب نداشتن پسر طعن می‌دادند؛ اما برای خداوند جَلَّ جَلَّ شریک و فرزند قابل بودند؛ چنانچه آن‌ها نداشتن فرزند را برای انسان، عیب و نقص می‌پندارند؛ بنابرین خداوند متعال در سوره **الکوثر** از رسول خود به طور مستقیم دفاع نموده فرمود: **«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ»** ما به تو کوثر و یا خیر بزرگی

(۱) المعجم الكبير للطبراني

داده ایم و آن گونه که بد خواهان تو می‌پندارند، ناقص و ابتر نیستی. به همین ترتیب؛ چون داشتن فرزند برای الله تعالیٰ عیب و نقص است؛ لذا خداوند متعال به پیامبر ﷺ امر نمود که: «**فَلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ**» بگو؛ الله ﷺ یکتا است، تا اینکه توهمند شریک و فرزند از خداوند متعال برطرف گردد.

فواید و آموختنی‌ها

از لای آیات مبارک سوره اخلاص، چیزهای زیادی می‌آموزیم که در زیر به برخی از آن اشاره می‌نماییم:

- ❖ خداوند ﷺ در ذات، صفات و افعال خود یگانه است و هیچ چیزی با او شریک و همسان نیست.
- ❖ خداوند ﷺ کسی را نزاده، و از کسی زاده نشده است.
- ❖ خدای متعال، از تمام مخلوقات و موجودات بی نیاز است و همه مخلوقات به او نیاز دارند.
- ❖ در سوره مبارک اخلاص بر عقیده مشرکین که ملائکه را دختران خداوند می‌پنداشتند، و بر عقیده یهود که یکی از پیامبران؛ یعنی عزیر ﷺ را فرزند خداوند ﷺ می‌دانستند و بر عقیده تثلیث نصارا که حضرت عیسیٰ ﷺ را پسر خداوند ﷺ می‌دانند خط بطلان کشیده شده است؛ همچنان درین سوره، بی همتایی ذات الله متعال و منزه بودن او ﷺ از هر عیب و نقص با وضاحت تمام بیان شده است.
- ❖ سوره اخلاص را سوره توحید نیز می‌گویند؛ زیرا موضوع اساسی و محور این سوره اثبات توحید ذات باری تعالیٰ است.



به پرسش‌های زیر پاسخ بگویید:

۱- معنای کلمات و جمله‌های زیر را توضیح دهید.

(اللهُ أَحَدٌ - اللهُ أَكْلَمُ - وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ)

۲- فضیلت و منزلت سوره اخلاص را در روشنایی یک حدیث نبوی توضیح دهید.

۳- موضوع اساسی سوره اخلاص چیست؟

۴- در سوره اخلاص، عقائد باطله کدام گروه مردم، درباره خداوند ﷺ



راجع به مقام و منزلت سوره اخلاص و فواید این سوره یک مقاله بنویسید، و در مقاله خود به آیات و احادیث نبوی استدلال نمایید.

وحدانیت خداوند ﷺ در ملک و آفرینش

قال تعالیٰ: ﴿تَبَارَكَ اللَّهُذِي نَرَى لَالْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَلَمِينَ نَذِيرًا
 ﴿الَّذِي لَهُ مُلْكُ الْسَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَحِدْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ
 فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا ﴾ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً لَا
 يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلِقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ ضَرًا وَلَا نَفْعًا وَلَا
 يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا﴾ [الفرقان : ۳_۱]

معنای کلمات

تَبَارَكَ:

با برکت، صاحب خیر و برکت است

الْفُرْقَانَ:

قرآن، فرق کننده میان حق و باطل

عَلَى عَبْدِهِ:

بر بندۀ خود، بر پیامبر خود ﷺ

الْعَلَمِينَ:

آفریده گان، انس و جن

نَذِيرًا:

بیم دهنده

فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا:

هر چیزی را کامل و نیکو آفرید، و آنرا آراسته ساخت

نُشُورًا:

بر انگیختن بعد از مرگ، روز قیامت

ترجمه

بزرگوار و با برکت است ذاتی که فرقان (فرق کننده میان حق و باطل) را بر بندۀ خود نازل فرمود تا جهانیان را (از خداوند ﷺ) ترساننده باشد. آن ذاتی که پادشاهی آسمان‌ها و زمین از آن اوست و هرگز فرزندی نگرفته و شریکی نیست او را در پادشاهی همه موجودات را او خلق کرده؛ سپس حد، قدر و شکل هرجیز را معین فرموده است. و (کافران) غیر او (غیر خداوند ﷺ) را به خدایی بر گرفتند، حال آنکه آن معبدان هیچ چیزی نتوانند آفرید و خود شان هم مخلوق اند، نه بر نفع و ضرر خود قادرند و نه امر مرگ و زنده‌گی و برانگیختن (دو باره زنده ساختن) به دست آن‌ها است.

تفسیر

سوره مبارک الفرقان، از جمله سوره‌هایی است که در مکهً معظمه نازل شده و موضوعات اساسی آن را بیان توحید، ابطال عقائد مشرکین، تأکید بر فضائل و اخلاق نیکو و نهی از افعال زشت تشکیل می‌دهد.

آیات بالا که در آغاز سوره شریفه قرار دارند بر محور بیان توحید الله متعال ، اثبات رسالت حضرت محمد مصطفی ﷺ و بیان بطلان عقاید و پندارهای مشرکین می چرخد .

عمومیت رسالت محمد ﷺ

سوره مبارکه، با ستایش الله متعال و اینکه ذات خداوندی بزرگوار و با برکت و مصدر همه انواع خیر است آغاز می‌شود. برکت عبارت است از نمو و زیادت حسی و معنوی و کثرت خیر و دوام آن.^۱ از مظاهر این برکت و خیر، فرستادن قرآن بر بندۀ و پیامبرش محمد ﷺ می‌باشد که آن را جدا کننده میان حق و باطل گردانیده است.

در این آیه کریمه، از پیامبر گرامی اسلام ﷺ به لفظ (عبد) یعنی بندۀ او تعالیٰ یاد شده که یک نوع تکریم و تشریف در حق پیامبر ﷺ است . در جاهای دیگر قرآن کریم نیز از رسول الله ﷺ در مقام تشریف و تکریم با لفظ (عبد) و اضافت آن به الله ﷺ یاد شده است. مانند آیت اول سوره مبارک (الإسراء) که خداوند متعال فرموده است: **﴿سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِي أَسْرَى بْعِدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي نَارْكُنَا حَوْلَهُ لَنُورٍ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾** و آیت نخستین سوره مبارک (الكهف) که فرموده: **﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوْجًا﴾** .

علمای تفسیر می‌گویند که ذکر رسول اکرم ﷺ به تعبیر (عبدہ) یعنی بندہ الله دو معنای مهم را افاده می‌کند:

۱- حضرت محمد ﷺ مخلوق و بندہ خداوند ﷺ است و خداوند متعال جناب ایشان را به مقام عالی رسالت و نبوت برگزیده است. درینجا اشاره است بر باطل بودن عقاید نصارا که حضرت عیسیٰ ﷺ را که مخلوق و بندہ خداوند است، خدا می‌پنداشتند؛ در حالی که بندہ و مخلوق، هیچ گاه مستحق پرستش و عبادت نیست.

۲- یک نوع این تعبیر تکریم و تشریف در حق رسول الله ﷺ است؛ زیرا الله متعال او را بندۀ خود خطاب فرموده است.

خداوند متعال قرآن را بر بندۀ خود محمد ﷺ فرستاده تا آخرین پیام آور خداوند ﷺ برای جهان و جهانیان بوده باشد، و مردمان را انذار کند؛ همچنان کسانی را که از ایمان به او و پیروی اش سر باز زند از عذاب جهنم بیم دهد. این امر دلالت روشن و آشکار بر عمومیت رسالت پیامبر اسلام ﷺ برای همه عالمیان به شمول انس و جن می‌باشد.

دلایل وحدانیت خداوند ﷺ در کاینات

خداوند ﷺ مالک و صاحب ملک و هستی است و متصرف هر چیزی در آسمان‌ها و زمین می‌باشد. او تعالی بی نیاز است و به کمک و همکاری در تدبیر و اداره مخلوقاتش نیاز ندارد؛ ازینرو او تعالی به فرزند و همتا احتیاجی ندارد تا او را در امور مملکتش یاری رسانند.

همچنان او تعالی یگانه خالق و آفریده گار همه چیز در آسمان‌ها و زمین است؛ زیرا هر آنچه غیر او تعالی است مخلوق است، و مخلوق ضعیف و عاجز بوده محتاج به خالق آفریده گار قوی می‌باشد.

خداوند ﷺ خلقت و آفرینش هر چیزی را به وجه نیکو و شایسته گردانیده و شکل و صورت آن را گوارا آفریده و برای آن، آنچه مناسب باشد مهیا ساخته تا وظیفه خود را به صورت درست انجام بددهد.

مشرکان به وحدانیت خداوند ﷺ ایمان نیاورند، و او تعالی را به یگانه‌گی پرستش نکرند؛ بلکه برای او همتا و شریک ساخته، غیر او تعالی را همراه با او پرستش نمودند، حال آنکه غیر از او معبود دیگری نیست؛ چنانچه خداوند تعالی در قرآن کریم فرموده است:

﴿وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ إِلَهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ

لِأَنَّفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا﴾

ترجمه: این معیودان مخلوقات عاجز و محتاج هستند؛ چیزی را خلق کرده نمی توانند، و نفع و ضرری نمی رسانند؛ زیرا نفع و ضرر، خاص از جانب خداوند الله است؛ همچنین این معیودان خود ساخته، قادر به موت و زنده‌گی کسی نمی باشند؛ بلکه خود آن‌ها می‌میرند و خداوند الله طوریکه خواسته باشد آن‌ها را نایبود می‌سازد.

همچنان این معیودان قادر نخواهند بود در روز قیامت کسی را زنده کنند؛ زیرا تنها خدا زنده می‌کند و می‌میراند؛ پس تنها او تعالی مستحق عبادت است.

وقتی که این معیودان ساخته شده با چنین عاجزی و نا توانی باشند، هرگز سزا وار عبادت نیستند؛ بلکه تنها و تنها خدایی و معیودیت مر خدای واحد و یگانه راست که غیر او هیچ معیود و خدایی نیست.

فواید و آموختنی‌ها

برخی فواید و آموختنی‌های آیات مبارکه از این قرار است:

- ❖ فرقان از نام‌های قرآن است؛ زیرا خیر، شر حق و باطل را جدا ساخته است.
- ❖ خداوند الله قرآن را بر بنده و پیامبر خود محمد علیه السلام فرستاده است.
- ❖ خداوند متعال پیامبر خود محمد علیه السلام را به عنوان خاتم پیامبران علیهم السلام و برای همه جهانیان (نس و جن) فرستاده است.
- ❖ آن ذاتی که مالک و متصرف آسمان‌ها و زمین است همان خدای یکتا و بی‌نیاز است و تنها او مستحق پرستش است.
- ❖ خداوند الله، آفریننده و پروردگار آسمان‌ها و زمین است، او فرزند و همتایی ندارد.

- ❖ تنها خداوند الله، خالق و آفریننده است، و او تعالی هر چیزی را آفریده و خلقت آن را کامل و مناسب گردانیده است.
- ❖ مشرکان، کافران و زیان کارانند؛ زیرا آن‌ها به خداوند الله شریک ساختند، و غیر او را به خدایی و معبدی بر گزیدند.
- ❖ خدایان و معیودان باطل، قدرت و توانایی چیزی را ندارند، و نفع و ضرر نمی‌رسانند؛ زیرا همه امور به قدرت خداوند متعال است.

سوال‌ها

به سؤالات زیر جواب ارائه نمایید:

- ۱- چرا سوره فرقان به این اسم یاد می‌شود؟
- ۲- چرا قرآن به نام (فرقان) مسما گردیده است؟
- ۳- از آیه مبارک اول این درس دلیلی مبنی بر اینکه رسالت محمد ﷺ عمومیت دارد و همه انسان‌ها را در بر می‌گیرد ارائه نمایید.
- ۴- معنای این قول خداوند ﷺ «وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُ وَتَقدِيرًا» را توضیح بدهید.
- ۵- از آیه مبارک سوم این درس پنج چیز را استخراج نمایید که خدایان و معبدان باطل از داشتن آن عاجز و ناتوانند.
- ۶- چرا در مقام تشریف و تکریم از رسول الله ﷺ در قرآن به لفظ (عبده) یاد می‌شود؟



خلاصه آنچه را که در این درس خواندید در ده سطر در کتابچه خود درج نمایید.

نامهای نیکوی خداوند ﷺ

قال تعالیٰ: ﴿ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلِيمٌ الْعَيْبٍ وَالشَّهَدَةُ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدُوسُ الْسَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمَهِيمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَنَ اللَّهَ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴾ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لِهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴾ [الحشر: ۲۲-۲۴]

معنای کلمات

- الْعَيْب:** آنچه از احساس و درک ما پوشیده است، مانند جنت، دوزخ، فرشتگان و غیره.
- الشَّهَدَة:** آنچه قابل مشاهده و ادراک است، مانند کوه ها، ستارگان و امثال آن.
- الْمَلِك:** مالک و متصرف همه چیز
- الْقَدُوسُ:** پاک و منزه از آنچه سزا وار او تعالی نیست
- الْمُؤْمِنُ:** تصدیق کننده پیامبرانش با تأیید و معجزات
- الْمَهِيمِنُ:** مراقب و نگهدارنده هر چیزی
- الْعَزِيزُ:** قوی و غالب
- الْجَبَارُ:** بزرگ و قوی که هیچ کسی بر او غلبه نداشته باشد
- الْمُتَكَبِّرُ:** عالی و بلند، آن طور که سزا وار اوست
- الْبَارِئُ:** از نو پیدا کننده موجودات.
- الْمُصَوِّرُ:** ترکیب کننده اشیاء با هیأت و صورت شان
- الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى:** نامهای نیکو، بهترین نامها

ترجمه

اوست خدای یکتایی که غیر از او خدایی نیست، دانای نهان و آشکار عالم است. اوست بخششده و مهربان، اوست خدای یکتایی که غیر او خدایی نیست، سلطان مقتدر عالم، پاک از هر نقص و آلایش، منزه از هر عیب و ناشایست، اینمی بخش دل‌های هراسان، نگهبان جهان و جهانیان، غالب و قاهر بر همه آفریده گان، با جبروت و باعظمت، بزرگوار و برتر است. زهی منزه و پاک خدای یکتا که از هرچه بر او شریک پنداشته منزه و میراست. اوست خدای آفریننده عالم امکان و پدید آرنده جهان و جهانیان، نگارنده صورت مخلوقات، او را نام‌های نیکو بسیار است؛ آنچه در آسمان‌ها و زمین است همه به تسبیح و ستایش او مشغول اند و اوست یکتا و یگانه، خدای مقتدر حکیم.

تفسیر

بهترین نام‌های خداوند ﷺ

در این آیات سه‌گانه نام‌های خداوند متعال شمارش یافته اند، که بسیار کم واقع گردیده که در یک سوره به طور پیهم نام‌های او تعالیٰ به این گونه شمارش یافته باشند. در سه آیت اخیر این سوره قرآنی به تعداد هفده نام، از نام‌های نیکوی خداوند ﷺ (asmā' allah al-husnī) ذکر گردیده است.

آیت‌های مبارک با تأکید وحدانیت خداوند ﷺ یعنی شعار **﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾** آغاز گردیده، تأکید نموده که تنها او تعالیٰ است که غیب و شهادت، پیدا و پنهان را می‌داند. یعنی آنچه از ما غایب و پوشیده است، و آنچه هویدا است خداوند ﷺ آن را خوب می‌داند. او تعالیٰ بخشنده و نهایت مهربان است، رحمت او تعالیٰ بی پایان است و همه چیز را فرا گرفته. آیات قرآنی دوباره تأکید می‌نماید که او تعالیٰ واحد و یگانه است.

سپس آیات مبارک مجموعه‌یی از اسمای حسنای خداوند ﷺ را با اصل توحید و یگانه‌گی او تعالیٰ پیوست نموده می‌فرماید که او تعالیٰ مالک پادشاهی چی است که غیر او کسی صاحب ملک و پادشاهی نیست. او تعالیٰ منزه است از هر عیب، پاک از هر نقص و مبرا از همه آنچه است که سزاوار خدایی او نباشد. مفسرین گفته اند که ورود لفظ (قدوس) بعد از اسم (ملک) اشاره به این امر است که اگرچه خداوند متعال مالک و پادشاه و متصرف همه چیز است؛ اما تصرف او تعالیٰ مانند تصرف ملوک و پادشاهان مغدور و ظالم روی زمین نیست؛ بلکه تصرف و مالکیت پروردگار در ملک و مخلوقاتش کامل و از هرگونه ظلم و عیب و نقص پاک و منزه است.

عظمت و کبریا خاصهٔ خداوند است

او تعالیٰ ایمنی و سلامتی برای اولیای خویش است. او تعالیٰ تصدیق کننده و امان دهنده پیامبران خود است. او تعالیٰ جبار با شکوه و با شأن و عظمت و صاحب کبریای بزرگ است. صفات (جبار و متکبر) برای خداوند الله مرح و ستایش او تعالیٰ است؛ اما این دو صفت برای غیر خداوند الله ذم و قباحت و زشتی است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث قدسی از پروردگار خود روایت نموده که خداوند متعال فرمود: «**الْكَبِيرَاتُ رِدَائِيٌّ وَالْعَظَمَةُ إِذَارِيٌّ فَمَنْ تَأْتَعْنِي وَاحِدًا مِنْهُمَا أَقْنَعُهُ فِي النَّارِ**»^(۱) ترجمه: کبریا عبای من، و بزرگی و عظمت ازار من است؛ پس هر کسی که در یکی از این دو، با من همتایی کند وی را (نایبود خواهم کرد) و در آتش جهنم خواهم انداخت.

او تعالیٰ خالق و آفریننده بی است که هستی را از عدم ایجاد نموده است. او تعالیٰ صورتگر و نگارنده همه چیز است؛ همه مخلوقات و آفریده گان را بهیأت و صورت خاص آفریده. این معبود یکتا و بزرگ متصف به اسمای حستا و نیکوست که خود را به آن مسمای نموده است، و پیامبرش او تعالیٰ را به این نام‌های مبارک خوانده است؛ همچنان این سوره چنانچه به تسبیح و حمد خداوند الله شروع گردیده، به تسبیح و ستایش او تعالیٰ پایان یافته است؛ که آنچه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح و ثنای او گویند، و او تعالیٰ بزرگ و با حکمت است.

اثر نامهای نیکوی خداوند الله در زندگی انسان

اسماء الله الحسنی یا نامهای نیکوی خداوند الله بهترین وسیلهٔ شناخت الله الله است؛ زیرا انسان در دنیا قابلیت و توان دیدن ذات خداوند الله را ندارد؛ بنابر آن آن چه خداوند متعال خود در وصف خویش در قرآن بیان فرموده، و آنچه در احادیث صحیح رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از صفات الهی ذکر شده است تنها راه درست و موثق شناخت صفات ذات پروردگار می‌باشد. از همین سبب است که اسماء و صفات الهی توقیفی؛ یعنی ثابت و متوقف به نصوص قرآن و سنت بوده کمی و بیشی در آن‌ها بر اساس اجتهاد و تخمین جواز ندارد.

دانستن اسماء الله الحسنی و تفکر در آن‌ها تاثیر بسیار مهمی در زندگی و سرنوشت انسان دارد که برخی از آن‌ها را مختصر ذکر می‌نماییم:

۱. دانستن معنا و مفهوم نامهای نیکوی خداوند الله باعث می‌شود تا شناخت انسان از ذات باری تعالیٰ بیشتر و عمیق‌تر شود، که این کار سبب تقرب بیشتر انسان به خداوند الله و زیاد شدن محبت او تعالیٰ در قلب و ترسیخ خوف از قهر و عذاب الهی در نفس می‌شود و نتیجه آن به شکل زیادت

(۱) مسند عبدالله بن عباس

اعمال نیکو و اجتناب از اعمال بد، گناهان، و مفاسد در زنده‌گی فردی و اجتماعی انسان‌ها ظاهر می‌شود.

۲- الله متعال در آیت دیگری فرموده است: **﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾** [الأعراف: ۱۸۰] یعنی الله ﷺ دارای نام‌های نیکو است، او را آن نام‌های نیکو بخوانید. به این معنی که وقتی از الله ﷺ چیزی می‌خواهید نام مناسب با حاجت‌تان را یاد نموده حاجت‌تان را بخواهید؛ مثال بگویید: یا رازق ارزق‌نی؛ یعنی ای روزی دهنده به من رزق و روزی بده، و یا شافی اشغفی؛ یعنی ای شفا دهنده به من شفا نصیب کن، و یا غفور اغفرلی؛ یعنی ای آمرزنده من را بیامرز.

۳- در حدیث صحیح روایت شده است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: **«إِنَّ لِلَّهِ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا مِائَةً إِلَّا وَاحِدًا مِنْ أَخْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ...»**^(۱)

یعنی خداوند ﷺ دارای نود و نه اسم است، هر کسی که آن‌ها را حفظ نموده معانی آن‌ها را بداند و بر اساس آن‌ها عمل کند به جنت داخل می‌شود.

فعالیت

هر شاگرد نام‌های خداوند ﷺ را که در غیر این سوره ذکر گردیده، جستجو نماید و آنرا در کتابچه خود درج کند.

فواید و آموختنی‌ها

برخی از فواید و آموختنی‌های آیت‌های مبارک این درس قرار زیر است.

❖ این آیت‌های مبارک، از عظیم ترین آیات قرآنی است که خداوند متعال و صفات او را برای ما معرفی نموده است.

❖ آیت‌های مبارک فوق اهمیت بیاد آوردن اسمای حسنای خداوند ﷺ را با یقین و ایمان به آن به ما تعليم می‌دهد.

❖ بر ماست تا خداوند ﷺ را با اسماء و صفاتش بشناسیم، و او تعالی را به آن بخوانیم.

❖ دانستن اسماء الله الحسنى، معرفت صفات خداوند ﷺ، تأمل و تفکر در اسماء و صفات الله و بالأخره عمل کردن مطابق آن‌ها تاثیر مستقیم و بزرگی در زنده‌گی فردی و اجتماعی انسان‌ها داشته و سبب می‌شود تا جامعه به طرف خیر، فلاح و نجات از مفاسد مادی و معنوی حرکت نماید.

۱ - متفق عليه.

سوال‌ها

به سؤال‌های زیر جواب بدھید:

- ۱- هفده نام از نام‌های حسنای خداوند ﷺ را که سوره الحشر ذکر نموده، بشمارید.
- ۲- رابطه و مناسبت شروع و ختم سوره (الحشر) را توضیح بدھید.
- ۳- فرق میان پادشاهی خداوند متعال بالای مخلوقاتش، و پادشاهی دیگر پادشاهان روی زمین چیست؟
- ۴- نسبت دادن صفت‌های جبار و متکبر به خداوند ﷺ، و نسبت به مخلوقات چه فرق دارند؟
- ۵- چگونه می‌توانیم با تاثیر پذیری از نام‌های نیکو و صفات خداوند ﷺ در زندگی فردی و اجتماعی خوبیش تغییر مثبت و مفید ایجاد نماییم؟



راجع به (أسماء الله الحسني) یا نام‌های نیکوی خداوند ﷺ و ثواب یاد نمودن و تأثیر عملی آن‌ها در زندگی، یک مقاله کوتاه بنویسید و در مورد، با احادیث نبوی استدلال نمایید.

انسان بیهوده آفریده نشده

قال تعالیٰ: ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَّاً وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴾
 فَتَعَلَّمَ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا إِلَّا بُرْهَنَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴾ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴾﴾ [المؤمنون: ۱۱۵-۱۱۸]

معنای کلمات

عَبَّا:

بیهوده، بدون فایده

فَتَعَلَّمَ اللَّهُ:

پس خداوند از هر نوع بیهوده گی و نقص پاک و منزه است

الْمَلِكُ الْحَقُّ:

خداوند مالک و متصرف بر حق است

يَدْعُ:

عبادت می‌کند، و به کمک می‌خواند

بُرْهَنٌ:

دلیل و حجت

ترجمه

ایا چنین پنداشتید که ما شما را بیهوده و بازیچه آفریده‌ایم و هرگز به سوی ما باز گردانده نمی‌شوید؟! پس خدای برحق که مالک (همه چیز است)، برتر از آن است که (چیزی را بیهوده بیافریند). هیچ خدایی جز همان پروردگار عرش مبارک نیست. وهر کس غیر خداوند الله چیزی و یا کسی دیگر را به خدایی خواند، که هیچ دلیلی بر آن ندارد، حساب کار او نزد پروردگارش می‌باشد.

البته کافران را فلاح و رستگاری نیست. و بگو بار خدایا! بیامرز و ببخشای و تو بهترین بخشنده‌گان عالم هستی.

تفسیر

خداؤند متعال کافران را مورد خطاب قرار داده می‌فرماید: آیا گمان می‌کنید که ما شما را باطل و بیهوده آفریدیم؟ نه، چنین نیست؛ بلکه ما شما را برای پرستش و تهذیب و آموزش و بر پا نمودن اوامر الہی آفریده ایم، و آیا گمان نمودید که بعد از مرگ دو باره برای حساب و جزا بر انگیخته نخواهید شد؟

خداؤند متعال پاک و منزه از آن است که چیزی را بدون حکمت بیافربیند، او خدای یکتاست، و هیچ معبودی جز او نیست، خالق و آفریننده‌یی غیر از او نیست، و او تعالیٰ پروردگار عرش کریم است. در آیه مبارک، عرش به صفت «کریم» موصوف گردیده؛ زیرا که این صفت را از پروردگار «اکرم الکرمین» نصیب گردیده است؛ سپس خداوند متعال بر آنانی که به او نسبت فرزند داده و یا شریک و همتا قایل گردیده اند با تهدید و توبیخ خطاب نموده می‌فرماید: و هر آنکه غیر خداوند^{الله} چیزی و یا کسی دیگر را به خدایی بخواند که هیچ دلیلی بر آن ندارد حساب کار او نزد خدای اوست؛ البته کار او را فلاح و رستگاری نیست.

این تهدید عظیمی است برای کسانی که به خداوند^{الله} شریک قایل شده، چیزهای دیگری را یکجا با خداوند^{الله} عبادت می‌نمایند، در حالی که برای این کار خود، دلیل و برهانی ندارند؛ پس خداوند^{الله} آنان را به عذاب سخت و درد ناک خود تهدید نموده که چنین اشخاص هرگز به کامیابی نخواهند رسید؛ بلکه باز گشتشان به سوی جهنم، ذلت، خواری و خسran خواهد بود.

زیان کافران و رستگاری مؤمنان

آیات فوق که خاتمهٔ سوره (المؤمنون) است با تأکید بر عدم کامیابی و رستگاری کافران خاتمه یافته، در مقابل کامیابی و رستگاری مؤمنان تضمین گردیده است که در آغاز این سوره نیز به آن تأکید شده بود، تا آنکه تفاوت و اختلاف آشکار میان هر دو گروه را تثبیت و بر ملا سازد.

به این ترتیب خداوند متعال پیامبر گرامی خود و امت او را تعییم می‌دهد که برای طلب مغفرت و رحمت تنها به او رجوع نمایند؛ زیرا که او تعالیٰ بهترین مغفرت کننده‌گان و بهترین رحم کننده‌گان است.

بخاری، مسلم، ترمذی و ابن حبان از ابوبکر^{حیله‌عن} روایت نموده اند که به پیامبر بزرگوار اسلام عرض نمود: ای رسول خداوند متعال، دعایی به من بیاموز تا با آن در نماز خود دعا کنم، پیامبر^{علیه‌الله} به وی ارشاد فرمود که بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي طَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبُ إِلَّا أَنْتَ، فَاغْفِرْ

لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكِ، وَارْحُمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْفَطُورُ الرَّحِيمُ»^(۱) بار خدایا، من بر نفس خود ظلم زیاد نموده ام، و حقا که جز تو کسی بخشنده گناهان نیست؛ پس مرا بیامز به آمرزشی از نزد خود، و بر من رحم کن، همانا تو آمرزنده مهربان استی.

قرآن کریم، شفا است

تفسرین کرام گفته اند که دو آیه اخیر این سوره از آیات شفا می باشند. ابن ابی حاتم از عبدالله بن مسعود حیله‌عنہ روایت نموده که عبدالله بن مسعود حیله‌عنہ به مرد مریضی گذشت، و در گوش وی آیه

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا ...﴾ راتا ختم سوره خواند، پس شخص مریض شفا یافت،

من این امر را به نزد پیامبر خدا علی‌الله‌هی یاد نمودم، پیامبر علی‌الله‌هی به عبدالله بن مسعود حیله‌عنہ گفت: (بماذا قراءت فی أذنه؟) در گوش آن شخص چی خواندی؟ وی ما جرا را به پیامبر خدا بیان نمود، پیامبر علی‌الله‌هی فرمود: «وَالَّذِي نَفْسِي بَيَّدِهِ لَوْ أَنَّ رَجُلًا مُوقَتاً قَرَأَهَا عَلَى جَبَلٍ لَزَالَ» قسم به ذاتی که نفس من در دست قدرت اوست، هرگاه شخصی با یقین این آیات را بروکوهی بخواند، کوه نابود خواهد شد!.

آنچه در اینجا تعیین کننده و مهم است ایمان خواننده یقین و صفاتی او است؛ هم چنان استعداد و قابلیت مریض نسبت به تداوی و معالجه با قرآنکریم می باشد.

فواید و آموختنی ها

برخی فواید و آموختنی هایی که از آیات فوق گرفته می شود قرار ذیل اند :

❖ خداوند متعال انسان را بیهوده و بدون مقصد و حکمت نیافریده بلکه او تعالی انسان ها را برای انجام مسؤولیت بزرگ و معینی خلق نموده که عبارت از اظهار عبودیت و زنده‌گی کردن بر اساس نظام و قانون الهی می باشد خداوند متعال درین مورد می فرماید: ﴿ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالإِنْسَنَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَ﴾ (الذاريات: ۵۶) ترجمه : من جن و انس را تنها برای عبادت خود خلق کرده ام.

درینجا باید توجه داشت که عبادت بر اساس تعریف مفسرین عبارت است از (کل ما بیحبه الله و يرضاه من الأقوال والأفعال) یعنی هر قول و فعلی که خداوند جل جلاله آنرا دوست داشته و به آن راضی می شود عبادت است، بناء میتوان گفت که دائرة عبادات بسیار وسیع بوده تمام اعمال نیکو را در بر میگیرد و فقط در ارکان اسلام و شعائر مشهور دین مانند نماز، روزه، حج و زکات خلاصه نمی شود.

(۱) صحیح بخاری حدیث ۸۱۱، صحیح مسلم حدیث ۴۹۸۳ و السنن الصغری، ج ۱، ص ۱۵۳

بر مسلمان لازم است تا تمام حیات خویش را در تمام ابعاد و عرصه‌ها چی کوچک و چی بزرگ در عبادت الله متعال؛ یعنی پیروی و اطاعت از نظام و قانون او سپری نماید و زنده‌گی و مرگش برای خداوند حَمْدُهُ باشد. همین مطلب و مفهوم در آیت دیگری از قرآن کریم چنین شیوا و رسا بیان شده است: «**فَلَمَّا أَتَاهُ اللَّهُ رِبُّ الْعَالَمِينَ..**» [آل‌آل‌عمران: ۱۶۲] ترجمه: بگو ای محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ که بدون شک نماز، قربانی، زنده‌گی و مرگ من برای الله، پرورد گار عالمیان است.

امام ترمذی گفته است: «خداوند متعال مخلوقات را به حیث بندۀ گان خود آفریده تا او را عبادت کنند، و خود آن‌ها را در مقابل عبادتشان ثواب و پاداش دهد و یا در مقابل ترک عبادت مجازات نماید؛ پس هرگاه انسان‌ها خداوند حَمْدُهُ را عبادت نمودند، ایشان به عنوان بندۀ گان آزاده و با کرامت از برده‌گی دنیا آزاد اند، و در دار پر امن آخرت، پادشاهان خواهند بود. اما اگر از عبودیت او تعالی سر باز زنند، ایشان برده گان فراری سرکش و بد سرشت بوده، و فردا در روز قیامت به حیث دشمنان زندانی آویخته بر طبقه‌های آتش خواهند بود.

❖ بدون شک کوتاه نظری و جهالت و کودنی انسان خواهد بود اگر مانند مادی گرایان چنین گمان برد که همین دار دنیا همه چیز است، و به خدا و دار آخرت برگشت نخواهد بوده تا به انسان‌ها مطابق عملکردشان پاداش داده شود.

❖ آنانکه به خداوند حَمْدُهُ شریک می‌آورند، در این کار هیچ‌گونه دلیل و برهانی ندارند بنا بر آن مستحق عذاب می‌باشند.

سوال‌ها

از آیات قرآنی برای موارد زیر دلیل بیاورید:

- ۱- خداوند متعال مخلوقات را عیث و بیهوده خلق نکرده است.
- ۲- عرش به خاطر نسبتش با پروردگار به صفت کریم موصوف گردیده است.
- ۳- مستحب بودن دعا برای مغفرت و رحمت.
- ۴- قرآن کریم شفا دهنده است در این مورد حدیث نبوی را بیان نمایید.
- ۵- زنده‌گی انسان در تمام عرصه‌ها باید تابع قانون و نظام خداوندی باشد.



پیرامون موضوع (چگونه یک زنده‌گی هدفمند و با رسالت داشته باشیم؟) مقاله‌ای بنویسید که از بیست سطر کم نباشد.

انسان در سایه نعمت‌های الهی

قال تعالیٰ: ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الشَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ ﴿ وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَاهِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَيَّلَ وَالنَّهَارَ ﴾ وَءَاتَكُم مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَنَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾

[ابراهیم: ۳۲-۳۴]

معنای کلمات

سَخَّر:

رام ساخت، آسان نمود

دَاهِبَيْنِ :

حرکت دوامدار و پی در پی

لَا تُحْصُوهَا :

آن را شمرده نتوانید

ترجمه

خداآند حَمْدَه، آن ذاتی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و آب را از آسمان فرو بارید تا بدن انواع ثمرات و جبویات را برای روزی شما برآورده، و کشتی‌ها را مسخر شما کرد تا به امر او به روی آب دریا روان شود و نهرها را به روی زمین به اختیار شما جاری گردانید. و خورشید و ماه گردند و شب و روز را برای شما مسخر کرد. و از انواع نعمت‌هایی که از او درخواست کردید به شما عطا فرمود. و اگر بشمارید نعمت‌های خدا را، شمار نتوانید کرد آن را. به تحقیق انسان سخت ستمگر و نا سپاس است.

تفسیر

مظاہر نعمت‌های خداوند^{الله}

خداوند متعال، در این آیات نعمت‌های خود بر بندۀ گانش را بیان نموده است و به دلایل وجود و علایم قدرت خود اشاره می‌نماید و این نعمت‌ها را برای انسان شناسایی می‌کند. خداوند^{الله} آسمان‌ها و زمین را از عدم آفرید، و در آفرینش آسمان‌ها و زمین دلایل قدرت و نشانه‌های عظمت خود را آشکار ساخت.

او تعالیٰ باران را از ابرها فرود آورد و ذریعه آن انواع و اصناف نباتات را با رنگ‌های گوناگون، حجم‌ها مختلف، مزه‌های متنوع و منافع گوناگون رویانید تا انسان‌ها از آن روزی بگیرند و در وجود مختلف از آن بپرهمند گردند.

خداوند متعال برای شما کشتی‌ها را رام گردانید تا به امر او تعالیٰ در بحر حرکت نمایند. به این معنا که ساختن کشتی را برای شما آموخت و استعمال آن را برای تان آسان گردانید، و باد را فرستاد تا به جهتی که می‌خواستید به مشیت و توفیق او تعالیٰ سیر و حرکت نمایید. خداوند متعال آن ذاتی است که دریاها را در زمین جاری ساخت تا از آب آن بنوشید و در آبیاری زمین‌ها و دیگر نیازهای خود بهره برداری نمایید.

آیه مبارک در این درس با اسم ذات خداوند^{الله}، یعنی لفظ (الله^{الله}) آغاز گردیده که این اسلوب قرآنی احساس بیم و هراس در برابر ذات بی‌نیاز را در قلب‌ها بیدار می‌سازد، و توجه مشرکان را به وجوب ایمان به خداوند متعال جلب می‌نماید.

دوران مه و خورشید

این آیات ما را به معرفت و شناسایی خداوند متوجه نموده بیان می‌کند که او تعالیٰ ذاتی است که برای بندۀ گانش آفتاد و مهتاب را، در دوران حرکت‌شان و به خاطر منفعت رسانیدن برای انسان و زنده‌گی در روی زمین، مسخر گردانیده است؛ چنانچه شب و روز را در رفت و آمد پیهم و انجام نقش و وظایف‌شان در تسخیر ما قرار داده، تا در هنگام روز از فضل خداوند^{الله} روزی بخواهیم و منافع و نیازهای زنده‌گی خود را برآورده سازیم، و در هنگام شب به استراحت پردازیم و تجدید قوا کنیم، چنانچه خداوند متعال فرموده است: ﴿ وَجَعَلْنَا أَلَيْلَ لِبَاسًا ﴾ وَجَعَلْنَا آلنَّهَارَ

معاشاً ﴿النبا: ۱۰ - ۱۱﴾ ترجمه: شب را لباس و ساتر گردانیدیم، و روز روشن را برای تحصیل

معاش‌تان مقرر داشتیم.

وهمچنان فرموده است: «وَإِنَّكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَنَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ». [ابراهیم: ۳۴] ترجمه: و از انواع نعمت‌هایی که از او درخواست کردید به شما عطا فرمود. و اگر نعمت‌های خداوند الله را بخواهید که به شمار آورید هرگز حساب آن را نتوانید کرد. قطعاً انسان سخت ستمگر و نا سپاس است».

نعمت‌های بی پایان و نا سپاسی انسان

آیات کریمه، انسان‌ها را مخاطب ساخته بیان می‌دارد که خداوند الله به فضل خویش هر آنچه از او خواستید به شما عطا نمود تا نفع برید و امور زنده‌گی خود را سامان بخشید؛ همچنان چیزهای زیادی که از او نخواسته بودید برایتان ارزانی فرمود؛ زیرا او تعالی از آنچه به خیر شماست نیک آگاه است. یقیناً که نعمت‌های خداوند الله بی شمار اند، و اگر خواسته باشید نعمت‌های او را بشمارید و یا مقدار آن را معلوم نمایید؛ هرگز چنین کاری انجام داده نمی‌توانید؛ اما انسان بر خودش ستم روا می‌دارد و پاس نعمت‌های پروردگار خود نگه نمی‌دارد و در شکر گزاری این نعمت‌ها کوتاهی می‌ورزد و چه بسا که این نعمت‌ها را در غیر محل آن؛ یعنی در راه معصیت پروردگار منعم و صاحب نعمت استعمال می‌نماید.

فعالیت

شاگردان در باره فواید شب و روز و دوران مه و خورشید معلومات ارائه نمایند.

فواید و آموختنی‌ها

در آیات مبارک بالا فوق درس‌ها و فوایدی نهفته است که مختصر بدان می‌پردازیم:

- ❖ خداوند متعال بندگانش را با افعال خویش آشنا می‌سازد و نعمت‌های خود را به ایشان معرفی و شناسایی می‌نماید.
- ❖ نعمت‌های خداوند الله برای انسان‌ها چنان فراوان اند که هیچ کس توانایی شمارش آن‌ها را ندارد.
- ❖ بر انسان است تا در برابر نعمت‌های الهی کفران نورزد و غفلت نکند.
- ❖ اگر انسانی نعمت‌های خداوند الله را در راه پیروی پرورد گارش به کار نبرد، در حق خودش ستم روا داشته است.

❖ باید دانست که شکر نعمت تنها به زبان نیست. ارتکاب گناهان و سرپیچی از اوامر خداوندی بدترین و واضح‌ترین شکل کفران نعمت بوده، در حالی که اطاعت از اوامر الهی و انجام اعمال نیک خوب‌ترین صورت ادائی شکر نعمت‌های خداوند^ج می‌باشد.



به سؤالات زیر جواب بگویید:

- ۱- به نظر شما چرا خداوند^ج شب و روز را آفریده است؟
- ۲- فایده‌های تغییر و تبدیل شب و روز را بیان کنید.
- ۳- آیت‌های قرآنی با لفظ «الله^ج» آغاز یافته است، چه فایده‌یی را در پی دارد؟
- ۴- مظاہر قدرت الهی را در به دوران آوردن مه و خورشید بیان کنید.
- ۵- نعمت‌های ذکر شده در آیات فوق را بشمارید

دعوت به سوی خداوند ﷺ

قال تعالیٰ: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١﴾ وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ أَدْفَعُ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا أَلَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَوَّهُ كَانَهُ رَوِيَ حَمِيمٌ ﴿٢﴾ وَمَا يُلْقِي هَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِي هَا إِلَّا ذُو حَظٍ عَظِيمٌ»

[فصلت: ۳۳ - ۳۵]

معنای کلمات

أَدْفَعُ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ: بدی را با نیکی و به روش خوبتر پاسخ بدی

وَلِي حَمِيمٌ: دوست نزدیک، اقارب

مَا يُلْقِي هَا: این صفت نیکو را کمایی نمی کند

ذُو حَظٍ عَظِيمٍ: دارنده بخت خجسته و بزرگ

ترجمه

چه کسی بهتر است به اعتبار سخن از آن کس که به سوی خدا خواند و کار نیک انجام داد و گفت که من از فرمان برداران و تسلیم شونده‌گان (به خداوند ﷺ) استم؟ و هرگز نیکی و بدی باهم یکسان نیستند؛ همیشه بدی را به بهترین شیوه دور کن (پاداش بدی) تا همان‌کس که گویی با تو بر سر دشمنی است بهترین دوست تو گردد؛ و لیکن به این مقام بلند کسی رسیده نمی تواند جز آنان که شکیبای اختیار نمایند و از بخت نیک و حصه بزرگ برخوردار باشند.

تفسیر

عبدالله بن عباس رضی الله عنہا گفته است که مصدق این قول خداوند صلی الله علیہ وسالم: **﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمْنَ دَعَآ؟﴾**

پیامبر صلی الله علیہ وسالم است که به سوی خداوند صلی الله علیہ وسالم فراخواند و صادقانه عمل نمود و دین اسلام را به عنوان هدیه الهی باقی گذاشت. در روایتی دیگر از ابن عباس رضی الله عنہا نقل گردیده که مراد از این آیت اصحاب و یاران پیامبر خداوند متعال می باشند.

در باره نزول آیه **﴿فَإِذَا آتَيْتَهُ بَيْنَكَ..﴾** مفسرین گفته اند که این آیت در باره ابو سفیان بن حرب نازل گردیده، که دشمن سرسخت و آشتباه ناپذیر پیامبر صلی الله علیہ وسالم بود، اما سر انجام دوست و همکار پیامبر خداوند متعال گردید.

بهترین سخن

آیت های فوق داشتن سه صفت برجسته را نشانه بهترین سخن برای یک انسان معرفی نموده است:

- کسی که به توحید و یگانگی خداوند صلی الله علیہ وسالم و طاعت و عبادت او تعالی دعوت می کند.
- کسی که به اعمال شایسته و نیکویی که خداوند صلی الله علیہ وسالم به آن امر نموده التزام و پابندی داشته، واز محramat دوری گزیند.
- کسی که با مسلمانان صالح و نیکوکار همتشین باشد، و با آنان با دوستی و محبت همکاری نموده از آنان دفاع نماید.

دعوت به سوی خداوند صلی الله علیہ وسالم یک وجیهه شرعی

دین اسلام، آخرین رسالت و نظام خداوند متعال برای بشریت است. رساندن این دین به دیگران و ترغیب مردم به طرف تعليمات، احکام و ارزش های اسلام از راه دعوت ممکن می باشد. دعوت به سوی الله صلی الله علیہ وسالم یک وجیهه شرعی است ودارای اصول و قواعدی است که از قرآن کریم و سنت قولی و عملی رسول الله صلی الله علیہ وسالم استباط شده است.

هر مسلمان اعم از مرد وزن مکلف است تا به اندازه توان و علم خویش در رساندن دین اسلام به دیگران تلاش نماید. در قرآن مجید آیت های زیادی در باره دعوت و روش های آن وجود دارد، درین آیت ها تأکید شده است که دعوت به سوی دین باید با نرمی، اخلاق نیک، پند و نصیحت نیکو، و گفتگو و محاوره به طریقه خوب انجام شود. به طور مثال: الله متعال به امام و پیشوای دعوتگران؛ یعنی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیہ وسالم امر فرموده است که:

﴿إِذْ أَتَى سَبِيلَ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمُوَعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلُهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ..﴾ [النحل: ١٢٥] ترجمه: بخوان به سوی راه پروردگار خود با حکمت و اندرز نیکو، و مجادله (محاوره و گفتگو) کن با آنان به طریقہ نیک و پسندیده.

آداب دعوت‌گری در راه خداوند ﷺ

بعد از بیان اصول و اساسات دعوت به سوی خداوند ﷺ، و تحکیم رابطه میان بنده و پروردگارش، خداوند متعال آداب دعوت گران و برقراری روابط نیک میان بنده‌گان خداوند ﷺ را بیان نموده می‌فرماید:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا آلَسَيْئَةُ أَدْفَعَ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا آتَيْتَهُمْ عَدَاؤَهُ كَأَنَّهُمْ وَلِيُّ حَمِيمٍ﴾ وَمَا يُلْقَنَهَا إِلَّا آلَّدِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَنَهَا إِلَّا ذُو حَظٍ عَظِيمٍ﴾

ترجمه: دعوت گران به سوی خداوند ﷺ بهترین مردمان اند؛ پس بر ایشان لازم است تا روابطشان را با مردم نیکو بسازند، در برابر آزار و اذیت دیگران صبر و شکیبایی نمایند و بدی‌ها را با نیکی و احسان پاسخ بگویند. خداوند متعال بیان نموده که گفتار و کردار نیک و بد برابر نیستند؛ زیرا خداوند ﷺ از گفتار و کردار نیک راضی بوده و صاحبان آنرا پاداش نیک می‌دهد. خداوند متعال گفتار و کردار زشت و ناپسند را بد می‌بینند و صاحبان آن را مجازات می‌کنند؛ بنا براین، بر مؤمن دعوت کننده لازم است که بدی‌های مردم را با نیکی جواب بگوید، و در مقابل بدی با نیکی رفتار نماید که این امر برای او سزاوار تر است و با فضیلت و برتری او سازگاری دارد.

هرگاه دعوت کننده به سوی خداوند ﷺ، بدی را با احسان و نیکی جواب بدهد، و گناه و زشتی دیگران را با بخشش و بردگی دفع نماید، در حقیقت دوستی مردم را کسب نموده بد بینی و کینه‌توزی ایشان را دور می‌سازد، و دشمنش به دوست مخلص و صادقی برای وی مبدل می‌گردد. این خصلت بزرگ، کسانی را میسر است که در مقابل نفس‌های خود مجاهدت نموده و در برابر خشم و غصب و آزار و اذیت دیگران صبر و شکیبایی نشان می‌دهند؛ همچنان این اوصاف و خصلت‌های نیکو را تنها کسانی نصیب می‌گردند که در دنیا از سعادت و خوشبختی بهره‌مند بوده و برای اعمال نیک و کسب اجر و ثواب سعی و تلاش می‌ورزند.

ابن عباس رض در تفسیر آیه **﴿وَمَا يُلْقَنَهَا إِلَّا آلَّدِينَ صَبَرُوا...﴾** گفته است: خداوند متعال مؤمنان را به صبر و شکیبایی در هنگام خشم و غصب، حلم و بردباری در برابر جهل، عفو و بخشش در مقابل بدی امر نموده است؛ هرگاه چنین کاری را انجام دهنده، خداوند ﷺ ایشان را از شر شیطان حفظ می‌کند و دشمن‌شان را برایشان فرمانبردار ساخته به دوست نزدیک و همکار مبدل می‌گردداند.

فعالیت

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند، و بعد از مشوره با همدیگر، یک شاگرد به نمایندگی از گروه خود، روش پاسخ‌گویی در مقابل بدی را تشریح نماید؛ سپس گروه دومی گفته‌های گروه اول را نقد کنند.

فواید و آموختنی‌ها

از آیت‌ها مبارک این درس، فواید زیر را باید آموخت:

- ❖ در دنیا هیچ کسی بهتر و برتر از دعوت‌گران به سوی خداوند ﷺ نیست، ایشان میان ایمان، عمل و دعوت جمع نموده اند.
- ❖ بر مؤمن است تا ایمان خود را ظاهر سازد و آن را اعلام نماید، و در مناسبات و تجمعات با داشتن ایمان خود احساس عزت و افتخار کند؛ این خود بهترین دعوت است.
- ❖ از آنجایی که خوبی با بدی یکسان نیست؛ پس بر مؤمن است تا نیکی را انتخاب کند، و بدی را با نیکی پاسخ بگوید.
- ❖ احسان و نیکی با دیگران، تحمل برخورد زشت ایشان، سرانجام آن‌ها را به دوستان راستین و همکاران خوب مبدل می‌سازد.



به سؤالات زیر جواب بگویید:

- ۱- سه صفت را که در آیه مبارک نشانه بهترین انسان‌ها در گفتار، ذکر گردیده بیرون نموده توضیح دهید؟
- ۲- چرا نیکی با بدی برابر نیست؟ نیکی بر انسان نیکوکار چه تأثیر دارد، و بدی در انسان بد کار چه اثراتی می‌گذارد؟
- ۳- احسان به دشمنان و پاداش دادن بدی‌های ایشان چی بار می‌آورد؟
- ۴- از آیت‌های مبارک طریقه و روش مقابله بدی با نیکی را استنباط نمایید.



یک مقاله درباره روش‌های تأثیرگذاری در مردم و آداب دعوت‌گری در یک صفحه بنویسید.

ایمان و عمل صالح

قال تعالیٰ: ﴿وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَنَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُواْ أَصْلِحَتِ وَتَوَاصَّوْ بِالْحَقِّ وَتَوَاصَّوْ بِالصَّابِرِ﴾

معنای کلمات

وَالْعَصْرِ:

سوگند به وقت و زمان، نماز عصر و یا وقت نماز عصر

وَتَوَاصَّوْ بِالْحَقِّ:

و یکدیگر را به حق توصیه نمودند

ترجمه

سوگند به عصر، انسان در زیان است، مگر آنانی که ایمان آورند و کارهای نیکو کردند و همدمیگر خویش را به حق گویی و شکیبایی سفارش کردند.

تفسیر

خداؤند صلی الله علیه و آله و سلم به زمان سوگند یاد کرده و تأکید نموده که انسان در زیان است، مگر کسانی که در ادامه این آیت ها مستثنی قرار گرفته اند.

راز سوگند خداوند صلی الله علیه و آله و سلم به زمان

اینکه خداوند متعال به زمان سوگند یاد می کنده، نشان دهنده آن است که زمان در نزد الله تعالیٰ از اهمیت و شرف بلندی برخوردار است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «لَا تَسْبِّحُ الدَّهْرَ، فِإِنَّ اللَّهَ هُوَ الدَّهْرُ»^(۱) ترجمه: دهر و یا زمان را دشنام ندهید؛ زیرا که خداوند صلی الله علیه و آله و سلم دهر و یا زمان است به این معنی که خداوند صلی الله علیه و آله و سلم گردانده و متصرف زمان می باشد.^(۲)

معنای دیگر عصر

برخی از مفسران گفته اند: مراد از عصر، نماز عصر و یا وقت نماز عصر است. نظر به این سخن اهمیت، شرف و فضیلت نماز عصر ثابت می گردد. و به همین دلیل بسیاری از علماء **«والصلوة والوضوء»** «نماز میانه» را به نماز عصر تفسیر نموده اند.

(۱) صحیح مسلم ، والسنن الکبری للبیهقی.

(۲) شرح نووى بر صحیح مسلم، کتاب الألفاظ من الأدب و غيرها.

به نظر بعضی از علماء، در این آیت اشاره به آن است که عمر باقی مانده دنیا مانند مدت میان عصر و مغرب کوتاه است.

پس بر انسان است تا این مدت زمان کوتاه را که سرمایهٔ نهایت با ارزش است در تجارتی به مصرف برساند که زیان نداشته باشد؛ زیرا این مدت زمان بسیار کوتاهی است و آنچه فوت می‌گردد دوباره به دست نخواهد آمد.

نجات یابنده‌گان از زیان

بعد از آن که راجع به انسان و سرنوشت او حکم عمومی صورت گرفت و انسان زیان‌مند قلمداد گردید، خداوند متعال مؤمنان مخلص را از این حکم عمومی استثنای نموده فرمود: ﴿إِلَّا آلَّذِينَ

ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَّوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَّوْا بِالصَّبَرِ﴾ تفسیر: کسانی که میان ایمان به خداوند ﷺ و کردار نیکو جمع نمایند، هرگز زیانی نخواهند دید؛ زیرا که آن‌ها برای روز آخرت کار می‌کنند و دل بسته‌گی‌های دنیا ایشان را از کار برای آخرت باز نمی‌دارد؛ چون آن‌ها با قلب‌های خویش ایمان آورده‌اند، و به مقتضای این ایمان عمل نموده‌اند.

همچنان کسانی دیگری که از زیان مستثنی شده‌اند آنانی اند که یکدیگر خویش را به تمسمک و التزام به حق ثابت و انکار ناپذیر سفارش و رهنمایی نمودند که آن ایمان به خداوند ﷺ و توحید او تعالی است.

باید گفت که حق در مقابل باطل قرار دارد و همهٔ نیکی‌ها به آن را در بر می‌گیرد مانند: توحید خداوند ﷺ، فرمانبرداری از اوامر او تعالی، پیروی کتاب‌ها و پیامبران خداوند متعال و برتر دانستن آخرت بر دنیا.

همچنان خداوند متعال کسانی را از خسران و زیان مستثنای گردانیده که یکدیگر را به صبر و شکیبایی در برابر سختی‌ها و دشواری‌ها در مسیر انجام دادن طاعتها، یا خود داری از گناهان، صبر و شکیبایی در مقابل آزمایش‌ها و آن‌چه برای انسان در زنده‌گانی دنیا می‌رسد، توصیه و رهنمایی می‌کنند.

البته کلمهٔ صبر در بر گیرندهٔ تحمل طاعات، دوری از کردار رشت، تحمل مصیبت‌ها و آنچه انسان در راه خداوند ﷺ و انجام امر به معروف و نهی از منکر متحمل می‌گردد، می‌باشد.

پس نجات یابنده‌گان از خسران و زیان به چهار صفت زیر متصف می‌باشند که این چهار صفت عبارت اند از: ایمان، عمل صالح، توصیه به حق و توصیه به صبر.

مقام و منزلت سوره‌العصر

سوره مبارک «العصر»، با داشتن سه آیت، برنامهٔ کامل زنده‌گی بشر را در کلمات و جملات کوتاه ترسیم نموده، حقیقت و وظیفهٔ امت اسلامی را در آیهٔ سومی بیان نموده است. امام شافعی رحمه‌للہ علیہ در

باره اهمیت این سوره فرموده است: «اگر از قرآن چیزی جز سوره (العصر) نازل نمی‌گردید، برای انسان‌ها بسنده بود.

نکته

از عبیدالله بن حفص روایت شده که فرمود: وقتی دو تن از اصحاب پیامبر ﷺ با یکدیگر رو به رو می‌شدند و ملاقات می‌نمودند، قبل از آنکه از همدیگر جدا شوند یکی بر دیگری سوره (العصر) را تا آخر تلاوت می‌نمود و آنگاه با تقدیم سلام از یکدیگر جدا می‌شدند.

فواید و آموختنی‌ها

- ❖ وقت و زمان، در زنده‌گی انسان از اهمیت بلندی بر خوردار است که نباید هیچ لحظه‌یی از لحظات آن را ضایع کرد.
- ❖ انسان‌ها به طور عموم در زیانند، جز آنانی که ایمان آورده و اعمال نیک انجام دهن و تممسک و التزام به حق داشته و توصیه به صبر می‌کنند.
- ❖ هر مؤمن مسلمان به حق گویی و تبلیغ دین خدا مکلف است و باید از دین خدا پاسداری نماید.
- ❖ مسلمانان مکلف اند یکدیگر را به طاعت خداوند متعال، صبر و شکریابی در برابر کشش‌های نفسانی و گناه، تسلیم شدن به قضا و قدر در هنگام مصیبت‌ها و آزمایش‌ها توصیه و سفارش نمایند.



به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

- ۱- معنای (العصر) چیست؟
- ۲- اسباب و عوامل خسran و زیانی که به انسان می‌رسد چیست؟
- ۳- معنای جمله‌های زیر را توضیح بدهید:
و تواصوا بالحق
و تواصوا بالصبر
- ۴- چهار نوع انسانی را که نظر به سوره (العصر) از زیان و خسran در امان استند توضیح دهید.
- ۵- امام شافعی حنفی در باره اهمیت سوره «العصر» چه گفته است؟
- ۶- از سوره «العصر» چه درس‌ها و اندزهایی را به دست می‌توان آورد؟



هر شاگرد راجع به اسباب نجات انسان یک مقاله بنویسد که از یک صفحه کمتر نباشد.

امانت و اهمیت آن در اسلام

قال تعالیٰ: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تُؤْدُوا الْأَمْنَاتِ إِلَيْهَا وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَن تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمًا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَلْرَسُولَ وَأَوْلَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ نَزَّعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَأَلْرَسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَأَلَيْوَمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [النساء: ۵۸ - ۵۹]

معنای کلمات

الْأَمْنَاتِ:

امانتها (نگهداری چیزی به قصد بر گرداندن آن به صاحبش)

الْعَدْلِ:

انصاف، رساندن حق به صاحب آن.

فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَأَلْرَسُولِ: حکم آن را در کتاب خداوند جَلَّ جَلَّ و سنت پیامبر صلَّی اللہُ عَلَیْهِ وَاٰلِہٖہ وَسَلَّمَ جستجو کنید.

ترجمه

همانا خداوند جَلَّ جَلَّ به شما امر می کند که امانت ها را به صاحبانش باز دهید و چون میان مردم حکم نمودید به عدالت حکم کنید. خداوند جَلَّ جَلَّ شما را پند نیکو می دهد، (به تحقیق) خداوند جَلَّ جَلَّ شنوا و بیناست. ای اهل ایمان، از فرمان خداوند جَلَّ جَلَّ و رسول الله صلَّی اللہُ عَلَیْهِ وَاٰلِہٖہ وَسَلَّمَ و فرمان داران که از خود شما استند اطاعت کنید پس اگر در چیزی کار به نزاع کشد آن را به حکم خداوند جَلَّ جَلَّ و پیامبر صلَّی اللہُ عَلَیْهِ وَاٰلِہٖہ وَسَلَّمَ باز گردانید اگر به خداوند جَلَّ جَلَّ و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و نیک انجام تر خواهد بود.

تفسیر

خداوند متعال به بنده گان خود دستور داده تا امانت ها را به صاحب آن بر گردانند، و در هنگام حکم و قضاویت به عدل فیصله کنند همچنان خداوند متعال بنده گان خود را به اطاعت و پیروی خداوند جَلَّ جَلَّ و پیامبر صلَّی اللہُ عَلَیْهِ وَاٰلِہٖہ وَسَلَّمَ و اطاعت فرمانروایان مأمور ساخته است. خداوند متعال در آیه مبارک دو مورد از اعمال نیک را بیان نموده است.

ادای امانت: امانت عبارت از هر آن چیزیست که انسان برای نگهداری آن مورد اعتماد قرار داده چی مادی باشد و یا معنوی.

گاهی امانت عهد و پیمان با خداوند الله است که ادای آن عبارت از عمل کردن به اوامر خداوند الله و اجتناب از نواهی او تعالی می‌باشد.

گاهی امانت در برابر مردم است؛ مانند امانت‌ها و اسرار انسان‌ها که ادای آن عبارت از بر گردانیدن آن امانت‌ها و اسرار به صاحبانش و عدم تقلب و خیانت در آن می‌باشد. کار کردن در وظایف و مسئولیت‌های عامه نیز نوعی از امانت است که ادای آن مستلزم انجام درست آن کارها می‌باشد. اگر شخصی که به کاری چه در دوایر دولتی و یا بخش خصوصی و یا امور شخصی موظف شود و در انجام آن سستی و تنبیل نموده وظیفه خویش را به درستی انجام ندهد مرتکب خیانت در امانت شده است؛ همچنان سوء استفاده از اموال ودارائی‌های عامه و یا تقصیر در حفاظت از آن نوعی از خیانت در امانت می‌باشد. این آیه مبارک و سایر آیات کریمه و احادیث نبوی مؤمنان را به مراعات و ادای همه این امانت‌ها امر و تشویق فرموده است.

البته در باره نگهداری امانت و اهمیت آن آیات و احادیث زیادی آمده چنانکه خداوند متعال در سوره احزاب فرموده است: «ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوههای عالم پیش کردیم، همه از تحمل آن امتناع ورزیده و اندیشه کردند و انسان آن را پذیرفت.» [الأحزاب: ٧٢]

در جای دیگری خداوند متعال امانت داران را مورد ستایش قرار داده می‌فرماید: «وَ آن رستگاران کسانی اند که امانت‌ها و پیمان‌شان را حفظ و رعایت می‌کنند» [المعارج: ٣٢].

همچنان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در مورد امانت و نگهداری و ادای آن در احادیث زیادی به اسالیب و روش‌های مختلف تأکید فرموده است. از آن جمله در این حدیث شریف ایمان و دین را با امانت مرتبط ساخته فرموده است: «**لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ، وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ**»^(۱) ترجمه: کسی که امانت داری نداشته باشد ایمان ندارد، و کسی که عهد و پیمان را رعایت نکند دین ندارد.

حکم و قضاوت به عدل: خداوند الله به مؤمنان امر نموده که در حکم و قضاوت خود حق و عدالت را در نظر داشته باشند. خداوند الله ملک و پادشاهی خود را بر دو اصل حق و عدل برقرار ساخته است. وقتی که در حکم و قضاوت ظلم و بی عدالتی صورت گیرد منجر به شقاوت و بدیختی افراد و جامعه گردیده، حقوق ضایع می‌شود و فساد در میان انسان‌ها منتشر می‌گردد.

در این باره آیات و احادیث زیادی وارد گردیده که از آن جمله این قول خداوند متعال است که فرموده: **«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»** [النحل: ٩٠] ترجمه: همانا خداوند الله به عدل و احسان امر نموده است.

(۱) المعجم الكبير للطبراني.

عدل و انصاف در گفتار

خداؤند متعال رعایت عدل و انصاف را در سخن گفتن تأکید نموده می فرماید: «**وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا**»

وَلَوْكَانَ ذَا قُرْبَى» [الانعام: ١٥٢] ترجمه: و هرگاه سخنی گویید، به عدالت گرایید، هرچند در باره خویشاوندان باشد.

انس بن مالک رض روایت نموده که پیامبر خداوند متعال فرمودند: «**لَا تَرَأَلْ هَذِهِ الْأَمْمَةِ بَخَيْرٍ مَا إِذَا قَاتَ صَدَقَتْ، وَإِذَا حَكَمَتْ عَدَلَتْ وَإِذَا أَسْتَرْحَمَتْ رَحْمَتْ**»^(١) ترجمه: تا آن زمان این امت (امت من) در خیر و نیکی است که هرگاه سخن گفت راست گوید و هرگاه حکم کرد عدالت نماید، و هرگاه از وی طلب رحمت شود ترحم و مهربانی کند.

سپس خداوند متعال باز هم به مؤمنان خطاب نموده می فرمایند: خداوند علیه السلام ادای امانت و حکم به عدالت را برای شما یک امر نیک و پسندیده مقرر گردانیده که در آن صلاح و بهبود کارهای شما در دنیا و سعادت شما در آخرت خواهد بود؛ پس بر شمامست ای مؤمنان تا به احکام و ارشادات خداوند علیه السلام عمل نمایید؛ زیرا او تعالی به آنچه از شما صادر می شود آگاه و شنوا و بیناست.

اطاعت خدا و رسول و اولی الامر

سپس آیات قرآنی مؤمنان را به اطاعت و فرمانبرداری خداوند متعال و اطاعت و فرمانبرداری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امر می نماید. همچنان خداوند متعال به مؤمنان امر نموده از اولی الامر و یا زمامداران مسلمان شان اطاعت و فرمانبرداری کنند اولی الامر و یا زمامداران عبارت از امیران، حکام و سرلشکران مسلمانان می باشند که اطاعت و فرمانبرداری مسلمانان از ایشان واجب است، به شرط اینکه به معصیت خداوند علیه السلام امر نکنند؛ اما در صورتی که امر و فیصله اولی الامر و زمامداران مخالف شریعت خداوند علیه السلام باشد برای هیچ کسی اطاعت و فرمانبرداری ایشان جواز ندارد؛ زیرا که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «**لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ**»^(٢) ترجمه: اطاعت مخلوقی در معصیت خالق متعال جواز ندارد.

سپس خداوند متعال مؤمنان را در وقت نزاع و اختلاف ارشاد و رهنمایی فرموده که به کتاب خداوند علیه السلام و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رجوع کنند. پیامبر خداوند متعال چنین فرموده: «**مَا نَهِيْتُكُمْ عَنْهُ فَاجْتَنِبُوهُ، وَمَا أَمْرَتُكُمْ بِهِ فَافْعُلُوا مِنْهُ مَا أَسْتَطَعْتُمْ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كُثْرَةً مَسَائِلَهُمْ وَاحْتَلَافُهُمْ عَلَى أَنْبِيَائِهِمْ**» ترجمه: از آنچه شما را منع کردم از آن خود داری کنید، و به آنچه شما را

۱- مستند ابو یعلی.

۲- المعجم الكبير للطبراني

امر نمودم به قدر استطاعت و توانمندی تان به آن عمل نمایید. همانا کسانی از امت های گذشته قبل از شما بودند به سبب سؤال های زیاد شان و اختلاف شان در مورد پیامبران شان هلاک گردیدند.

فعالیت

هر شاگرد یک حديث نبوی را در باره اینکه چه وقت اطاعت و فرمانبرداری مخلوق واجب و چه وقت ناجائز می باشد، در کتابچه خود بنویسد.

فواید و آموختنی ها

آیت های مبارک این درس، ما را به فواید و آموختنی های آتی رهنمون می سازد:

- ❖ ادای امانت و حکم و قضاوت در میان مردم به عدل و حق.
- ❖ اطاعت و فرمانبرداری اولی الامر و زمامدار مسلمان، در صورتی که به معصیت خداوند ﷺ امر نکند.
- ❖ رجوع به کتاب خداوند ﷺ و سنت پیامبر خداوند متعال، در حالت اختلاف و نزاع مسلمانان پیرامون امری از امور دین و دنیای شان.



به سؤالات زیر جواب بدھید:

- ۱- دو عمل صالح و شایسته برای مؤمنان را بیان نمایید.
- ۲- چرا خداوند متعال به عدل در میان مردم امر نموده است؟ فواید امر به عدل را ذکر نمایید.
- ۳- از این قول خداوند متعال: «**أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَلْرَسُولَ**» چه استفاده می شود؟
- ۴- اطاعت پیامبر خداوند متعال با اطاعت و فرمانبرداری اولی الامر و یا زمامدار مسلمانان چه فرق دارد؟
- ۵- در کدام حالت اطاعت اولی الامر برای مسلمان لازم نیست؟ به حديث نبوی استدلال کنید.
- ۶- خداوند ﷺ مرجع و منبعی را برای ما معرفی نموده است که در وقت اختلاف و نزاع باید به آن مراجعه کنیم. این منبع کدام است، و دلیل آن چیست؟
- ۷- امانت به مفهوم شرعی آن شامل چی چیزها می شود؟

مطابقت در گفتار و کردار

قال تعالیٰ: ﴿وَلَا تَلِسُوا الْحَقَّ بِالْبَطْلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴾
 وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الْزَّكُورَةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّكِعَيْنَ أَتَأْمُرُونَ ﴿النَّاسَ بِالْبِرِّ
 وَتَنْسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتَلَوُنَ الْكِتَبَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴾ وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ
 وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَلَشِعِينَ ﴿الَّذِينَ يَظْنُنُونَ أَنَّهُمْ مُلْقُوا رَبِّهِمْ
 وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ [البقرة: ٤٢-٤٦]

معنای کلمات

وَلَا تَلِسُواً:

نماز را با رعایت اركان و آداب آن ادا نمایید

أَقِيمُوا الصَّلَاةَ:

زکات را به مستحقین آن بدھید

وَءَاتُوا الْزَّكُورَةَ:

نیکی، همه اعمال خوب

الْبِرُّ:

با شکریابی و برد باری

بِالصَّبْرِ

طاعت کننده‌گان با فروتنی و عاجزی

الْخَلَشِعِينَ:

ترجمه

و حق را با باطل مپوشانید و حقیقت را پنهان نسازید، حال آنکه (به حقانیت آن) می‌دانید. نماز را به پا دارید و زکات بدھید و با نماز گزاران نماز بگزارید. چگونه شما مردم را به نیکو کاری دستور می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید، حال آنکه کتاب خداوند ﷺ را می‌خوانید، چرا اندیشه نمی‌کنید؟ یاری جویید از خداوند ﷺ به صبر و نماز، که نماز (با حضور قلب) امری بسیار بزرگ و دشوار است مگر بر خداوند ﷺ پرستان فروتن؟ آنان که می‌دانند که ایشان ملاقات خواهند کرد با پروردگار خوبیش و آنکه ایشان به سوی وی باز خواهند گشت.

تفسیر

خداؤند متعال در این آیات به همه مردم و امت‌های روی زمین که انبیاء و پیامبران خود را برای هدایت ایشان فرستاده است دستور داده تا حق را پوشانند، و به حکم خواسته‌های باطل خویش احکام خداوند جَلَّ جَلَّ را تغییر ندهند. به طور خاص یهود که حق برایشان معلوم بود؛ اما به خاطر تعصب و کینه حق را تغییر دادند تا مردم را از راه حق باز دارند؛ زیرا یهود حق را پوشانند و آن را با باطل آمیختند، در حالی که خوب می‌دانستند که حق همان است که پیامبر اسلام صَلَّى اللّٰهُ عَلٰيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ آورد است.

سبس خداوند جَلَّ جَلَّ به مؤمنان دستور می‌دهد که به ارکان دین خود عمل نمایند تا قلب‌های ایشان به حق راه یابد، و خشوع و خضوع شان به خداوند جَلَّ جَلَّ بیشتر گردد.

قرآن کریم در اینجا دو رکن اساسی اسلام را بیان می‌دارد که اول آن ادائی نماز است که بزرگترین عبادت بدنی می‌باشد و ادای آن با حفظ ارکان و شرایط مکمل آن ثمرة خوبی بار می‌آورد و از فحشا و منکرات باز می‌دارد. رکن دومی عبارت از زکات است که بزرگترین عبادت مالی می‌باشد. بدون شک التزام و پابندی به این عبادات دل‌ها را پاک ساخته، نفس‌ها را تزکیه می‌کند، و هرگاه انسان در ادای این عبادات کوتاهی ورزد، ذلت و خواری در دنیا و آخرت نصیبیش خواهد گردید.

مطابقت در گفتار و کردار

بعد از این اوامر که طایفه یهود را به آن دستور داده، خداوند متعال ایشان را در مقابل تصرفات و عملکردهای غیر عاقلانه شان سرزنش نموده هشدار می‌دهد: «أَنَّمُرُونَ الْنَّاسَ بِالْبَرِّ وَتَنْسَوْنَ

أَنفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتَلَوُنَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» ترجمه: چگونه شما مردم را به نیکوکاری دستور

می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید و حال آنکه کتاب خداوند جَلَّ جَلَّ را می‌خوانید، چرا اندیشه نمی‌کنید؟ در اینجا استفهام برای انکار و تقبیح عملکرد یهود است که مردم را به خوبی امر می‌نمودند، ولی خود به آنچه می‌گفتند عمل نمی‌کردند، در حالی که زشتی این کار را در کتاب تورات به خوبی می‌دانستند. بنا بر آن آیات قرآنی خرد و اندیشه ایشان را مخاطب قرار داده، آن‌ها را از چنین کاری باز می‌دارد، و به ایشان هشدار می‌دهد که این کار مخالف عقل و خرد است.

استعانت به صبر و نماز

در این آیات، خداوند متعال همچنان به یهودیان طریقہ استفاده درست از کتابشان را تعلیم می‌دهد تا از آنچه برایشان فرستاده شده بهره بگیرند و دل‌های شان پاک گردد و نیت‌هایشان درست شود؛ بنابرآن خداوند متعال به آن‌ها دستور داده که نخست از صبر، کمک و یاری بجویند؛ زیرا صبر انسان را به وعده خداوند حَمْدُ اللّٰهِ مطمئن می‌سازد که صبر کننده‌گان را به پاداش بزرگ بشارت داده است؛ چون صبر کننده‌گان نفس‌های خود را از خواسته‌های شان باز داشته‌اند و با مشقت خود را از معصیت حفظ نموده‌اند.

همچنان آیات قرآنی به استعانت از نماز امر نموده تا به این وسیله از فحشا و منکرات اجتناب ورزند؛ زیرا در ادای نماز، انسان در حالت آشکار و پنهان خداوند حَمْدُ اللّٰهِ را به یاد می‌آورد و خود را مورد مراقبت او تعالی می‌داند. بدون شک نماز با چنین شرایط و آداب یک کار دشوار است، مگر برای کسانی که از خداوند حَمْدُ اللّٰهِ می‌ترسند و عذاب او را به یاد می‌آورند، نماز برای ایشان یک امر آسان و محبوب قرار می‌گیرد؛ چنانچه پیامبر خداوند متعال فرموده است: «وَجُعِلَتْ فُرْةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ»^(۱) ترجمه: همانا روشنایی چشم من در نماز گذاشته شده است.

و خداوند متعال بندۀ‌گان نماز گزار خود را بشارت داده که ایشان یقین دارند که در روز قیامت با پروردگار خود ملاقات خواهند نمود، و تنها به سوی او تعالی باز گشت همه است، و او تعالی پاداش آنچه عمل نموده اند را خواهند داد؛ پس اینچنین بندۀ‌گان خداوند حَمْدُ اللّٰهِ در ادای نماز احساس سختی و مشقت نمی‌کنند؛ بلکه از نماز کمک می‌خواهند، و هر وقتی که مشکلی به ایشان پیش شود با ادای نماز به مناجات پروردگار خود می‌شتابند؛ چنانچه، هر زمانی که رسول صلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امر مهمی خداوند متعال را فرا می‌گرفت، به نماز رو می‌آورد.

فعالیت

- هر شاگرد در روشنایی درس خوانده شده، یک تعریف مختصر از مؤمن صادق و راستین در کتابچه خود بنویسد.
- از شاگردان خواسته شود در مورد چگونه‌گی کمک خواستن از صبر و نماز در میان خود بحث کند.

(۱) مسنند امام احمد.

فواید و آموختنی‌ها

برخی فواید و آموختنی‌های این درس قرار زیر است:

- ❖ مؤمن راستین از همه آنچه در کتاب خداوند حَمْدَه آمده، پیروی می‌کند؛ به اوامر آن عمل نموده، و از نواهی آن اجتناب می‌ورزد، و فرایض آن را به جا می‌آورد.
- ❖ مؤمن صادق آن است که تنها از خداوند حَمْدَه بترسد، و از بابت جایگاه رزق و روزی هراس نداشته باشد.
- ❖ مؤمن راستین آن است که به همه آنچه خدا فرموده التزام ورزد، و هیچ کار مشروع را به اساس خواسته‌ها و تمایلات نفس خود ترک نکند.
- ❖ مؤمن راستین کسی است که گفتارش مطابق کردارش باشد، و چیزی نگوید که خود به آن عمل نکند.
- ❖ مؤمن راستین در هنگام سختی‌ها و مشکلات به نماز رو می‌آورد و با ادائی نماز از خداوند متعال استعانت می‌جوید.



به سوال‌های زیر جواب بگویید:

- ۱- چرا خداوند متعال به اقامه نماز و ادائی زکات امر نموده است؟
- ۲- معنای اقامه نماز را که در آیه مبارک وارد گردیده توضیح دهید؟
- ۳- خداوند حَمْدَه طایفه یهود را به کمک خواستن از دو رکن مهم مأمور گردانیده تا بر مشکلات زنده‌گی فایق آیند. این دو رکن کدام‌ها‌اند؟
- ۴- معنای صبر چیست؟
- ۵- انواع صبر را بیان کنید.
- ۶- انسان چگونه از صبر و نماز یاری می‌جوید؟

فرجام سرپیچی از ذکر خداوند ﷺ

قال تعالیٰ: «وَمَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيَضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ وَإِنَّهُمْ قَرِينٌ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ الْسَّبِيلِ وَيَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُنَا قَالَ يَلْئِيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقِينَ فَيُئْسِنَ الْقَرِينَ وَلَن يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الْصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمَّىٰ وَمَن كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٌ» [الزخرف: ۳۶-۴۰]

معنای کلمات

يَعْشُ:

کسی که از ذکر خدا اعراض و سرپیچی می‌کند

نُقِيَضْ:

فراهم می‌کنیم، مسلط می‌سازیم

قَرِينٌ:

همراه و همنشین جدا نا شدنی

لَيَصُدُّونَهُمْ:

آنها را از حق باز می‌دارند

الْسَّبِيل:

راه حق، دین اسلام

ترجمه

و هر که از یاد خداوند ﷺ سرپیچی کند شیطانی را بر او مسلط می‌سازیم تا یار و همنشین دائم وی باشد. و آن شیاطین، همیشه آن مردم از خداوند ﷺ غافل را از راه خداوند ﷺ باز می‌دارند، و پندازند که هدایت یافته اند. تا وقتی که به سوی ما باز آید، آن گاه با نهایت حسرت گوید: ای کاش میان من و تو فاصله‌یی به دوری مشرق و مغرب بود که تو بسیار همنشین و یار بدی برای من بودی، و هرگز در آن روز به حال شما سودی ندارد؛ زیرا در دنیا ظلم کردید که امروز با شیاطین در عذاب دوزخ شریک هستید. آیا تو این کران (نا شنوازیان) را سخنی توانی شنوانید؟ یا این کوران و آن را که دانسته به گمراهی می‌رود هدایت توانی کرد؟

تفسیر

فرجام همنشینی با بدان

آیت‌های مبارک بیان می‌دارد کسی که از ذکر خداوند ﷺ و راه او تعالی سر پیچی نموده، دلایل آشکار بر وجود خداوند ﷺ را در کاینات و در کتاب او (قرآن کریم) نا دیده گرفته و به راه باطل می‌رود، خداوند متعال شیطانی را قرین و همنشین او می‌گرداند که همواره با او قرار داشته و بر گمراهی اش می‌افزاید، مانند دشمنی که بر انسان غالب گردد و از او انتقام بگیرد. چنانچه در حدیث نبوی به روایت مسلم آمده است: برای هر مسلمانی یک همنشین جن وجود دارد، و شیطان می‌تواند در مجرای خون فرزندان آدم حرکت نماید.

بدین ترتیب شیاطین پیروان و دوستان کافرشان را از راه حق باز می‌دارند، و آن‌ها چنین می‌پندارند که راه یافته گانند؛ در حالی که ایشان در گمراهی آشکار اند، تا آنکه مرگ به سراغ شان برسد و سپس بر انگیخته شوند؛ چنانچه خداوند متعال فرموده است: «**وَإِنَّهُمْ لِيَصُدُّونَهُمْ عَنِ الْسَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ**» ترجمه: شیاطین همیشه آن مردم غافل را از راه خداوند ﷺ باز

می‌دارند، و چنین می‌پندارند که هدایت یافته‌اند. پروردگار به ما هشدار می‌دهد که انسان کافر زمانی که خداوند ﷺ او را در روز قیامت زنده می‌سازد آرزو می‌کند که میان او و یار و همنشین بدش مانند مشرق و مغرب فاصله باشد. و آنان به همنشینان شان چنین می‌گویند: کاش شما را نمی‌شناختم، و شما ما را نمی‌شناختم. کاش شما را نمی‌دیدیم، و شما ما را نمی‌دیدید، چه یاران و دوستان بدی بودید! اما فرمان خداوند ﷺ به همه آن‌ها چنین است که بیزاری و نفرین شما بر یکدیگر برای تان سودی نمی‌بخشد بلکه همه شما مستحق عذاب هستید و در این عذاب درد ناک شریک یکدیگر هستید و چیزی از عذاب شما کم نخواهد شد.

فعالیت

انسان کافر در روز آخرت در باره دوست و همنشین خود چه می‌گوید؟ فشرده این مطلب را در کتابچه خود بنویسید.

هدایت از جانب خداوند ﷺ است

سپس خطاب قرآنی به پیامبر ﷺ متوجه گردیده، خداوند متعال از نبی خود می‌پرسد: آیا توان آن را خواهی داشت کسی را که از نعمت شناوی محروم گردیده بشنوانی؟ و آیا خواهی توانست کوران را بینا سازی؟ و یا فرو رفته‌گان در گمراهی آشکار را هدایت نمایی؟ نخیر، این همه امور از قدرت و توان تو خارج اند، و تو تنها پیامبر ﷺ تبلیغ کننده و بیم دهنده کسانی هستی که بخواهند خویشن

را از آتش جهنم نجات دهند؛ چنانچه خداوند ﷺ این امر را در خطاب به رسول خود چنین تأکید نموده است:

﴿ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الْصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمَّىٰ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٌ ﴾ یعنی: آیا تو این کران را سخنی توانی آموخت یا این کوران و آن را که دانسته به گمراهی می‌رود هدایت توانی کرد؟ همچنان این آیت‌های مبارک رابطه میان پیامبر ﷺ و میان مشرکان را معکوس و در تقابل نشان می‌دهد؛ چنانچه پیامبر خداوند متعال با اصرار و دلسوزی برای دعوت آن‌ها به شدت تلاش می‌ورزد، در حالی که آنان به گمراهی و سرپیچی اصرار دارند، و از دلایل آشکار و روشن قرآن و نبوت چشم پوشی نموده به کفر و عناد در راه باطل ادامه می‌دهند.

فواید و آموختنی‌ها

برخی فواید و آموختنی‌های آیات مبارکه این درس، از این قرار است:

- ❖ کسی که از قرآن و از آیات و براهین آشکار قرآن اعراض و سرپیچی نماید، خداوند ﷺ او را با همنشینی شیطانی مجازات خواهد نمود که بر وی مستولی گردیده، دنیا و آخرتش را به زیان و تباہی می‌کشاند.
- ❖ کافران در گمراهی می‌روند، در حالیکه چنین می‌پندارند که راه یافته گان اند.
- ❖ باید به قرآن کریم تمسک ورزید؛ زیرا قرآن کریم راه مستقیم و حق است که به سعادت دنیا و آخرت رهنمون می‌سازد.
- ❖ پیروی قرآن در دنیا و آخرت سبب عزت و سر بلندی است؛ اعراب با نزول قرآن این عزت و منزلت را به دست آوردند؛ چنانچه خداوند متعال این حقیقت را به پیامبر ﷺ خود چنین بیان داشته است: «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ» ترجمه: قرآن برای تو و قومت شرف و نام نیکی است.



به سؤالات زیر جواب ارائه نمایید:

- ۱- جزای کسی که از یاد خداوند ﷺ روی می‌گرداند و از آیات او تعالی چشم پوشی می‌کند چیست؟
- ۲- شیاطین با پیروان و دوستان خود چه می‌کنند؟
- ۳- پیروان و فرمانبرداران در روز قیامت به فرمانروایان و پیشوایان خود چه می‌گویند؟
- ۴- نص قرآنی چه چیزی را از قدرت و صلاحیت پیامبر ﷺ دور دانسته است؟

نیکویی چیست؟

قال تعالیٰ: ﴿لَيْسَ الْبَرُّ أَنْ تُوَلُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبَرَّ مَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَأَيَّوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَئِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّنَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ دَوْيَ الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّاَلِيْلِينَ وَفِي الْرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الْزَّكَوَةَ وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكُ هُمُ الْمُتُّقُونَ﴾

[البقرة: ١٧٧]

معنای کلمات

آلِبَرَّ:

ابْنَ الْسَّبِيلِ :

فِي الْرِّقَابِ :

الْبَأْسَاءَ :

الضَّرَّاءَ :

وَحِينَ الْبَأْسِ :

ترجمه

نیکو کاری آن نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کنید، لیکن نیکو کاری آن است که کسی به خداوند ﷺ و روز قیامت و فرشته‌گان و کتاب آسمانی و پیغمبران ﷺ ایمان آرد، و مال و دارایی خود را با وجود دوستی آن، در راه خداوند ﷺ به خویشان و یتیمان و فقیران و مسافران در راه مانده و گدایان بدهد و در آزاد کردن بنده‌گان صرف کنده، نماز را بر پا دارد و زکات مال بدهد و نیز نیکو کار آنانی اند که با هر که عهد بسته اند به عهد خود وفا کنند و در حال تنگدستی و سختی و هنگام کار زار صبور و شکیبا باشند. آن‌ها به حقیقت راستگویان و آن‌ها به حقیقت پرهیز کارانند.

تفسیر تحویل قبله

پیامبر ﷺ همراه با مسلمانان، بعد از هجرت به مدینه منوره، به حکم خداوند متعال، تا مدت یک و نیم سال، به طرف بیت المقدس نماز خواندند. پیامبر ﷺ دوست داشت به طرف کعبه نماز بخواند. خداوند متعال به رسول خود دستور داد تا نماز را به طرف کعبه مشرفه ادا نماید و به این ترتیب تحویل قبله از بیت المقدس به طرف کعبه مشرفه صورت گرفت. یهود مدینه، با تحویل قبله به فتنه انگیزی پرداختند و خواستند در دل‌های مسلمانان شک و تردید ایجاد نمایند و مردم را از گرویدن به دین اسلام باز دارند. یهودیان تبلیغ نمودند که قبله آن‌ها؛ یعنی بیت المقدس قبله صحیح است و به طرف غیر آن نماز درست نمی‌شود. خداوند متعال در آیات دیگری حکمت تحویل قبله را به تفصیل بیان داشته با رد اکاذیب و پندارهای یهود غرض اطمینان پیامبر اسلام ﷺ و مؤمنان برتری کعبه مشرفه را نسبت به هر جای دیگر تثبیت و تأکید نموده است.

در این آیه مبارکه خداوند متعال باز هم به رد ادعاهای یهود و مشرکین و منافقان پرداخته که تنها روی گردانیدن در نماز به طرف مشرق و مغرب معیار نیکی و برتری نیست؛ بلکه ایمان به خداوند ﷺ و به روز آخرت و آنچه در این آیه مبارکه ذکر گردیده معیار نیکی و برتری می‌باشد. و استقبال قبله تنها برای وحدت مردم و ادای نماز است که خاص برای خداوند ﷺ و تسلیم شدن به حکم او تعالیٰ باید ادا شود.

أنواع و اشكال نيكويي

آيات مبارکه فوق بیان می‌دارد که نیکی تنها روی آوردن به طرف مشرق و مغرب در ادای نماز نیست؛ بلکه نیکی عبارت از ایمان، اخلاق و اعمال پسندیده است. آیه مبارک اساسات و مبانی نیکی را در موارد زیر بیان نموده است.

مباني ايمان

اصل نیکویی، ایمان به خداوند ﷺ یکتا و بی‌نیاز، ایمان به روز آخرت و حساب و ثواب و عقاب آن، ایمان به فرشته گان، ایمان به کتاب‌های آسمانی و ایمان به انبیا و پیامبران خداوند متعال است که مردم دعوت آن‌ها را قبول می‌کنند و به هدایت و رهنمایی آن‌ها عمل می‌نمایند. این‌ها اساس نیکی می‌باشند که هر انسان باید به آن ایمان و تصدیق داشته باشد تا از داشتن عقیده سالم و سعادت و رستگاری برخور دار گردد.

اعمال نیکو

بعد از ذکر اصول و مبانی ایمان، آیه مبارک، اصول و مبانی اعمال نیک را بیان نموده که نتیجه و ثمرة ایمان می‌باشند؛ چنانچه خداوند متعال در وصف انسان نیکو کار می‌فرماید: «مال و دارایی را با وجود دوستی شدید آن به کسانی بدھید که مستحق کمک و مساعدت اند؛ مانند اقارب و خوبشاوندان، یتیمان، فقرا و مساکین، مسافر در راه مانده، تکدی (سؤال) کننده گان و آزادی بردگان. با تأسف، بسیاری مردم این حقوق را که قرآن کریم به آن تأکید ورزیده فراموش نموده و از آن غفلت ورزیده اند. هرگاه مسلمانان این حقوق را مراعات نمایند و به آن عمل کنند، بهترین مردمان و برترین امت‌ها خواهند بود، و آن وقت است که امتهای دیگر با دیدن این ارزش‌های والا به دین اسلام رو خواهند آورد.

بخش دیگری از اعمال نیک، برپا داشتن نماز است با مراعات اركان، آداب و شروط آن؛ همچنان قسم دیگر این اعمال نیکو، ادای فریضه زکات است که غالباً قرآن کریم آن را همراه و پیوست با ادای نماز ذکر نموده است.

اخلاق فاضلہ

آیات قرآنی پس از ذکر اصول و مبانی ایمان و اعمال نیکو، به بیان اصول و مبانی اخلاق می‌پردازد که مسلمان باید به آن التزام ورزد؛ زیرا اخلاق ثمرة ایمان است. وفا به عهد، صبر در حال تنگ‌دستی و سختی در هنگام کار زار از جمله مبانی اخلاق فاضلہ می‌باشد که قرآن کریم به عنوان کارهای خیر و نیکو بیان نموده است؛ پس نیکی تنها روی گرداندن به جهت معین؛ به طرف مشرق و مغرب نمی‌باشد؛ بلکه اساس نیکی مجموع اصول ایمان، اصول اعمال نیک و اصول اخلاق است که این آیه مبارک در بر گیرنده همه آن‌ها می‌باشد.

در ختم آیت، کسانی که به اوامر خداوند ﷺ التزام داشته و تعليمات دین خود را به وجه نیکو انجام می‌دهند، قرآن کریم آن‌ها را با دو صفت بزرگ ستوده است:

۱- ایشان در دعوای ایمانداری صادق اند؛ چه، آن‌ها تنها با زبان ایمان نیاورده اند، بلکه ایمان خود را با قلب‌ها و اعمال خود به اثبات رسانیده اند.

۲- ایشان متقيان و پرهيزکارانند؛ زیرا، آن‌ها به آنچه خداوند ﷺ دستور داده عمل نمودنند، آن‌ها تنها متقيانی اند که به قرآن عمل نموده، از خداوند ﷺ ترسیده اند، و برای روز واپسین آماده‌گی گرفته اند و ظاهر خود را با باطن‌شان آراسته نموده اند.

فواید و آموختنی‌ها

- آیت‌های مبارک به درس‌ها و فوایدی اشاره می‌نماید که برخی از آن چنین است:
- ❖ انسان، مؤمن پنداشته نمی‌شود تا آنکه دوستی خداوند متعال و پیامبر ﷺ را بر دوستی ماسوای آن برتری بدهد و قلبش با یاد خداوند ﷺ مطمین گردد و از گناهان دوری گزیند.
 - ❖ اعمال و کردار نیکو ثمره و ترجمان ایمان راستین است.
 - ❖ جامعه پر امن جامعه‌یی است که همکاری الفت دوستی و ترحم میان افراد آن حاکم باشد؛ چنین جامعه‌یی مانند یک جسم واحد است که با درد و رنج یک عضوش، همه اعضای آن بیقرار می‌گردد.
 - ❖ جامعه با فضیلت و پر امن آن است که افراد آن با مکارم و اصول اخلاق پیامبر ﷺ متصف باشند.



به سوالات زیر جواب بدهید:

- ۱- مقصد از (البِر) چیست؟ و رابطه میان آنچه در این آیت آمده با موضوع تحويل قبله چه می‌باشد؟
- ۲- آیه مبارکه، مبانی ایمان را به حیث اصول و اساس نیکی ذکر نموده است. این مبانی را بیان نمایید.
- ۳- ایمانی که قرآن از انسان طلب نموده چگونه ایمانی است؟
- ۴- اعطای مال برای مستحقان از جمله مبانی نیکی است. چه کسانی برای دادن مال مستحقند؟
- ۵- آیات قرآنی چرا اقارب و خویشاوندان را مقدم گردانیده است؟
- ۶- مسکین و ابن سبیل چه کسانی اند؟
- ۷- مقصد از برپایی نماز چیست؟
- ۸- آیات مبارکه اصول اخلاق را که انسان باید به آن التزام داشته باشد بیان نموده این اصول کدامها اند؟
- ۹- آیات مبارکه کسانی را که به اصول و مبانی نیکی التزام دارند چگونه توصیف نموده است؟
- ۱۰- قرآن کریم صبر و شکیبایی را در سه حالت خاص گردانیده، این سه حالت کدامها اند؟



در روشنایی آیه مبارکه:

الف: نصی که رابطه انسان با پروردگارش، رابطه انسان با نفس خود، رابطه انسان با دیگران را بیان نموده نشان دهید؟

ب: در مورد آیه مبارکه ذکر شده یک مقاله بنویسید که از پانزده سطر کم نباشد.

صلح و اهمیت آن در اسلام

قال تعالیٰ: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْرَوْ فَاصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءاْمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوهُنَّ أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابِزُوهُنَّ بِالْأَلْقَبِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ إِلَيْمَنِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [الحجرات: ۱۰ - ۱۱]

معنای کلمات

لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ:

یکدیگر را عیب گویی نکنید

وَلَا تَلْمِزُوهُنَّ أَنفُسَكُمْ:

یکدیگر را با القاب بد یاد نکنید

وَلَا تَنَابِزُوهُنَّ بِالْأَلْقَبِ:

بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ إِلَيْمَنِ: بعد از ایمان، فسق نام زشتی است

ترجمه

مؤمنان برادر یکدیگر اند؛ پس همیشه بین برادران خود صلح و آشتبی آورید و از خداوند ﷺ بترسید، تا باشد که مورد لطف و رحمت الهی قرار گیرید. ای اهل ایمان، هرگز نباید قومی، قوم دیگر را مسخره و استهزا کنند؛ شاید آن‌ها (که مورد مسخره قرار می‌گیرند) از آن قوم دیگر که مسخره می‌کنند، بهتر باشند؛ و نیز زنان نباید یکدیگر خود را مسخره کنند، شاید که زنان مسخره شده از زنان مسخره کننده بهتر باشند. هرگز از یکدیگر خود عییجویی مکنید و به نام و لقب‌های زشت یکدیگر را مخوانید که پس از ایمان به خداوند ﷺ فسق بدترین نام است و هر که توبه نکند چنین کسان بسیار ظالم و ستمکارند.

تفسیر

صلح و برادری

آیه نخستین این درس یک قاعدة بزرگ را ثابت می‌کند که عبارت از اخوت و برادری ایمانی میان مسلمانان است، زیرا ایمان مؤمنان را به دور خود جمع می‌کند، همانگونه که اصل و نسب، برادران نسبی را جمع می‌کند. همانطور که برادری بر اساس نسب سبب پیوند و ارتباط است؛ پس برادری بر اساس دین نیز سبب پیوند و همبستگی می‌گردد. برادری دینی و ایمانی دعوت به اصلاح ذات البین است، و اصلاح ذات البین به تقوی و خدا ترسی نیاز دارد تا آثار و نتایج آن دوامدار باشد و شامل رحمت وسیع پروردگار گردد.

احادیث زیادی در تأیید و تأکید بر اخوت و برادری دینی وارد گردیده است. پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: «**الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يُسْلِمُهُ**» ترجمه: مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم روا نمی‌دارد، و به دشمن تسليم اش نمی‌کند؛ همچنان در حدیث صحیح دیگری آمده است: «خداوند ﷺ حامی و کمک کننده بنده است تا آن زمان که بنده کمک کننده برادر خود باشد.»^(۱)

اوصاف منافي صلح و دوستي

سپس خداوند متعال در آیه مبارک دومی جامعه اسلامی را از صفات و پدیده‌هایی برحدار می‌سازد که فضای صلح و صفا را مکدر ساخته و عداوت و دشمنی را میان افراد جامعه ایجاد می‌نمایند. خداوند متعال می‌فرماید: «ای اهل ایمان، هرگز نباید قومی قوم دیگری را مسخره و استهزا کنند، شاید قومی که مورد مسخره قرار می‌گیرند از آن قوم دیگر که مسخره می‌کنند، بهتر باشند، و نیز زنان نباید یک دیگر خود را مسخره کنند، شاید که زنان مسخره شده از زنان مسخره کننده بهتر باشند. و هرگز از یکدیگر خود عیب‌جویی مکنید، و به نام و لقب‌های زشت یکدیگر را مخوانید که پس از ایمان به خداوند ﷺ، فسق بدترین نام است، و هر که توبه نکند چنین کسان بسیار ظالم و ستمکارند.»

سبب نزول آیت

تفسیرین در شأن نزول آیه مبارکه فوق اسبابی را ذکر نموده اند که به برخی آن ذیلا اشاره می‌شود ابن عباس رضی الله عنهما روایت نموده اند: «صفیه بنت حبی بن اخطب (همسر پیامبر ﷺ) به نزد رسول خدا آمده چنین عرض نمود: ای رسول خداوند متعال، زنان مرا طعنه داده می‌گویند: زن یهودی، دختر یهودیان! پیامبر ﷺ به وی فرمود: «به آن‌ها پاسخ می‌دادی که پدرم هارون، کاکایم موسی و شوهرم محمد ﷺ است.»

همچنان روایت گردیده که این آیت در باره آن زنان پیغمبر ﷺ نازل گردید که ام سلمه رضی الله عنهما را به کوتاهی قدش طعنه دادند.

(۱) المعجم الكبير للطبراني. ج ۱۹، ص ۱۵۹

در مورد سبب نزول آیه مبارکه **﴿وَلَا تَنَابِرُوا بِالْأَلْقَابِ﴾**: کتاب‌های چهارگانه سنت از ابوجیبره بن الصحاک رض روایت نموده اند که گفت: در میان ما کسانی بودند که دو و یا سه اسم داشتند، و گاهی به یکی از آن نامها خوانده می‌شدند که برایشان بد می‌نمود، بنابر آن آیه مبارک **﴿وَلَا تَنَابِرُوا بِالْأَلْقَابِ﴾** نازل گردید؛ همچنان از ابوجیبره رض روایت گردیده که در دوران جاهلیت اشخاص دارای لقب‌هایی بودند که با آن خوانده می‌شدند. پیامبر ﷺ شخصی را به لقبش ندا کرد، یارانش عرض کردند که ای پیامبر خداوند متعال! او این لقب را بد می‌بیند. پس آیت مبارکه **﴿وَلَا تَنَابِرُوا بِالْأَلْقَابِ﴾** نازل گردید.

خودداری از عیب جویی و تحقیر و تمسخر

آیه مبارک فوق در بر گیرنده توجیهات اخلاقی و اجتماعی می‌باشد که جامعه را از پراکنده‌گی و دشمنی حفاظت می‌نماید.

آیه کریمه با ندای اهل ایمان آغاز یافته تا مؤمنان یکدیگر را تحقیر و استهza نکنند.

تمسخر: عبارت از آن است که یک انسان، انسان دیگر را با قول و یا فعل در حضورش طوری مورد تحقیر قرار دهد که دیگران را به خنده آورد.

لمز: آن است که شخصی برادر خود را با قول و یا اشاره خاصی عیب‌جویی کند، اگر مردم را به خنده و اذاد و یا خیر، چه در حضورش باشد و یا در غیابش.

چگونه یک مؤمن بر مؤمن دیگر تمسخر می‌کند؛ حال آنکه شاید همان مرد و یا زن تمسخر شده از مرد و یا زن تمسخر کننده بهتر و برتر باشد. ابو هریره رض روایت نموده که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «**رُبُّ أَشْعَثَ أَغْبَرَ ذِي طِمْرِينِ تَبُو عَنْهُ أَعْيْنُ النَّاسِ لَوْ أَفْسَمَ عَلَى اللَّهِ لَأَبْرَأَهُ**»^(۱) ترجمه: چه بسا ژولیده موی غبار آلود، دارای جامه فرسوده‌یی که مردم از دیدنش روی بر تابند، هرگاه به خداوند الله قسم یاد کند، یقیناً خداوند الله خواسته‌اش را براورده سازد.

پس امتیاز و برتری تنها با اخلاص و راستی، صفاتی قلب و خلوص اعمال برای خداوند الله به دست می‌آید، نه با مظاهر ثروت رنگ و چهره نژاد و زبان.

منع استعمال القاب زشت

آیه کریمه همچنان از طعنه زدن با القاب منع نموده است؛ یعنی برخی شما برخی دیگر را با القابی که بد می‌بینند، یاد نکنید؛ زیرا آنایی که یکدیگر را با چنین القابی یاد می‌کنند، در جمله فاسقان محسوب می‌گردند، و فسق در معیار اسلام گناه بس بزرگ است.

همچنان این آیه کریمه فراخواندن مردم با القابی را که شنیدن آن برای هر کس زشت و ناپسند است حرام گردانیده، مانند اینکه مسلمانی برادر مسلمان خود را با کلماتی مثل: فاسق، منافق و امثال آن

(۱) المستدرک.

خطاب نماید. و یا اینکه یک شخص برای انسان دیگری کلماتی، چون: خر، خوگ و مانند آن را استعمال نماید.

علمای اسلام یاد نمودن هر گونه القابی را که برای انسان ناخوش آیند استند حرام می‌دانند. برابر است که این القاب صفت برای خود آن شخص بوده باشد، یا برای پدر و مادرش و یا برای هر کسی که به او نسبت دارد. البته القابی که انسان‌ها به آن شهرت یافته‌اند، و از آن کراهیت ندارند و توسط آن تشخیص و شناخته می‌شوند از این حکم مستثنای می‌باشد؛ اما القابی که پسندیده باشد ذکر آن باکی ندارد؛ مانند اینکه برای ابوبکر لقب عتیق گفته شده، و یا به عمر حَفَظَ اللَّهُ عَنْهُ لقب فاروق، و یا برای عثمان حَفَظَ اللَّهُ عَنْهُ لقب «ذی النورین»، و یا برای علی حَفَظَ اللَّهُ عَنْهُ لقب «ابو تراب»، و یا برای خالد «سیف اللّه»، و یا برای عمرو بن العاص حَفَظَ اللَّهُ عَنْهُ لقب «داهیه اسلام» گفته شده است.

فواید و آموختنی‌ها

فواید و آموختنی‌های این درس قرار ذیل است:

- ❖ مؤمنان برادر همدیگر اند، و برادر ایمانی بهتر و برتر از برادری نسبی است.
- ❖ صلح و آشتی میان برادران ایمانی وجیهه هر مسلمان و دستور خداوند جَلَّ جَلَّ است.
- ❖ اسلام به وحدت و یکپارچه‌گی جامعه را تأکید می‌کند؛ چنانچه قرآن کریم از اخلاق بد که وحدت خداوند متعال تمسخر نمودن بر یکدیگر را حرام گردانیده است؛ همچنان یاد نمودن یکدیگر به القابی که آن را بد می‌بینند از نظر قرآن حرام می‌باشد.
- ❖ خداوند متعال در آیه مبارک سه چیز را حرام گردانیده: تحقیر و تمسخر، اشاره نمودن به قصد عیب جویی، و طعنه زدن به القاب.



به پرسش‌های زیر جواب بدهید:

- ۱- مؤمنان را چه چیزی جمع می‌نماید؟
- ۲- برادری از نظر قرآن به چند قسم است؟
- ۳- صلح و آشتی میان مسلمانان چه حکم دارد؟
- ۴- سه خصلت و یا سه صفت را نام بگیرید که در این درس ممنوع گردیده اند؟
- ۵- حکمت منع از این خصلتها و اخلاق فاسد چیست؟
- ۶- اگر کسی خودش را از اخلاق زشت نگه ندارد در حق او چه اصطلاحی را به کار می‌توان بست؟



مقاله‌ای در باره اخلاق اجتماعی بنویسید که از ده سطر کمتر نباشد.

نصایح لقمان حکیم به فرزندش (۱)

قال تعالیٰ: ﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِأَبْنِيهِ وَهُوَ يَعْظُهُ يَبْنَى لَا تُشْرِكُ بِاللَّهِ إِنَّ الشَّرِكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴾ وَصَيَّنَا إِلَّا نَسَنَ بِوَالِدِيهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهُنَّا عَلَىٰ وَهُنَّ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ إِنِّي أَشْكُرُ لِي وَلِوَالِدِيكُ إِلَىٰ الْمَصِيرِ ﴾ وَإِنْ جَهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبَهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ مَرْجِعُكُمْ فَأُنِسِيْكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴾ يَبْنَى إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي آلَّسَمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ حَبِيبٌ﴾ [لقمان: ۱۳-۱۶]

معنای کلمات

يَعْظُهُ:

پند می داد و به نیکی دعوت می نمود

وَصَيَّنَا إِلَّا نَسَنَ بِوَالِدِيهِ: انسان را به نیکی با پدر و مادرش امر نمودیم

ضعیفی بر ضعیفی

وَهُنَّا عَلَىٰ وَهُنَّ:

باز گشت به سوی من است

إِلَىٰ الْمَصِيرِ:

جدا نمودنش از رضاعت

وَفِصَالُهُ:

راه

سَبِيلَ:

أَنَابَ إِلَيْهِ :

مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرَدَلٍ : بَهْ اَنْدَازَهُ وَزْنَ دَانَهُ بَسِيَارَ كَوْچَكَ

ترجمه

و (باد کن) وقتی که لقمان در مقام پند و موقعه به فرزندش گفت: ای پسرم، هرگز شرک به خداوند^{حَمْدَه} شرک نیاور که شرک بسیار ظلم بزرگی است. و ما به هر انسانی سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کن، به خصوص مادر که چون بار حمل فرزند برداشته و تا مدت دو سال که طفل را از شیر باز گرفته بر رنج و نا توانیش افزوده است؛ شکر من و شکر پدر و مادرت بجای آور، که بازگشت به سوی من خواهد بود. و اگر پدر و مادر تو را بر شرک به خداوند^{حَمْدَه} که آن را به حق نمی دانی و ادار کنند در این صورت دیگر آنها را اطاعت مکن؛ لیکن در دنیا با آنها به حسن خلق مصاحب کن و از راه آن کس که به درگاه من رجوع و توبه اش بسیار است پیروی کن که رجوع شما به سوی من است و من شما را به پاداش اعمال تان آگاه خواهم ساخت. ای فرزندم! خداوند^{حَمْدَه} اعمال بد و خوب بندۀ گان را گرچه به مقدار خردلی در میان سنگی یا در آسمانها یا زمین پنهان باشد همه را (در محاسبه) می آورد، که خداوند^{حَمْدَه} (به اسرار همه چیز) توانا و آگاه است.

تفسیر

لقمان کیست؟

خداوند متعال در کتاب خود به ما خبر داده که لقمان بنده حکیم خداوند^{حَمْدَه} بود که در گفتار و کردارش از حکمت خدا داد استفاده می نمود و این علم و حکمت سبب رسوخ ایمان لقمان و از دیاد ذکر و شکر به پروردگارش گردیده بود همچنان لقمان با استفاده از این علم و حکمت دیگران را به سوی خدا دعوت می نمود و به آنها پند و نصیحت می کرد، و نخستین کسی که لقمان اندرزها و نصایح خود را متوجه او ساخت پرسش بود که نام وی ذکر نگردیده است؛ همچنان قرآن کریم از تفاصیل و چگونه‌گی زنده‌گی لقمان چیزی بیان نکرده، و ما از جای زنده‌گی او چیزی نمی دانیم، و این را نیز نمی دانیم که آیا لقمان از جمله انبیاء بوده و یا تنها یک حکیم مؤمن و نصیحت‌گر بوده است؛ بنا بر آن در شأن لقمان بهتر است به آنچه قرآن کریم بیان نموده اکتفا کنیم.

شرک بد ترین انواع ظلم است

آیات مبارکه قرآنی از نصیحت لقمان به فرزندش یاد نموده و به اسلوب حکایت، معانی و مفاهیم عالی را بیان داشته است. لقمان حکیم فرزند خود را به توحید و یکتا پرستی دستور داده، او را از شرک و عبادت غیر خداوند^{حَمْدَه} بر حذر می سازد، و استدلال می کند که شرک ظلم و گناه نابخشودنی

است: «ای پسرم، هرگز به خداوند حَمْدُهُ شریک مساو که شرک ظلم بزرگی است». پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با استناد به این قول خداوند به زبان لقمان شرک را بدترین نوع ظلم معرفی نموده است.

از عبدالله بن مسعود حَمْدُهُ روایت گردیده که فرمود: وقتی این قول خداوند حَمْدُهُ نازل گردید: «آنان که ایمان آورند و ایمان خود را به ظلم نیالودند، آنها در امان اند و آنها در حقیقت هدایت یافته اند» [الاتمام: ۸۲] صحابه کرام سنگینی و دشواری این آیت را درک نمودند و به حضور پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین عرض کردند که ای رسول خداوند متعال: چه کسی از ما بر نفس خود ظلم نکرده است؟ پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: موضوع چنین نیست که شما گمان نمودید؛ بلکه این ظلم عبارت از شرک است. آیا قول لقمان را به فرزندش نشنیده اید که به وی چنین نصیحت نمود: **﴿لَا تُشْرِكُ بِاللَّهِ إِنَّ**

آل‌شَّرِكَ لَظَلَمٌ عَظِيمٌ

يعنى: به خداوند حَمْدُهُ شریک نیاور که همانا شرک ظلم بزرگ است.
نیکی به پدر و مادر

بعد از آنکه خداوند حَمْدُهُ اندرز و نصیحت لقمان به پرسش راجع به شرک به خداوند حَمْدُهُ را بیان نمود، به اندرز و نصیحت انسان در باره پدر و مادر پرداخته است. توصیه به انسان راجع به والدین این است که به آنها نیکی کند، از آنها اطاعت و فرمانبرداری داشته باشد و حقوق ایشان را ادا نماید؛ به خصوص در باره مادر که در قبال فرزند خود دشواری‌های فراوانی را متحمل گردیده است. به این سبب حقوق بزرگی بالای فرزندش دارد، که وی را با رنج و ناتوانی حمل نموده، و دشواری‌های طاقت فرسایی را در مدت حمل، ولادت، شیر خواره گی و جدا ساختن از شیر و مراحل ما بعد آن متحمل گردیده است.

خداوند متعال به انسان مؤمن دستور داده تا از پروردگارش در مقابل نعمت‌هایی که به وی ارزانی فرموده شکر گزاری کند؛ همچنان به پدر و مادرش نیکو کار و شکر گزار باشد که وی را تربیه نموده اند، و آنها بعد از خداوند حَمْدُهُ منبع احسان و رحمت به او بوده اند.

طاعت والدین مقید به طاعت خداوند است

آیه مبارک این درس همچنان حکم نموده که طاعت پدر و مادر مطلق نبوده؛ بلکه به طاعت خداوند حَمْدُهُ مقید گردیده است. هرگاه پدر و مادر به معصیت و نا فرمانی خداوند حَمْدُهُ امر نمایند، طاعت و فرمانبرداری شان ساقط می‌گردد. به این معنا در صورتی که پدر و مادر فرزند خود را به معصیت خداوند حَمْدُهُ و ارتکاب شرک به خداوند حَمْدُهُ امر کنند و سعی ورزند او را به کفر و ادار سازند، در این

صورت بر فرزند است که از آن‌ها اطاعت نکند؛ زیرا طاعت و فرمانبرداری مخلوق در معصیت خدا جواز ندارد.

اما باز هم فرزند مکلف است در زنده‌گانی دنیا با ایشان مصاحب و همراهی داشته باشد و به ایشان نیکی و احسان نماید؛ همچنان بر فرزند است تا راه حق را در پیش گیرد و با مؤمنان صالح و نیکوکار حرکت نماید، و بداند که بازگشت آفریده‌گان و مردمان در روز قیامت به سوی پروردگار است؛ تا نیکوکار را در مقابل عمل نیکش پاداش نیک بدهد و بدکار را در مقابل عمل زشت و بدش مجازات نماید.

سپس آیات قرآنی اندرز و نصیحت لقمان را ادامه می‌دهد که فرزند خود را از کامل بودن علم خداوند الله خبر داده می‌گوید. که خداوند الله از همه آنچه در آسمان‌ها و زمین است کوچک یا بزرگ با خبر است؛ همچنان از زبان لقمان به فرزندش اخبار نموده که نیکی و بدی، اگر چه کوچک بوده باشد، خداوند الله از آن آگاه است؛ حتی اگر به اندازه یک دانه «خردل» کوچک و کم وزن، در عمق زمین و یا در دل تاریک صخره‌یی پنهان باشد، و یا در کناره‌های دور دست آسمان‌ها قرار داشته باشد، خداوند متعال به آن آگاهی دارد؛ همچنان احضار آن در روز قیامت غرض محاسبه صاحبش قادر و توانا است.

فعالیت

آیتی از سوره (الإسراء) را که از راه رفتن در زمین با تکبر منع می‌کند، در کتابچه خود بنویسید.
وشباهت میان این آیت و آیه هجدهم این سوره را نیز توضیح بدهید.

فواید و آموختنی‌ها

آیات مبارک این درس شامل این فواید و آموختنی‌ها می‌باشد:

- ❖ پدر باید به تربیت فرزندان خود همت گماشته، و از پند و نصیحت به آن‌ها دریغ نورزد و آن‌ها را با عقیده سالم و عبادت درست بزرگ نماید.
- ❖ شرک به خداوند الله، بزرگ ترین و زشتترین انواع ظلم است.
- ❖ احسان و نیکی با والدین از مبانی و اساسات اسلام بوده، بعد از ایمان به خداوند الله و عبادت او تعالی ذکر گردیده است.

- ❖ بر انسان است تا در مقابل کسانی که با او احسان می‌کنند نیکی نماید و از احسان و نیکی آن‌ها سپاس گزاری کند. البته در پیشنا پیش این کسان والدین قرار دارند.
- ❖ طاعت و فرمان برداری والدین به طاعت خداوند ﷺ مقيد است؛ زیرا که طاعت و فرمان برداری مخلوق در معصیت خداوند ﷺ جواز ندارد.
- ❖ همراهی و همنشینی با والدین و برخورد نیک با ایشان در دنیا واجب است، حتی اگر کافر هم بوده باشند.
- ❖ خداوند ﷺ نیک دانا و آگاه است، و علم او تعالی شامل همه چیز است.



به سؤالهای زیر جواب بدھیید:

- در روشنایی آیات قرآن کریم، آنچه راجع به لقمان می‌دانید بیان نمایید.
- چرا خداوند متعال نیکی به والدین را با عبادت خود پیوست ذکر نموده است؟
- معنای این قول خداوند ﷺ: «**حَمَلَتْهُ أُمَّهُ وَهُنَا عَلَىٰ وَهُنِّ وَفِصَّلُهُ فِي عَامَيْنِ**» چیست؟
- طاعت و فرمانبرداری پدر و مادر چه وقت واجب؟ و در کدام حالت حرام می‌باشد؟ و در حالت حرام بودن طاعت والدین، فرزند چگونه با آن‌ها برخورد نماید؟

نصائح لقمان حكيم به فرزندش (۲)

قال تعالى: ﴿يَبْنَى أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿وَاقْصِدْ فِي مَشِيكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتِ الْحَمِيرِ﴾ أَلْمَتَرَوْا إِنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْسَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَدِّلُ فِي اللَّهِ بِعَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدَىٰ وَلَا كِتَبٍ مُّثِيرٍ﴾ [لقمان: ۱۷-۲۰]

معنای کلمات

عَزْمِ الْأُمُورِ:

امور سترگ و بر جسته

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَكَ :

به قصد تکبر روی خود را مگردان

مَرَحًا :

با تکبر و غرور

مُخْتَالٍ فَخُورٍ:

تکبر کننده خود بین

وَاقْصِدْ فِي مَشِيكَ:

در راه رفتنت جانب اعتدال را بگیر

وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ:

آواز خود را آرام بدار

وَأَسْبَغَ :

کامل ساخت

ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً :

ظاهری محسوس و معنوی غیر محسوس

ترجمه

ای فرزندم، نماز را بربای دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر آنچه (در این کار) به تو می‌رسد صبر نما که این نشانه‌یی از عزم ثابت در امور دنیا است. و هرگز از روی تکبر و خمیازه از مردم رخ متاب و در زمین با غرور و تبختر قدم بر مدار، که خداوند^{حَمْدُهُ} هرگز مردم متکبر خود نما را دوست نمی‌دارد. و در رفتار میانه روی اختیار کن و سخن آرام گو، که زشت‌ترین صدایها صدای خرها است، آیا شما مشاهده نمی‌کنید که خداوند^{حَمْدُهُ} موجوداتی را که در آسمان‌ها و زمین است برای شما مسخر کرده و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را برای شما فراوان نموده؟ و برخی از مردم از روی جهل و گمراهی و بی خبری از کتاب روش‌ن در مقابل خدای متعال مجادله می‌کنند.

تفسیر

صبر واستقامت در راه خیر

آیات قبلی نصایح لقمان حکیم به فرزندش را در باره ایمان به خداوند^{حَمْدُهُ} و عدم شرک به او تعالی، نیکی به والدین و عدم مخالفت با ایشان در غیر معصیت را بیان نمود. در این آیات قرآن کریم توجیهات و نصایح لقمان به فرزندش را در باره عبادت خداوند^{حَمْدُهُ}، اعمال نیکو و صبر و استقامت در زنده‌گی دنبال نموده، بربای داشتن نماز به این معناست که نماز با خلوص نیت و با مراعات فرایض سنت‌ها، آداب و اوقات آن ادا شود؛ سپس لقمان از فرزند خود طلب نموده که مردم را به نیکی امر نماید و از بدی‌ها و منکرات باز دارد.

چون دعوتگر در راه دعوت خود با اذیت و آزار مواجه می‌شود؛ بنابرآن لقمان به فرزندش توصیه نموده که برای انجام مسؤولیت دعوت و امر به معروف و نهی از منکر آماده شود و ضعف و سستی را در خود راه ندهد؛ زیرا که ادای نماز امر به معروف نهی از منکر صبر و شکیبایی در این راه از عزایم اموری است که خداوند متعال به آن دستور داده است.

سپس لقمان حکیم فرزند خود را از غرور و تکبر بر دیگران منع نموده چنین توصیه می‌کند که ای فرزندم! هرگاه دیگران با تو سخن بگویند، روی خود را از آن‌ها بر متاب، و اگر تو با مردم سخن بگویی باز هم روی خود را از ایشان مگردان، فروتنی، تواضع و بشاشت اختیار کن.

همچنان در هنگام راه رفتن از تکبر و تبختر دوری کن؛ زیرا که خداوند^{حَمْدُهُ} هیچ انسان متکبری را دوست ندارد؛ بلکه در راه رفتن و سخن گفتنت جانب اعتدال و خوبی را بر گزین. راه رفتن خوب و مورد پسند خداوند متعال آن است که با ساده‌گی و فروتنی و میانه روی انجام یابد؛ چنانچه خداوند

متعال می‌فرماید: ﴿ وَعِبَادُ الْحَمْدِ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوَّا... ﴾ [الفرقان: ٦٢]

ترجمه: و بندۀ گان خاص خدای رحمٰن کسانی استند که بر روی زمین به تواضع و فروتنی راه می‌روند.

و این بدان معناست که انسان در هنگام راه رفتن با اظهار زهد و فروتنی بیش از حد سست و ناتوان نباشد؛ چنانچه از راه رفتن همراه با خیز زدن و حرکات منافی وقار نیز اجتناب نماید.

آداب سخن گفتن

لقمان حکیم در مقام اندرز و تعلیم به فرزند خود آداب سخن گفتن را به وی می‌آموزاند، و به او توصیه می‌کند که در هنگام سخن گفتن آواز خود را چنان پایین نکند که شنیده نشود؛ همچنان با صدای بلند و دلخراش صحبت نکند؛ زیرا بلند نمودن صدا بیش از حد نیاز شنونده را آزار می‌دهد، و به غرور و خود بزرگ بینی دلالت می‌کند؛ لذا بلند نمودن آواز بدون ضرورت را مذمت نموده و آن را به «آواز خر» تشبیه نموده است. بلند بردن صدا در هنگام صحبت شدت قبح و زشتی را نشان می‌دهد آواز خر در نزد خداوند ﷺ از بد ترین صدایها است، و خداوند متعال آنرا بد می‌بیند.

ابو هریره رض روایت نموده که پیامبر خداوند متعال فرمودند: «إِذَا سَمِعْتُمْ صِيَاحَ الْدِيَكَةِ فَسَلُوْلُ اللَّهِ تَعَالَى مِنْ فَضْلِهِ فَإِنَّهَا رَأْثٌ مَلَكًا وَإِذَا سَمِعْتُمْ كَهْيَقَ الْحَمَارِ فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهَا رَأْثٌ شَيْطَانًا»^(۱). ترجمه: هرگاه بانگ خروس را شنیدید، فضل و احسان خداوند ﷺ را مسأله نمایید؛ زیرا خروس فرشته یی را می‌دیده باشد، و اگر صدای خر را شنیدید، از شیطان به خداوند ﷺ پناه بخواهید؛ زیرا که خر شیطانی را می‌دیده باشد؛

سپس خداوند متعال انسان‌ها را با نعمت‌های فراوانی که برایشان ارزانی فرموده، منت می‌گذارد، و به ایشان یاد دهانی می‌کند که او تعالی برای شان همه آنچه در آسمان‌هاست؛ مانند آفتاب و مهتاب و ستارگان و همه آنچه در زمین است؛ مانند آب‌ها، اقیانوس‌ها و دریاها، میوه‌ها و محصولات زراعی را برای انسان‌ها مسخر گردانیده و نعمت‌های محسوس و ظاهری که در جسم‌ها و اموال و ممتلكات خود مشاهده می‌نمایند ارزانی فرموده است؛ چنانچه نعمت‌های معنوی را، مانند اسلام، علم، یقین، رضایت و سعادت و سایر نعمت‌های بی‌پایان خود را بر ایشان بخشیده است.

پس تقاضای این همه نعمت‌ها که انسان در نفس خود، در زمین ماحول خود، در آسمان و بالای سر خود مشاهده می‌کند باید در مقابل آن شکر خداوند ﷺ را بجا آورد، و کفران نورزد. بر اوست که خداوند ﷺ را عبادت کند، و معصیت او نکند؛ اما چه بسا انسان‌ها که در مقابل این همه نعمت‌ها کفران می‌ورزند، و با مؤمنان به ناحق و باطل مجادله می‌کنند و به خداوند ﷺ شریک می‌سازند؛ در حالی که دلیل و برهانی ندارند، و از علم و دانش و کتابی که هادی و رهنمای ایشان باشد بدور اند.

فعالیت

نصایح لقمان به فرزندش را که در این درس خواندید، با اختصار بیان نمایید.

۱ - صحيح البخاری و صحيح مسلم

فواید و آموختنی‌ها

- برخی فواید و درسها و آموختنی‌های آیات مبارک فوق از این قرار است:
- ❖ مسلمان مسؤولیت دارد تا در برابر برادران مسلمان خود وجیهه امر به معروف و نهی از منکر را با جدیت انجام دهد.
 - ❖ صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و ناملایمت‌هایی که مسلمان به آن روپرتو می‌گردد از اخلاق عظیم مسلمان است؛ چنانچه این صفت توشیه‌یی است که مؤمن را در ادامه مسؤولیت دعوتگری و اصلاح یاری می‌رساند.
 - ❖ شخص متکبر خود بزرگ‌بین هم مورد خشم خداوند واقع می‌شود و در میان مردم منفور و ناپسند است.
 - ❖ مسلمان باید در برابر برادران مسلمان خود با خوش‌رویی و بشاشت و تبسیم برخورد نماید.
 - ❖ راه رفتن خوب و مورد پسند خداوند حَمْدُهُ همان راه رفتن متوازن و میانه است که از سستی ملال آور و سرعت منافی وقار دور باشد.
 - ❖ مسلمان باید از بلند نمودن آواز بیش از حد خود داری کند؛ زیرا که آواز خوب و گوارا همان است که در میان خفت و شدت باشد.
 - ❖ خداوند متعال آسمان‌ها و زمین را برای فرزندان آدم عَلِيِّهِ مسخر گردانیده، و اولاده آدم را برای عبادت خود آفریده است. نعمت‌های خداوند حَمْدُهُ برای انسان‌ها فراوان و بی شمار اند. بر انسان‌ها است تا در مقابل نعمت‌های ظاهری و معنوی خداوند متعال شکر گزار باشند.



به سؤال‌های زیر جواب ارائه کنید:

- ۱- معنای (عزم الامور) چیست؟ و آن چیزهایی که آیه مبارک آن را عزم الامور نامیده کدام‌ها‌اند؟
- ۲- آیات مبارک این درس چیزهایی را ذکر نموده که لقمان فرزند خود را از آن منع نموده. معنای هر یکی را توضیح بدهید.
- ۳- منظور از راه رفتن با اعتدال و میانه چیست؟ در این مورد به آیه قرآنی دیگری استدلال کنید.
- ۴- معنای این قول خداوند متعال **«وَأَغْضَضْ مِنْ صَوْتِكَ»** چیست؟ صفات صوت و یا آواز مورد قبول خداوند حَمْدُهُ کدام است؟
- ۵- چرا آواز خر در نزد خداوند حَمْدُهُ زشت و مکروه است؟
- ۶- چهار نعمت ظاهری و چهار نعمت باطنی خداوند حَمْدُهُ برای بندگانش را بیان نمایید؟

خود داری از بدگمانی، غیبت و تجسس

قال تعالیٰ: ﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءامَنُوا أَجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظُّنُنِ إِنَّ بَعْضَ الظُّنُنِ إِثْمٌ
وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَعْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ
مَيَتًا فَكَرْهُتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَابُ رَحِيمٌ ﴾ يَأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ
ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْدِكُمْ إِنَّ
اللَّهَ عَلِيمٌ حَيْرٌ﴾ [الحجرات: ۱۲-۱۳]

معنای کلمات

إِنْ بَعْضَ الظُّنُنِ إِثْمٌ:

وَلَا تَجَسَّسُوا:

بَعْضُكُمْ وَلَا يَعْتَبِ بَعْضًا:

حَيْرٌ:

شُعُوبًا:

واحد

لِتَعَارَفُوا:

ترجمه

ای اهل ایمان، از بسیار گمان‌ها و پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی گمان‌ها و پندارها گناه است و نیز هرگز (پوشیده‌گی‌های یکدیگر را) تجسس نکنید و غیبت یکدیگر نکنید آیا یکتن از شما دوست می‌دارد که گوشت برادر مردۀ خود را بخورد؟ البته کراحت و نفرت از آن دارید و از خداوند ﷺ بترسید که خداوند ﷺ بسیار توبه پذیر و مهربان است. ای مردم، ما همه شما را نخست از

مرد و زنی آفریدیم و آن گاه شما را به گروهها و قبیله‌های گوناگونی تقسیم نمودیم. همانا بهترین شما در نزد خداوند حَمْدُهُ با تقوا ترین شماند، قطعاً خداوند حَمْدُهُ دانا و آگاه است.

تفسیر

برابری میان بشر

آیت‌ها مبارک این درس شامل توجیهات تعلیمات اخلاقی و اجتماعی است که جامعه را از ضعف و دشمنی باز می‌دارد. در این آیت‌ها خداوند متعال قاعدةٰ مساوات و برابری اصل بشریت را تثبیت و تأکید نموده، معیار برتری و فضیلت را تنها تقوی و عمل نیک قرار داده است.

خداوند حَمْدُهُ مؤمنان را مخاطب قرار داده، آن‌ها را از بسیاری گمان‌ها که در دل‌های شان خطور می‌کند بر حذر می‌دارد. آیات مبارک بیان می‌دارد که بسیاری این گمان‌ها نسبت به کسانی که ظاهر شان به خیر و نیکی و امانت دلالت دارد باطل و نا روا بوده از وسوسه‌های شیطان می‌باشد که انسان را به گناه و معصیت می‌کشاند.

اما بد کاران و فاسقانی که به صورت علنی به فسق و فجور می‌پردازند، گمان بد و نفرت و انجرار نسبت به آن‌ها جواز دارد تا اینکه از نزدیکی به آن‌ها و پیروی سلوک‌شان اجتناب صورت گیرد. مانند کسانی که در محضر عام با زنان بد کاره صحبت و همراهی داشته و یا به صورت علنی شراب و مخدرات می‌نوشند و به معصیت می‌پردازند.

خودداری از بد گمانی

(۱) ابن عباس رض در تفسیر آیه فوق چنین فرموده است: «نَهَى اللَّهُ الْمُؤْمِنَ أَن يَظْنَ بِالْمُؤْمِنِ شَرًا»^(۱) خداوند مؤمن را منع نموده که بر مؤمن دیگر گمان بد داشته باشد.

ابوهریره رض روایت نموده که پیامبر خداوند متعال فرمود: «إِيَّكُمْ وَالظَّنْ فِيَنَ الظَّنِّ أَكْذَبُ الْخَدْيِثِ، وَلَا تَجْسِسُوا، وَلَا تَحْسَسُوا، وَلَا تَنَافِسُوا، وَلَا تَخَاصِدُوا، وَلَا تَبْغِضُوا، وَلَا تَدَارِبُوا، وَكُوْنُوا عَبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا»^(۲) ترجمه: از گمان (بد) پرهیزید، زیرا گمان (بد) دروغ‌ترین سخن است. تجسس نکنید، عیب دیگران را پیگیری نکنید، به بدی رقابت نکنید، حسد نورزید، کینه توzi نکنید، از یکدیگر نفرت و دوری اختیار نکنید، و چون برادران همه بنده‌گان خداوند حَمْدُهُ باشید.

(۱) تفسیر الطبری.

(۲) السنن الصغری، ج ۳، ص ۳۰۷

زشتی غیبت و تجسس

آیت‌های مبارک قرآن ما را از تجسس که منجر به افشای اسرار و کشف عورت‌های دیگران گردد منع نموده است؛ همچنان از غیبت منع نموده است. غیبت عبارت از بیان نمودن و یاد آوری چیزی است در مورد برادر مسلمان خود که آن را بد می‌بیند. آیه مبارک زشتی غیبت را چنان تعبیر و تصویر نموده که گویا غیبت کننده گوشت برادر مردۀ خود را می‌خورد. و این چیزی است که نفس انسانی نفرت دارد و از آن دوری می‌کند.

از ابو بزرۀ اسلامی حَمِّلَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ روایت گردیده که گفت: پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطابه‌یی ایراد نموده فرمود: (ای گروهی که به زبان ایمان آورده اید؛ ولی ایمان به دل‌های شما داخل نگردیده، عورت‌های مسلمانان را جستجو نکنید، یقیناً هر کسی که عورت‌های مسلمانان را جستجو کند خداوند او را در داخل خانه اش رسوا خواهد ساخت).

برتری بر اساس تقوی

آیه دومی انسان‌ها را مخاطب قرار داده این حقیقت را تثبیت می‌کند که خداوند عَزَّوَجَلَّ آن‌ها را از یک مرد و زن آفریده است، و اصل همه انسان‌ها یکی است، و همه برابر اند. خداوند عَزَّوَجَلَّ از یک مرد و زن ملت‌ها و گروه‌ها و قبایل مختلفی آفریده تا میان یکدیگر معرفت و شناخت پیدا کنند، نه اینکه بعضی بر بعضی دیگر بزرگی نمایند، و یا جنگ و در گیری داشته باشند؛ سپس خداوند متعال تأکید نموده که بهترین مخلوقات، با تقواترین شان می‌باشند؛ آیه مبارک به این قول خداوند متعال خاتمه یافته که: «إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَمِّلَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ حَمِّلَهُ» او تعالی نسبت به بنده‌گان و مخلوقات خود داناست و به احوال و چگونه‌گی زندگی شان نیک آگاه می‌باشد.

در این باره احادیث صحیح زیادی روایت گردیده است. از آن جمله حدیث را حذیفه حَمِّلَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت نموده که رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «همه شما فرزندان آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ استید، و آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ از خاک آفریده شده است. باید هر قوم و یا گروه از افتخار به اصل و نسب، خود داری کند، در غیر آن در پیشگاه خداوند متعال از «جعلان»^۱ هم پایین تر خواهند بود.

همچنان طبرانی رحمه الله عليه روایت نموده که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در موسم حج در منی در روزهای تشریق در حالی که بر بالای اشتری سوار بود خطابه نموده فرمود: «ای مردم، آگاه باشید که پروردگار شما یکی است، و پدر شما یکی است. آگاه باشید که هیچ‌گونه فضیلت و برتری یی عربی را بر عجمی و

۱. (جعلان) به کسر جیم عبارت از حشره کوچکی است که در میان سرگین حیوانات زنده گی می‌کند و غذای آن پارو و یا نجاست حیوانات است، و هرگاه خوشبویی به او برسد می‌میرد!

یا عجمی را بر عربی، سیاه را بر سرخ و یا سرخ را بر سیاه نیست مگر به تقوه؛ آیا برای تان رساندم؟

همه گفتند: بلی، پیامبر ﷺ فرمود: پس حاضران به غاییان برسانند».

بر اساس این آیه کریمه و دیگر نصوص قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم ﷺ هرگونه تعصبات قومی، نژادی، منطقی، سمتی، زبانی و غیره حرام بوده و مسلمانان مکلف اند تا به حیث یک اصل و وجیه شرعی با تعصبات جاهلی در تمام اشکال آن مبارزه نموده جلو این مرض خانمان سوز اجتماعی را سد نمایند.

انسان‌ها بر اساس حدیث ثابت پیامبر اکرم ﷺ مانند (دندانه‌های شانه) باهم برابر اند و هر کسی که به طرف تعصبات قومی زبانی و نژادی و سمتی و غیره مردم را دعوت کند در حقیقت مرتکب (عمل جاهلی) یعنی غیر اسلامی شده است؛ زیرا تعصب بنابر قول رسول اکرم ﷺ از خصلت‌های (جاهلیت) قبل از اسلام بوده و در حدیث شریف (چیز گندیده و بد بو) خوانده شده است.

بنابر آنچه گفته شد مسلمان باید متوجه باشد که ارتکاب تعصب جاهلی و دعوت به طرف آن با ایمان و شریعت اسلامی در تضاد است. مؤمن حقیقی خودش را همیشه از واقع شدن در گنداب عصیت‌ها و آنچه سبب اختلاف و تفرقه میان افراد جامعه اسلامی شده وصف وحدت مسلمانان را برهم می‌زند دور نگه می‌دارد.

فواید و آموختنی‌ها

فواید و آموختنی‌های این درس را به طور ذیل خلاصه می‌نماییم:

❖ خداوند ﷺ غیبت را حرام قرار داده، غیبت کننده و غیبت شونده را چنان تمثیل نموده که گویا غیبت کننده گوشت غیبت شونده را در حالی می‌خورد که او مرده است.

❖ خودداری از گمان بد؛ زیرا گمان بد، کار نا روایی است که منجر به گناه بزرگ می‌گردد و اعتماد در میان مردم را نابود کرده اسباب بدینی و گاه دشمنی می‌شود.

❖ انسان‌ها همه برابر اند، و همه از یک اصل به وجود آمده اند، بهترین شان در نزد خداوند ﷺ با تقواترین شان است.

❖ بر اساس آیت کریمه، هدف از تنوع در خلقت اقوام و زبان‌ها و غیره تعارف و شناخت یکدیگر به معنای وسیع و همه جانبه آن می‌باشد نه تفاخر و برتری جویی بر دیگران. تعارف و شناخت منجر به تفاهم و همدیگر فهمی میان انسان‌ها شده و تفاهم باعث تعاون و همکاری می‌شود. اگر به صورت دقیق و علمی به اصل قرآنی (تعارف) متوجه شویم می‌بینیم که همین تعارف و شناخت و دو گام بعدی ناشی از آن؛ یعنی تفاهم و تعاون اساس تشکیل خانوده‌ها، مؤسسه‌ها و نهادها، و حتی تمدن‌های بشری می‌باشد.

- ❖ تعصبات جاهلی در هر شکل و نوع از نظر اسلام حرام و مردود است.
- ❖ حفاظت وحدت و یکپارچه‌گی میان مسلمانان و مبارزه با عوامل اختلاف و تفرقه یک اصل و وجیهه شرعی و ایمانی می‌باشد.
- ❖ گوش گرفتن به سخنان محرمانه دیگران، خواندن نامه‌ها و مراسلات شخصی افراد، گوش نهادن به مکالمات تلفونی مردم، کوشش به خاطر کشف اسرار مسایل خصوصی و خانواده‌گی دیگران و سایر مثال‌هایی ازین قبیل حکم تجسس را داشته و شرعاً حرام می‌باشد.



به سؤالات زیر جواب بگویید:

- ۱- غیبت مسلمان به چه چیزی تشبیه گردیده است؟
- ۲- اساس و معیار برتری در میان انسان‌ها چیست؟
- ۳- چرا از گمان زدن ممانعت صورت گرفته است؟
- ۴- علت تقسیم شدن انسان‌ها به قبیله‌ها و فرقه‌های گوناگون چیست؟
- ۵- آیا رنگ، پوست، نژاد یا زبان می‌تواند معیار برتری میان انسان‌ها باشد؟ و اگر کسی چنین کند چه حکمی در حقش می‌توان داشت؟
- ۶- پیامبر اسلام ﷺ در موسم حج راجع به اصل برابری انسان‌ها چه فرمودند؟



در روشنی آیات قرآنی و احادیث نبوی پیرامون موضوع: اسلام و تعصبات جاهلی مقاله یی بنویسید که از بیست سطر کم نباشد.

آداب داخل شدن به خانه ها

قال تعالیٰ: ﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسْلِمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِن قِيلَ لَكُمْ أَرْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَّعٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبَدِّلُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ﴾ [النور: ٢٧-٢٩]

معنای کلمات

تَسْتَأْنِسُوا :

أَزْكَى : گوارا تر، خوبتر

جُنَاحٌ : گناه

مَتَّعٌ لَّكُمْ :

ترجمه

ای مؤمنان، هرگز به هیچ خانه‌ای خودتان، تا اینکه با صاحب‌ش انس پیدا نکنید و اجازه نگیرید داخل نشوید. و به اهل آن خانه نخست سلام کنید که این کار برای شما بهتر است، باشد که شما متذکر شوید. و اگر کسی را نیافتید باز وارد نشوید تا اجازه یابید و چون به شما گفته شود برگردید، به زودی باز گردید که این برای تنزیه و پاکی شما بهتر است، خداوند علیه السلام به هرچه می‌کنید داناست. باکی بر شما نیست که به خانه غیر مسکونی که در آن متعای دارید (بدون اجازه) داخل شوید، (بدانید که) خداوند علیه السلام به همه کار آشکار و پنهان شما آگاه است.

تفسیر

محرمیت مسکن و یا خانه

در این آیات قرآنی آداب اجازه خواستن و داخل شدن به خانه‌ها بیان گردیده تا عورت‌ها اسرار خانه‌های مسلمانان حفظ گردد. آئه مبارک در ابتدا مؤمنان را به همان صفت ایمان که بیانگر التزام و طاعت و فرمانبرداری از تعليمات اسلام است مخاطب قرار داده ارشاد می‌فرماید که غیر از خانه‌های خودتان، به خانه‌هایی که کسان دیگری در آن زنده‌گی می‌کنند داخل نشود تا آن وقت که صاحب خانه به شما اجازه بدهد و به داخل شدن شما راضی گردد و شما به اهل آن خانه سلام بدهید؛ زیرا که در طلب اذن و سلام دادن شما به ساکنان خانه‌ها برای شما خیر و خوبی نهفته است، و این امر و ارشادات برای شمامست تا به موجب آن عمل نمایید و همیشه آن را به یاد داشته باشید.

هرگاه در چنین خانه‌هایی کسی را نیافتدید تا به شما اجازه داخل شدن بدهد، بازهم داخل نشود تا آنکه صاحب خانه به شما اجازه داخل شدن را بدهد؛ زیرا که خانه‌های رهایشی دارای حرمت و مسئولیت اند، و برای سکونت، راحت و اطمینان ساکنین آن تهیه شده اند که بایست حرمت و مسئولیت آن رعایت گردد. در صورتی که صاحب خانه از شما بخواهد که بر گردید، باید بدون درنگ بر گردید و اصرار به داخل شدن نکنید؛ زیرا این باز گشت برای شما پاکتر و بهتر است. و بدانید که خداوند متعال که به همه پوشیده گی‌ها آگاه است، به اعمال شما داناست؛ پس به احکام و اوامر خداوند حَمْدُ اللّٰهِ عمل نمایید تا کامیابی و رضای او تعالی را کمایی کنید.

آداب وارد شدن به خانه‌های غیر مسکونی

سپس قرآنکریم به ذکر احکام و آداب داخل شدن به اماکن و خانه‌هایی می‌پردازد که محل زنده‌گی و رهایش خانواده گی خصوصی نبوده؛ بلکه برای استفاده محتاجان تهیه گردیده اند؛ مانند هتل‌ها، محلات تجاری و دیگر اماکن عمومی که آداب و شرایط داخل شدن به آن آسانتر و نسبت به خانه‌های مسکونی در درجه دوم قرار می‌گیرد. خداوند متعال می‌فرماید که داخل شدن به چنین محلات و اماکن غرض استفاده مشروع و مصلحت انسان‌ها بدون اجازه جواز دارد؛ چون به صورت عموم اینچنین خانه‌ها و اماکن برای ورود عموم مردم باز می‌باشند.

اما بازهم در ختم آیت تنبیه می‌گردد که این داخل شدن و استفاده از چنین اماکن مطابق ضرورت و منفعت و مصلحت‌های مشروع و مباح باید صورت گیرد و خداوند حَمْدُ اللّٰهِ به نیت‌ها و مقاصد ظاهر و پنهان شما نیک آگاه است که آیا برای منفعت و مصلحت مشروع داخل این خانه‌ها و اماکن می‌شوید، و یا برای خبر چینی و جستجوی اسرار و دیگر مقاصد زشت و ناجائز وارد چنین خانه‌هایی

می‌گردید؟! ﴿ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَبْدِلُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ﴾ ترجمه: خداوند متعال به آنچه ظاهر

می‌سازید، و آنچه پنهان می‌دارید، نیک آگاه است.

پاره بی از آداب ورود به خانه‌ها

﴿ سه بار طلب اذن و یا اجازه خواستن به ترتیبی که میان هر بار، فاصله زمانی مناسب در نظر گرفته شود؛ تا اینکه یک شخص از حالت مشغولیت و حاجت خود فارغ گردد.﴾

﴿ زدن در و یا فشار دادن زنگ دروازه و امثال آن به مثابة طلب اذن است که نباید بیشتر از سه بار تکرار شود، و نباید طلب اذن با فشار دوامدار زنگ و یا کوبیدن دروازه موجب اذیت و ناراحتی باشنده‌گان خانه گردد.﴾

﴿ هرگاه نام شخص داخل شونده پرسیده شود، با گفتن کلمه (من هستم) اکتفا نکند؛ بلکه نام کامل خود را بگوید تا اهل خانه وی را بشناسند.﴾

﴿ شخص داخل شونده رو به روی دروازه قرار نگیرد؛ تا هنگام باز شدن دروازه چشمش به چیزهایی نیفتند که اهل خانه دیدن آن را توسط دیگران دوست ندارند؛ زیرا یکی از حکمت‌های اساسی اجازه خواستن جلوگیری از مشاهدات چشم است. در حدیثی پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «إِنَّمَا جَعَلَ الْأَسْتِدَانَ مِنْ أَجْلِ الْبَصَرِ»^(۱) ترجمه: طلب اذن به منظور چشم و دیدن مقرر گردیده است.

﴿ طلب اذن حتی برای داخل شدن شخص به خانه خودش ضروری است؛ زیرا شاید در خانه مهمانان و یا دیدار کننده‌گان دیگری وجود داشته باشد و یا اینکه اهل خانواده در حالتی باشند که دوست ندارند کسی آن‌ها را در آن حالت مشاهده نماید.﴾

﴿ داخل شونده به اماکن عمومی، هتل‌ها و امثال آن باید به باشنده‌گان و یا اشخاص موجود سلام بدهد؛ زیرا در چنین اماکنی طلب اذن ساقط گردیده؛ اما سلام دادن ساقط نمی‌شود؛ بلکه سلام دادن واجب است.﴾

﴿ مراعات و التزام به گفتن (السلام عليکم ورحمة الله وبركاته) به اعتبار اینکه شعار اسلام است و در همه اوقات مناسب و ضروری بوده، به محبت سلامتی و دوستی دلالت می‌کند.﴾

فعالیت

شاگردان با یکدیگر در بارهٔ برخی سلوک‌ها و برخوردهای نادرست در مورد طلب اجازه و یا وارد شدن به خانه‌ها، و راههای علاج آن بحث و گفتگو نمایند.

فواید و آموختنی‌ها

- آیات مبارک این درس به پاره‌یی از فواید و آموختنی‌ها ارشاد می‌کند که برخی آن از این قرار است:
- ❖ وجوه طلب اذن و یا اجازه خواستن برای هر شخصی که غیر از خانه خودش، به خانه رهایشی دیگری وارد می‌گردد.
 - ❖ التزام و پابندی به آداب اجازه خواستن؛ زیرا مراعات این آداب دلیل اخلاق عالی و ادب بزرگ می‌باشد.
 - ❖ هرگاه اهل خانه‌یی از استقبال نمودن شما در خانه خویش معذرت بخواهند، نباید متاثر و یا آزره شوید؛ زیرا انسان‌ها شرایط و احوال خاصی دارند، و خانه‌ها دارای اسرار و حرمت خاص خود استند که باید مراعات گردد.
 - ❖ طلب اذن و یا اجازه خواستن برای ورود به اماکن عمومی؛ مانند محلات تجاری، هتل‌ها، رستوران‌ها و امثال آن ضروری نمی‌باشد.



به سؤالات زیر جواب بگویید:

- ۱- نخستین آیت درس دو امر و یا انجام دو کار را از وارد شونده به خانه غیر خانه خودش مطالبه نموده این دو امر را توضیح بدھیم.
- ۲- هرگاه شخص وارد شونده از طرف صاحب خانه پذیرفته نشود، وبا از داخل شدن او معذرت بخواهد، چه باید کرد؟ راجع به آنچه می‌گویید دلیل بیاورید.
- ۳- طلب اذن و یا اجازه خواستن به خانه چه وقت ساقط می‌گردد؟ دلیل ارائه نمایید.
- ۴- داخل شدن به اماکن عمومی به طلب اذن ضرورت ندارد، اما چیز دیگری که از انسان وارد شونده به اماکن عمومی ساقط نمی‌شود چیست؟
- ۵- سه مورد از آداب طلب اذن را توضیح بدھیم؟
- ۶- کلمه و یا جمله‌یی که در هنگام سلام دادن به دیگران باید رعایت شود چیست؟ چرا این کلمه نسبت به غیر آن بر تری دارد؟



یک مقاله راجع به ادب دیدار از خانه اقارب تان بنویسید که از ده سطر کمتر نباشد.

حرمت شراب نوشی و قمار بازی

قال تعالیٰ: ﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ إِمْنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَرْجَلُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾ إِنَّمَا يُرِيدُ الْشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدُّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾

[المائدة: ٩١-٩٠]

معنای کلمات

الْمَيْسِرُ: قمار

الْأَنْصَابُ: بتان (سنگهایی که مشرکان پرستش می‌نمودند)

الْأَرْجَلُ: فال بینی (تیرهایی که مشرکان توسط آن بخت آزمایی می‌کردند)

رِجْسٌ: پلیدی و ناپاکی

فَاجْتَنِبُوهُ: از آن خود داری نماید

ترجمه

ای اهل ایمان، شراب، قمار، بت پرستی و تیرهای فال، همه این‌ها پلید و از عمل شیطان است، از آن (به صورت قطعی) دوری کنید تا رستگار شوید. شیطان قصد آن دارد که به وسیله شراب و قمار، میان شما عداوت و کینه بر انگیزد و شما را از ذکر خداوند^{الله} و نماز باز دارد؛ پس شما آیا از آن دست بر می‌دارید؟

تفسیر

شراب و قمار در ردیف بت پرستی

در این آیات خداوند متعال مؤمنان را از اضرار و عواقب زشت و ناگوار چیزهای حرام بر حذر ساخته و به اجتناب و دوری از آن امر نموده است.

در مورد سبب نزول آیت شماره نود، در صحیح مسلم از سعد بن ابی وقار صلی الله علیه و آله و سلم روایت گردیده که گفته است: این آیات قرآن کریم در باره من نازل گردیده. وی گفت: من به نزد گروهی از انصار رفتم، آنها مرا به صرف طعام دعوت نمودند. در آن وقت شراب حرام نگردیده بود، من در بااغی بر آنها وارد گردیدم که گوشت‌های کباب شده و کوزه شراب در آنجا گذاشته شده بود. سعد بن ابی وقار صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: من با ایشان طعام و شراب تناول کردم، در این وقت از مهاجرین و انصار سخن به میان آمد و من گفتم: مهاجرین از انصار بهتر اند. یکی از انصار با استخوان اشتر بر رویم زد و بینی ام را زخمی کرد. من به نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمدم، ما جرا را به او گفتیم و این آیت نازل گردید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّهِِيْنَ إِمَّا آَلَّخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ..﴾

خداوند متعال در این آیات مؤمنان را از چندین چیز منع کرده است: از نوشیدن خمر یا شراب که عقل را می‌پوشاند و آن را از تفکیر سالم باز می‌دارد، از بازی قمار که از طریق آن پول و اموال به اساس بخت و یا تصادف و بدون سعی و کوشش به دست می‌آید، و فوایدی را برای انسان‌ها بار نمی‌آورد؛ همچنان خداوند متعال از بت‌ها و سنگ‌هایی منع نموده که مشرکان دوران جاهلیت آن را به دور کعبه نصب کرده بودند و به نام آن‌ها و در پای آن‌ها قربانی می‌نمودند و به دین وسیله به خدا تقرب می‌جستند، به همین منوال خداوند صلی الله علیه و آله و سلم از آن تیرهایی منع نموده که مشرکان توسط آن‌ها غیب‌گویی می‌کردند، و قرآن کریم همه این امور را خباثت و پلیدی خوانده که نفس‌های سلیم از آن نفرت و دوری می‌جویند؛ زیرا همه این امور از اعمال شیطان اند که دشمن انسان است؛ بنا بر آن خداوند متعال مؤمنان را به اجتناب و خود داری از این چیزها دستور داده تا در زنده‌گی دنیا کامیاب شوند و در آخرت به نعمت‌های خداوند صلی الله علیه و آله و سلم دست یابند.

دلایل حرمت خمر و قمار

بعد از آنکه آیات قرآنی چیزهای متعددی را حرام و ممنوع قرار داده، در آیه بعدی باز شراب و قمار را خاص گردانیده و بر حرمت آن تأکید نموده و اسباب و دلایل این حرمت را بیان داشته است.

آیه مبارک، مؤمنان را از عواقب شراب و قمار بر حذر ساخته تأکید فرموده که شیطان با زیبا نشان دادن منکرات می‌خواهد در میان شما دشمنی و بدینی ایجاد نماید؛ روابط دوستی میان شما را قطع نموده و در اثر نوشیدن شراب و بازی قمار در نفس‌های شما عقده‌ها و کدورت‌ها را زنده سازد؛ زیرا

وقتی شراب بر عقل نوشنده آن غلبه کند، سلامت عقلی و آگاهی انسان را مختل ساخته و او را وادار می‌سازد در مقابل کسانی که نسبت به او نیکی نموده اند بدی برساند و یا به اقارب و نزدیکان خود تجاوز نماید، که این امر سبب ایجاد عداوت و دشمنی‌های شدید در میان مردم می‌گردد.

همچنان قمار باز بسا اوقات مال و دارایی خود را در میدان قمار از دست می‌دهد؛ وچون نفس انسانی به مال و دارایی رغبت و محبت دارد؛ پس قمار باز با از دست دادن آن در مقابل کسی که مال و دارایی اش را از وی سلب نموده به دشمنی می‌پردازد و نسبت به وی کینه می‌گیرد که گاهی به قتل او اقدام می‌کند تا عقده و کینه خود را نسبت به کسی که دارایی اش را از وی گرفته و سبب فقر و درمانده گی او گردیده فارغ بسازد، و به این ترتیب آتش دشمنی‌ها، بدی‌ها و فتنه‌ها به اثر شراب و قمار در میان جامعه مشتعل می‌گردد.

ضررهاي ديني و معنوی شراب و قمار

چیزهایی که در بالا ذکر گردید اضطرار و مفاسد مادی و دنیایی شراب و قمار بود؛ اما در پهلوی آن شیطان سعی می‌کند با این مفاسد و پلیدی‌ها مردمان را از ذکر خداوند ﷺ و از نماز باز دارد، و آن‌ها را از نزدیکی به خداوند ﷺ دور نگهدارد؛ زیرا شراب نوش با نشء کاذب و زوال سلامت عقلی از طاعت خداوند ﷺ و ادای فرایض و مسؤولیت‌های دینی دور می‌شود؛ همچنان شخص قمار باز با کسب مال و دارایی از این راه پلید و حرام، به سبب ضعف و کمبود عاطفة سالم روحی و دینی دیگر به فکر انجام وجایب و مسؤولیت‌های دینی نمی‌گردد و به این ترتیب از عبادت خداوند ﷺ و تقرب به او تعالی دور می‌شود.

عواقب و اضرار صحی و اقتصادی شراب و قمار

باید دانست که نوشیدن شراب از نظر صحی برای انسان اضرار و عواقب بسیار خطرناک دارد و سبب بروز امراض خطرناکی در جسم انسان می‌شود همچنان امراض قلب و جگر برخی این بیماری‌های ناشی از شراب نوشی است.

قمار اضرار اقتصادی زیادی را برای فرد، خانواده و جامعه به بار می‌آورد و در بسا موارد سبب ایجاد مشکلات و حتی بحران اقتصادی می‌شود؛ چون قمار اساس اقتصادی درست ندارد که به رشد اقتصاد فرد و جامعه و فعالیت و دوران مثبت پول کمک کند؛ بنابر آن یک کار نادرست و مضر به شمار می‌رود. اسلام به حیث دین فطرت و نظام الهی برای زنده‌گی انسان همه چیزهای را که با فطرت سالم انسانی در تضاد باشد حرام قرار داده است. شراب و قمار از جمله همین چیزهای مضر و مخالف با فطرت انسانی به شمار می‌روند که اسلام آن‌ها را منوع و حرام ساخته است.

فواید و آموختنی‌ها

- پاره‌بی از فواید و درس‌های به دست آمده از آیات مبارک از این قرار است:
- ❖ حرام بودن شراب، قمار، بت‌های نصب شده، تیرها و دانه‌ها و دیگر چیزهای که غرض به دست آوردن مال و دارایی به صورت نا مشروع استفاده می‌شود.
 - ❖ شیطان راه‌ها و روش‌های زیادی برای گمراه نمودن انسان دارد؛ بنابرآن انسان عاقل باید از رفتن در این راه‌ها و افتادن به چنگال شیطان اجتناب ورزد.



به سؤالات زیر جواب ارائه نمایید.

- ۱- کلمات و مفردات زیر را معنا کنید.
(المیسر، الأنصاب، الأزلام، رجس).
- ۲- از آیات قرآنی راجع به موارد زیر دلیل ذکر نمایید.
 - ❖ حرمت شراب
 - ❖ حرمت قمار
 - ❖ شیطان در کمین است تا به مؤمنان ضرر برساند.
- ۳- ضررهای مادی و معنوی شراب نوشی را توضیح بدهید.
- ۴- «قمار باز به خود و جامعه ضرر می‌رساند» این مقوله را تشریح کنید.



یک مقاله درباره ضررها و مفاسد (شراب و قمار) بنویسید که از دو صفحه کمتر نباشد. در این مورد به آیات قرآنی و احادیث نبوی استدلال نموده به اضرار صحی و اقتصادی شراب و قمار توجه داشته باشید.

امر به عدل و احسان

قال تعالیٰ: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَا عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾ [النحل: ٩٠ - ٩١]

معنای کلمات

الْعَدْلِ:

انصاف، قرار دادن چیزی در جای خودش

الْإِحْسَانِ:

انجام دادن کاری به شکل درست

الْفَحْشَاءِ:

گناهان زشت

الْمُنْكَرِ:

آنچه شریعت بد دانسته است

الْبَغْيِ:

ظلم

لَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ:

عهدها و پیمانها را نشکنید

ترجمه

همانا خداوند ﷺ فرمان به عدل و احسان می‌دهد و به بخشش و عطا به خویشاوندان دستور می‌دهد و از کردار زشت، منکر و ستم باز می‌دارد و به شما پند می‌دهد، باشد که پند پذیر شوید؛ و چون با خداوند ﷺ عهدي بستيد به عهد خود وفا کنيد و هرگز سوگند و پیمانی را که مؤکد و استوار کردید نشکنيد. چرا که خداوند ﷺ را برابر ناظر و گواه گرفته ايد، همانا خداوند ﷺ به هرچه می‌کنيد آگاه است.

تفسیر

جامع ترین آیت در باره امر به معروف و نهی از منکر

خداؤند متعال به مسلمانان دستور می‌دهد و می‌فرماید: ای مسلمانان! خداوند متعال شما را امر می‌کند تا در همه معاملاتتان با عدل و انصاف عمل نمایید، همچنان شما را به احسان امر می‌کند که کارها و ماموریت‌های خود را به دقت انجام دهید.

خداؤند حَمْلَة شما را امر می‌کند که صلة رحم را با اقارب و خویشاوندان نگهدارید و حقوق شان را پیردازید و به آن‌ها نیکی کنید و به محتاجان شان یاری رسانید. با آنکه صلة رحم در ضمن احسان داخل است؛ اما ذکر نمودن آن به شکل مستقل اهمیت صلة رحم و توجه نسبت به آن را نشان می‌دهد.

این آیات به مسلمانان خطاب می‌کند که خداوند حَمْلَة شما را از فحشا که عبارت از اقوال و افعال قبیح و گناهان زشت و ناپسند می‌باشند منع می‌کند؛ چنانچه شما را از منکرات که همان قول و عمل منافی شریعت است باز می‌دارد؛ همچنان خداوند متعال شما را از ظلم و ستم بر دیگران و تلف نمودن حقوق شان منع و بر حذر می‌سازد.

سپس قرآنکریم می‌فرماید: «**يَعِظُكُمْ لَعِلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ**» ترجمه: این همه برای آن است خداوند حَمْلَة شما را پند می‌دهد تا پند و عبرت بگیرید؛ یعنی خداوند حَمْلَة شما را به اموری آگاه می‌سازد که زنده‌گی شما را نیک بگرداند و برای شما منفعت برساند تا شما فضل و احسان خداوند حَمْلَة را به یاد آرید. روایت شده که ابن مسعود حَمْلَة در باره این آیه مبارک چنین فرموده است: «این آیت جامع ترین آیت در باره امر به نیکی و نهی از بدی می‌باشد.»

فعالیت

شاگردان تحت رهنمایی استاد در باره مفهوم احسان و فواید آن از نظر قرآن بحث و گفتگو نمایند.

وفاداری به عهد و پیمان

خداؤند متعال، در لا به لای این آیت‌ها مسلمانان را به حفظ و نگهداری عهد و پیمان امر می‌نماید. عهد به معنای میثاق و پیمان است. و عهد خداوند حَمْلَة آن است که از انسان‌ها گرفته است تا به عبادت و طاعت او تعالی متعهد و ملتزم باشند انسان این عهد و پیمان را در هر رکعت نماز با خداوند حَمْلَة می‌بندد و می‌گوید: «**إِيَّاكَ نَعْبُدُ**» یعنی: پروردگار! ما تنها تو را می‌پرستیم.

در این آیت، همه آنچه باید به آن وفا شود، داخل می‌گردد؛ مانند احکام اسلام، وعده‌ها و التزامات با خداوند متعال با انسان‌ها و یا با نفس خود. و به این ترتیب جامع بودن این لفظ قرآنی ثابت و روشن می‌گردد. خداوند از همه پیامبران و پیروان شان عهد و پیمان گرفته تا او را عبادت و پیروی نمایند.

نسبت عهد به خداوند ﷺ در این آیت برای تأکید عهد و پیمان و بزرگی اهمیت آن می‌باشد؛ پس هرگاه انسان عهد و پیمانی را بخود لازم بگرداند، باید به آن وفا نماید.

﴿وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا﴾ ترجمه: قسم‌های خود را که به نام خداوند ﷺ

می‌بندید نقض نکنید؛ زیرا که نقض و شکستاندن قسم‌های تأکید شده، بدترین عهد شکنی به شمار می‌رود. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾ ترجمه: همانا خداوند ﷺ به عهد و پیمان و نقض آن که با حیله‌ها و تأویلات و توجیهات خود ساخته شما صورت می‌گیرد آگاه است، و شما را مطابق آنچه می‌کنید و مستحق آن هستید پاداش و کیفر خواهد داد.

فواید و آموختنی‌ها

از آیات مبارک فوق فواید ذیل را می‌توان آموخت:

- ❖ واجوب عدل و احسان و ادائی حقوق اقارب و رشته داران؛
- ❖ حرام بودن هر عمل قبیح که شریعت و عقل آن را زشت و ناپسند بداند؛
- ❖ حرمت ظلم و ستم و تجاوز به حقوق دیگران؛
- ❖ واجوب وفا داری و التزام به عهد، پیمان و قسم؛
- ❖ زنده نمودن احساس اینکه خداوند ﷺ مراقب تمام اعمال ما می‌باشد.



به سؤالات زیر جواب بدھید:

- ۱- آیه شماره نود در این درس به سه چیز امر نموده، و از سه چیز منع فرموده است. اوامر و نواهی موجود در درس گذشته را توضیح بدھید؟
- ۲- ابن مسعود رضی الله عنه در باره این آیت چه فرموده است؟
- ۳- مراد از عهد در آیه مبارک چیست؟ و منسوب بودن عهد به خداوند متعال چه فایده دارد؟
- ۴- واژه‌های ذیل را توضیح دھید: «الإحسان»، «الفحشاء»، «الأيمان».



شاگردان یک مقاله ده سطری راجع به وفاداری به عهد و پیمان بنویسند.

حقوق والدین

قال تعالیٰ: ﴿وَقَضَى رَبُّكَ أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ احْسَنَا إِمَّا يَبْلُغُنَّ عِنْدَكُمْ أَكْبَرُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقْلِيلَ لَهُمَا أَفِّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الظُّلْلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ أَرْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيْنَا صَغِيرًا ﴾ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَلِحِينَ فَإِنَّهُمْ كَانُوا لِلْأَوَّلِينَ عَفُورًا﴾ [الإسراء: ٢٣-٢٥]

معنای کلمات

قَضَى :

آواز و یا تعبیری که برای سرزنش به کار رود **أَفَ:**

آن ها را از خود مرانید **لَا تَنْهَرْهُمَا :**

وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الظُّلْلِ : خود را برای خدمت آن ها با فروتنی آماده بگردان

رجوع کننده گان به سوی خداوند **لِلْأَوَّلِينَ :**

ترجمه

و خدای تو دستور داده است که جز او را نپرسنید و در باره پدر و مادر نیکوبی کنید؛ چنانکه یکی از آن ها، یا هر دو در نزد تو پیر و سالخورده شوند هرگز کلمه بی که رنجیده خاطر شوند به آنان مگو، بر آن ها فریاد مکش، آن ها را از خود مران، با ایشان به اکرام و احترام سخن بگو؛ همیشه پر و بال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی نزدشان بگستران و بگو که: پروردگار! چنانکه پدر و مادر، مرا از کودکی بپروردند، تو در حق آن ها رحمت و مهربانی فرما. پروردگار شما به آنچه در دل های شماست داناتر است، اگر باشید شایسته پس هر آیینه او تعالیٰ رجوع کننده گان را آمرزنده است.

تفسیر

آیات مبارک فوق در بر گیرنده مجموعه ای از دستورات و نصایح است که با امر به طاعت و فرمانبرداری الله تعالی و احسان و نیکی به پدر و مادر و چگونه‌گی برخورد با ایشان آغاز یافته است.

دستور به پرستش خداوند

خداوند^{الله} در این آیات بندگان خود را تنها به عبادت خودش امر نموده است. امر خداوند^{الله} به کلمه **(قضی)** وارد گردیده که تأکید زیاد را نشان می‌دهد؛ یعنی خداوند^{الله} با قاطعیت امر نموده که جز او را عبادت نکنید؛ زیرا که او تعالی خالق و آفریننده همه است، و تنها او مستحق عبادت و بس.

دستور به نیکی با والدین

پس از آنکه خداوند^{الله} به پرستش خویش دستور می‌دهد، در کنار آن، احسان و نیکی به والدین را عطف نموده تا اهمیت نیکی با والدین و بزرگی مقام و منزلت ایشان را بیان نماید. سپس آیات مبارک به شرح و توضیح جوانب و چگونه‌گی نیکی و احسان با والدین پرداخته است. از جمله اینکه هرگاه والدین و یا یکی از آن‌ها به سن کهولت و ضعیفی رسید، در آن وقت کلمه و یا لفظی را در مقابل آنان استعمال نکنید که رنجش خاطر آن‌ها را فراهم آورد و یا احساس سختی و خسته گی به ایشان دست دهد؛ مانند کلمه «آف»؛ اگر چه آن کلمه ناچیز و سبک بوده باشد؛ ولی همین که در نفس والدین درد و رنجی را ایجاد نماید، از نظر اسلام و قرآن مردود و ناپسند است.

آیه مبارک، حالت پیری و کهولت پدر و مادر را خاص گردانیده، در حالی که توجه و خدمت والدین در همه حالات واجب است؛ اما این تخصیص دلالت بر آن دارد که والدین در حالت پیری و ضعیفی، بیشتر از هر وقت دیگر به توجه و خدمت ضرورت دارند؛ سپس خداوند متعال به انسان دستور می‌دهد که ای انسان! خویشن را برای خدمت پدر و مادرت با فروتنی و نرم‌خوبی میسر بگردان، و با مهربانی و تواضع با ایشان رفتار نما.

در این جا تعبیر به پایین نمودن شانه‌ها و یا جناح، تشییه زیبایی به حالت پرنده است که وقتی بخواهد جوجه‌های خود را در آغوش گیرد، بالهایش را برای آن‌ها پایین می‌سازد؛ همچنان وقتی که بخواهد از فضا پایین شود، بالهایش را پایین و هموار می‌کند. پس پایین نمودن جناح و یا بالها کنایه از تعامل نیک، نرمی، تواضع و مهربانی در برابر والدین است.

نه تنها این؛ بلکه خداوند^{الله} امر نموده که انسان در دعای خود برای والدینش چنین بگوید: ای پروردگار من! پدر و مادرم را در سایه رحمت بیکران خود قرار بده، طوری که آنان در هنگام کودکی بر من رحمت و مهربانی داشتند و مرا پرورش دادند.

در این دعا اشاره به این امر است که فرزند به هر اندازه‌یی که نسبت به والدین خود وفادار و خدمت‌گزار باشد، بازهم نمی‌تواند حق آن‌ها را ادا کند؛ بنا بر آن باید از خداوند^{الله} برای آن‌ها طلب رحمت و خوبی کند.

تشویق به توبه از گناه عقوب والدین

خداوند متعال می‌فرماید: «رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنَّ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلَّهِ أَوْبِتَ عَفْوَرَا» او تعالی بر نفس‌های مخلوقات خود، و آنچه در ضمایر شان از قبیل نیکی

به والدین و یا نافرمانی آن‌ها، وجود دارد، نیک آگاه است؛ پس هر که برای والدینش نیکی و خوبی اراده نماید، و از تقصیر و کوتاهی یی که پیش از آن نسبت به والدین و یا کسان دیگر سر زده است، باز گردد و به درگاه خداوند توبه نماید، خداوند متعال قبول کننده توبه کسانی است که رجوع می‌کنند و خداوند^{الله} گناهان شان را با فضل و کرم خود خواهد بخشید.

فعالیت

شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و در باره حقوق والدین در اسلام گفتگو نمایند؛ سپس یک یک نفر به نمایندگی از گروه خود پیش روی صنف آمده مطالب عمدہ را در سه دقیقه تشریح نماید.

فواید و آموختنی‌ها

فواید و دانستنی‌های آیات فوق قرار ذیل است:

- ❖ وジョブ نیکی به والدین عبارت از: تواضع نسبت به ایشان، توجه و خدمت گزاری به والدین، به خصوص در مرحله پیری و محتاج بودن والدین.
- ❖ بلند بودن جایگاه والدین در نزد خداوند متعال، زیرا حکم نیکی و خدمت به والدین بعد از حق خداوند متعال ذکر گردیده است.
- ❖ مراعات سخن گفتن و الفاظی که از فرزند نسبت به والدینش سر می‌زند این است که هیچ کلمه‌یی را بر زبان نیاورد که اشاره به اذیت و رنجش خاطر ایشان داشته باشد، اگرچند بدون قصد هم بوده باشد.
- ❖ دعای رحمت و مغفرت برای والدین در زنده‌گی، و همچنان بعد از مرگشان.
- ❖ توبه و طلب عفو به درگاه خداوند^{الله} از تقصیر و کوتاهی نسبت به والدین و عدم پنهان نمودن چیزی در نفس خود.

سوال‌ها

به سؤالات زیر جواب ارائه نمایید:

- ۱- دلالت عطف نمودن امر به نیکی با پدر و مادر به تعقیب عبادت خداوند^{الله} چیست؟
- ۲- سبب منع و خود داری از گفتن کلمه (اف) در مقابل والدین، و یا یکی از ایشان چیست؟
- ۳- آیه مبارکه به برخی اموری که فرزند برای والدین خود انجام بدهد اشاره نموده است، اینها کدامها اند؟ توضیح بدھید.
- ۴- یک فرزند چه اسلوب و روشی را در صحبت کردن با والدین خود باید به کار برد؟
- ۵- یک فرزند باید در حق والدین خود چگونه دعا نماید؟



در روشنی آیات قرآن کریم و احادیث شریف یک مقاله که از پانزده سطر کم نباشد در باره نیکی به والدین بنویسید.

حقوق خویشاوندان، مسکینان و مسافران

قال تعالى: ﴿ وَءَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَدِّرْ
تَبَدِّيرًا ﴾ إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَنِ وَكَانَ الشَّيْطَنُ لِرَبِّهِ
كَفُورًا ﴾ وَإِنَّمَا تُعَرِّضُنَّ عَنْهُمْ أَبْغَاعَ رَحْمَةٍ مِّنْ رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ
قَوْلًا مَّيْسُورًا ﴾ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنْقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ
لَبْسَطٍ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ
إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَيْرًا بَصِيرًا ﴾ [الإسراء: ٢٦-٣٠]

معنای کلمات

قَوْلًا مَّيْسُورًا:

مَعْلُوَةٌ

تِسْطُّحًا

مَحْسُورًا

ترجمہ

حقوق خویشاوندان، فقیران و رهگذران بیچاره را ادا کن و هریک را به حق شان برسان و هرگز اسراف روا مدار که اسراف کننده‌گان برادران شیطان‌ها اند. وشیطان در حق پروردگار خویش سخت کفر ورزید؛ چنانچه از ایشان روی گردان شوی تا رحمت و مهربانی پروردگارت را به دست آوری، چیزی که همواره در پی آن هستی، پس آنان (والدین) سخنی نیکو و نرم بگو. و نه دست خود را در گردنت بیند (بخیل میاش)، ونه بسیار باز و گشاده دار، (اسراف مکن) که به نکوهش و درمانده‌گی خواهی نشست. همانا خدای تو هر که را خواهد روزی فراخ دهد و هر که را خواهد تنگ روزی گرداند، که او به (صلاح کار) بینده‌گان خود کاملاً آگاه و بصیر است.

تفسیر

نیکی به خویشاوندان

در این آیات مبارک خداوند متعال به بندۀ گان خود رهنمایی‌های بیشتری نموده است تا به وسیله آن نفس‌های خود را پاک سازند و اجتماع خود را از هرگونه زشتی و عواقب ناگوار نگهداری نمایند.

خداوند متعال در این قول خود: **﴿وَءَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ الْسَّبِيلِ وَلَا تُبْدِرْ تَبَدِيرًا﴾** به احسان و نیکی و نگهداری صلة رحم و همکاری و مساعدت با اقارب و نزدیکان و محتاجان و تهمی دستان دستور داده است.

مقدم نمودن اقارب و رشتهداران بر دیگر مستحقین، در آیه مبارک برای این است که اقارب نسبت به دیگران حق اولویت دارند؛ و احسان و همکاری با ایشان، ادائی صلة رحم و صدقه می‌باشد.

منع از اسراف

بعد از رعایت حقوق خویشاوندان، خداوند متعال از اسراف و تبذیر منع نموده است. اسراف عبارت از مصرف نمودن مال و دارایی بی مورد و در غیر محل آن است. در این آیت علت ممنوعیت اسراف چنین

بیان گردیده: **﴿إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيَاطِينُ لِرَبِّهِمْ كَفُورًا﴾** یعنی مبدرين و اسراف کننده گان در اوصاف زشت‌شان به شیاطین تشبيه گردیده اند؛ زیرا شیاطین در مقابل نعمت‌های خداوند حَمْدَه شکر گزار نیستند و یک چیز را در غیر محل و موضع مناسب آن می‌گذارند، در زمین فساد می‌کنند و مردمان را گمراه می‌سازند. به همین ترتیب اسراف کننده گان در این اوصاف با شیاطین شباهت و همنوایی دارند. البته در این تشبيه اسراف و تبذیر بد و زشت معرفی گردیده و به ترک و دوری از آن ترغیب و تشویق صورت گرفته است؛ زیرا انسان عاقل به هیچ صورت نمی‌خواهد برادر شیطان باشد.

سخن نیکو گفتن با تنگ دستان

به تعقیب تشویق توانمندان به احسان و نیکی به خویشاوندان و نیازمندان، آیات قرآنی حالت کسانی را بیان نموده که توان انفاق را ندارند، اما از خداوند حَمْدَه آرزو می‌کنند که برایشان رزق و روزی نصیب فرماید تا از آن صدقه کنند. خداوند حَمْدَه به آن‌ها ارشاد می‌فرماید، در این صورت از اقارب و محتاجانی که از آن‌ها چیزی می‌خواهند به لطف و مهربانی و سخن نرم و خوب معدرن بخواهند تا با این کار سرور و خوشحالی را به قلب‌های شان داخل سازند: **﴿وَإِمَّا تُعِرضَنَ عَنْهُمُ أَبْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّنْ رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَّهُمَّ قَوْلًا مَّيْسُورًا﴾** ترجمه: هرگاه از ارحام و فقیران اعراض کرده و توجه به حقوق‌شان نتوانی کرد، باز گفتار خوش به آنان بگو.

در این آیه مبارک ارشاد و تعلیم است برای مؤمنان مبنی بر اینکه در صورتی که چیزی برای مساعدت به محتاجان نداشته باشند، به بارگاه خداوند ﷺ دعا نمایند تا برایشان روزی و توانمندی نصیب کند، و در آن وقت به انفاق و صدقه پردازند و از کمک و مساعدت به اقارب و محتاجان و مسافران خود داری نکنند، مگر در صورتی که چیزی برای یاری و مساعدت آنها نداشته باشند؛ و همچنان در برخورد با آنها از سخن پسندیده و خوشحال کننده و برخورد زیبا و دلنشیں کار بگیرند.

اعتدال و میانه روی در مصرف

خداوند متعال بعد از ممنوعیت اسراف، بندگان خود را به بهترین راههای انفاق رهنمای نموده می‌فرماید: «**وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَيْ عُنْقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلُّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا**» ترجمه: نه دست خود را (از روی بخل) به گردنت محکم بسته دار، و نه بسیار باز و

گشاده گردان که در هر دو صورت به ندامت و درمانده‌گی رو برو خواهی گشت. به این معنی که انسان مؤمن باید از اعتدال و میانه روی کار بگیرد؛ بخیل نباشد؛ مانند کسی که دستش با زنجیر به سوی گردنش بسته شده و نمی‌تواند انفاق و صدقه کند؛ همچنان اسراف کننده نباشد؛ چون کسی که دست خود را باز نماید تا هیچ چیزی در دستش باقی نماند؛ پس بخل و اسراف هر دو منجر به آن می‌گردد که صاحب آن از طرف خداوند ﷺ و هم از جانب مردم و با نفس خود مورد ملامتی قرار گیرد؛ پس هردو صفت (بخل و اسراف) زشت و ناپسند بوده مورد رضایت خداوند نمی‌باشدند.

فراخی و تنگی در رزق

سپس خداوند متعال می‌فرماید: «**إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الِّرِزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَيْرًا بَصِيرًا**» ترجمه: بدان که پروردگار تو هر که را خواهد روزی فراوان دهد و هر که را خواهد دروازه‌های روزی اش را تنگ سازد.

فراوانی و کمبودی رزق برای بندگان امری است که بسته‌گی به اراده خداوند ﷺ و حکمت و کمال علم او تعالی بر بندگانش دارد؛ خداوند ﷺ بر احوال ایشان نیک آگاه و بیناست. او تعالی خوب می‌داند که برای چه کسی رزق فراوان مناسب است و فقر و تنگدستی او را فاسد می‌سازد. همچنان او تعالی خوب می‌داند که برخی بندگانش را تنها فقر و تنگدستی سزاوار است. گاهی فراوانی و تنگدستی امتحان و ابتلا برای بندگان می‌باشد که خداوند ﷺ برایشان انتخاب می‌نماید؛ پس او تعالی به احوال بندگانش نیک آگاه و بیناست.

فعالیت

شاگردان با رهنمایی معلم در بارهٔ خوبی‌های کمک و صدقه؛ همچنان در بارهٔ نتایج زشت بخل در روشنایی آیات و احادیث نبوی بحث و گفتگو نمایند.

فوايد و آموختنی‌ها

برخی از فوايد و آموختنی‌های اين آيات:

- ❖ واجب بودن اعطای حقوق اقارب و نزدیkan و نگهداری صلّه رحم در مقابل ايشان؛ همچنان کمک و مساعدت برای محتاجان و مسافران.
- ❖ حرام بودن اسراف و تبذير، زشت نشان دادن و تنفر از اسراف و تشبيه شخص اسراف کننده به شياطين.
- ❖ لزوم وعدهٔ خوب و سخن نيك و زيبا به جاي انفاق و صدقه، برای کسی که توانايي انفاق و صدقه را ندارد.
- ❖ از خداوند ﷺ طلب نمودن آنکه برای بنه توan مالی نصib فرماید تا در راه خداوند ﷺ انفاق نماید.
- ❖ اعتدال و ميانه‌روی در انفاق و صدقه، بدون بخل و اسراف.



به سؤالات زير جواب بگويند.

- ۱- حقوقی که دادن آن برای اقارب، تنگستان و محتاجان، و مسافران واجب است کدامها اند؟
- ۲- معنای تبذير چيست؟ و علت نهی از آن را توضیح دهيد.
- ۳- کسی که چيزی برای انفاق نمودن به سايل نداشته باشد، چی باید بكند؟
- ۴- از آيات قرآنی برای هر يكی از موارد زير دليل بياوريد:
 - الف) اسراف برای صاحب آن ملامتی و ندامت بار می‌آورد.
 - ب) قلت رزق و تنگستانی به معنای غصب و خشم خداوند ﷺ بر بندهاش نیست.



در کتابچهٔ خود حقوق اقارب و رشته داران، مسکینان، و مسافران را مختصراً درج نمایيد.
نتایج قبیح و زیان بار بخل را در کتابچهٔ خود بنویسید.

عدالت و مسؤولیت در معاملات

قال تعالیٰ: ﴿وَأَوْفُوا الْكِيلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴾ وَلَا تَقْنَعْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْؤُلًا ﴾ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرُقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ﴾ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئَهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ﴾ ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا إِلَّاهًا فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا ﴾ [الإسراء: 35-39]

معنای کلمات

بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ:

تَأْوِيلًا:

لَا تَقْنَعْ:

مَرَحًا:

مَدْحُورًا:

عادل و انصاف، با میزان برابر

عقابت و فرجام

تعقیب و جستجو مکن

خمیازه کردن از روی فخر و تکبر

رانده شده دور از رحمت خداوند

ترجمه

و هرچه را به پیمانه می‌سنجدید پوره و تمام و با ترازوی درست و عادلانه بسنجدید، که این کار بهتر بوده و عاقبتی نیکوتر می‌باشد. (ای انسان) هرگز آنچه را که بدان علم و اطمینان نداری دنبال مکن که چشم و گوش و دل همه مسؤول اند. و هرگز در زمین به کبر و ناز مرو و غرور و نخوت مکن، که به قوت خود زمین را نتوانی شگافت و به کوه در بلندی نخواهی رسید. که این قبیل کارها و اندیشه‌های بد گناهش نزد خداوند الله ناپسند است. این‌ها پاره‌یی از حکمت است که پروردگارت به تو وحی کرد، و هرگز با خدای یکتا کسی را به خدایی مپرست و گرنه ملامت زده و مردود به دوزخ خواهی افتاد.

دستور به پوره دادن پیمانه

خداؤند متعال بینه‌گان مؤمن خود را امر می‌کند که در معاملات و خرید و فروش از عدالت و راستی کار بگیرند و حقوق یکدیگر را ضایع نسازند؛ چنانچه او تعالی فرموده است: **﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا**

كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ حَيْرٌ وَأَخْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ ترجمه: هرگاه به

دیگران چیزی را وزن می‌کردید آن را پوره وزن کنید و با ترازوی وزن نمایید که عادلانه و منصفانه باشد و از پیمانه و یا ترازو کم نکنید؛ زیرا که این امر در دنیا به خیر و صلاح شما بوده و مردم برای تعامل با شما رغبت پیدا می‌کنند؛ همچنان این امر عاقبت نیک در آخرت دارد و اجر و ثواب خداوندی را برای شما بار می‌آورد.

در اینجا امر به پوره دادن، در پیمانه و یا وزن ترازو، در صورت فروش، برای آن است که حالت کم کردن است، برخلاف خرید؛ که حالت گرفتن است و انسان برای منفعت خود حرجیص بوده و نمی‌خواهد حقش کم شود.

دبیال نکردن مجھولات

خداؤند ﷺ به انسان امر می‌کند: **﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ الْسَّمَعَ وَالْبَصَرَ وَالْقُوَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْؤُلًا﴾** ترجمه: هرگز آنچه را که بدان علم و اطمینان

نداری دنبیال مکن که چشم و گوش و دل همه مسؤول اند.

پس انسان باید در حد علم خود قرار بگیرد، و در مورد چیزی که نمی‌داند، و یا در مورد آنچه ندیده و یا نشنیده است، سخن نگویید؛ زیرا که انسان از گفتن و شنیدن سخن بیهوده و دروغ و غیبت مورد محاسبه و سؤال قرار می‌گیرد؛ چنانچه از دیدن منکرات و عورت‌ها نیز مورد محاسبه و مؤاخذه قرار

خواهد گرفت؛ همچنان اعضا و اندام‌های انسان از قبیل گوش، چشم، قلب و غیر آن، مورد سؤال و مؤاخذه قرار خواهد گرفت وهمه این اندام‌ها در روز آخرت به سخن آمده به نفع و یا به ضرر انسان شهادت می‌دهند.

پس بر انسان لازم است که بر حذر باشد، و تقلید کورکورانه نکند و در مورد آنچه انجام می‌دهد از خداوند ﷺ بترسد و بدون علم و آگاهی کامل حکم نکند و راجع به آنچه نمی‌داند پیش داوری نکند.

اجتناب از تکبر و خود بزرگ بینی

آنگاه خداوند متعال انسان را بر حذر می‌سازد که از خود بزرگ بینی و تکبر خود داری ورزد، و می

فرماید: **﴿وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغْ الْجِبَالَ طُولاً﴾** ای

انسان! با فخر و تکبر و خوشحالی بیش از حد در زمین حرکت مکن، و با قوت و جاه و مال و منصب خود احساس برتری و بلندی نداشته باش. ای انسان! چگونه در زمین تکبر می‌ورزی، در حالی که نمی‌توانی با قدم‌هایت در آن رخنه ایجاد نمایی؟ چگونه بر مردم تکبر می‌کنی، در حالی که با همه خود بزرگ بینی و بلند پروازی ات نمی‌توانی به بلندی کوه‌ها بررسی؟ تو مخلوق ضعیف و ناتوانی بیش نیستی، و برایت سزاوار نیست که تکبر نمایی، پس در رفتار خود و در برخورد با دیگران تواضع و فروتنی پیشه کن و می‌فرماید: **﴿كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئَةً عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا﴾**

ترجمه: همه این و فروتنی پیشه کن و می‌فرماید: **﴿كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئَةً عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا﴾**

افعالی که خداوند ﷺ از آن منع فرموده، در نزد او تعالی زشت و ناپسند است، پس باید از آن دوری نمایی تا رضای خداوند ﷺ را کسب کنی.

﴿ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًاٰءَ اخْرَ فَتَلْقَىٰ فِي

﴿جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا﴾ ترجمه: اینها برخی از حکمت‌هایی اند که پروردگارت بر تو وحی کرد، و

هرگز با خدای یگانه کسی را به خدایی مگیر و گزنه ملامت زده به دوزخ انداخته خواهی شد. معنای عام این آیت‌های قرآنی آن است که خدای متعال در خطاب به پیامبر ﷺ فرموده است: چیزهایی

که شما را بدان امر نموده‌ایم و یا از آن منع کرده‌ایم از کلام محکم خداوند ﷺ به شمار می‌رود، پس به کسانی که از تو پیروی می‌نمایند دستور بده تا به آنچه تشویق شده اند عمل نمایند و از آنچه منع شده اند اجتناب ورزند.

خداوند متعال از شرک به او تعالیٰ منع نموده بیان داشته که جزای کسی که با خداوند ﷺ چیز دیگری را شریک می‌سازد آن است که رانده شده و ملامت زده از نفس خود و از جانب دیگران در جهنم انداخته می‌شود، و از رحمت خداوند متعال دور می‌گردد.

فوايد و آموختني‌ها

- فوايد و آموختني‌هاي اين درس به شرح ذيل است:
- ❖ در التزام و عمل به اوامر خداوند متعال در دنيا منفعتهاي زيادي نهفته است؛ همچنان در نزد خداوند ﷺ اجر بزرگی نصيب انسان می‌گردد.
 - ❖ پوره نمودن پيمانه(عدالت در ترازو) واجب است و بايستى در وزن و ترازو عدالت و انصاف را مراعات نمود و از کم کردن در آن خود داري ورزيد.
 - ❖ سخن گفتن و حكم نمودن بدون آگاهى و اطمینان در دين مقدس اسلام از منکرات است؛ بايست از هر گونه قول و عمل بدون علم اجتناب ورزيد.
 - ❖ تکبر و غرور و خمیازه در هنگام راه رفتن حرام است.



به سؤالات زير پاسخ بگويند:

- ۱- فايده پوره نمودن پيمانه و عدالت در ترازو در دنيا و آخرت چيست؟
- ۲- چرا قرآن از قول و عمل بدون علم و دنبال کردن بدون آگاهى منع نموده است؟
- ۳- اعضا و اندام انسان در روز قيامت از چه چيزهایی پرسیده می‌شوند؟ و چگونه جواب می‌گويند؟
- ۴- سبب ياد دهانی انسان متکبر به آن که زمين را نمی‌تواند بشگاف، و یا به بلندی کوهها نمی‌رسد، چيست؟

سوره (المطففين) کیفیت کم کردن در مقدار و ترازو را بیان نموده است. آیات مربوط به موضوع درس در سوره متذکره را در این مورد تلاوت نمایید. و آن را در کتابچه خود درج کنید؟

و صلی اللہ تعالیٰ علی خیر خلقہ محمد و علی آلہ و اصحابہ أجمعین، و آخر دعوانا
أَنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ